اَللّٰهِ جَبّارِ اَلضّارّ

جلد سوم

فقه

نیما شهسواری

سخنی با شما

به نام آزادی، یگانه منجی جانداران.

ای به چشم بخورد و همگان راهایم چنین نگاشته‌دانم تا در سرآغاز کتاب‌بر خود وظیفه می واسطه آن برخی رااز این درخواست باخبر سازم. نیما شهسواری، دست به نگاشتن کتبی زد تا به چنین‌به خود بخواند، قشری را به آزادگی دعوت کند، موجبات آگاهی برخی گردد و این واسطه رزمش تجارتی برپا دارد و این رزم پاک‌افکارش را نشر دهد. بر خود، ننگ دانست تا به را به ثروت مادی آلوده سازد.

هدف و آرمان من از کسی پوشیده نیست و برای دانستن آن نیاز به تحقیق گسترده نباشد؛ زیرا که هماره سخن را ساده و روشن بیان داشتم و اگر کسی از آن مطلع نیست، حال دگربار بازگو شود.

کران خداوند، الله، یهوه، عیسی، انسان و یا هر نام دیگری که‌های بی‌به پا خاستم تا برابر ظلم غایت و هدف را هماره با قدرت تلاقی داده است، فریاد برآورم و آزادی همه جانداران را فراهم سازم؛ رهایی جاودانی که دارای یک قانون است و آن احترام و آزار نرساندن به دیگر جانداران، ها است‌گیاهان، حیوانات و انسان.

دانم که در راستای رسیدن به این هدف والا که همانا آزادی است، قانون‌بر خود ننگ می رهایی را نقض و باعث آزار دگر جانداران شوم.

توان راه گذشتگان را در پیش نگرفت و دگر چون‌با مدد از علم و فناوری امروزی، می گذشته برای نشر کتب از کاغذ استفاده نکرد؛ زیرا که این کاغذ از تن والای درختان زیبا غارت گاه‌شود و موجبات مرگ این جاندار و تخریب طبیعت را حادث گردد. من خود هیچ ام از ناشران کتب، نشر ندادن این‌هایم را بر کاغذ، جان درخت، نشر ندادم و تنها خواسته‌نگاشته رسانی‌ها بر کاغذ است؛ حال چه از روی سودجویی و چه برای ترویج و اطلاع‌نگاشته.

گیری از فناوری در برابر مرگ و تخریب درختان، این جانداران والا،توان با بهره‌امروز می مدد از این‌شک بی‌دانید که بی‌ایستادگی کرد؛ پس اگر شما خود را مبلغ افکار آزادگی می گاه به قتل طبیعت دست نخواهید زد. اگر هم تنها هدفتان سودجویی است و برنگاشته نیز هیچ توانید از فناوری بهره بگیرید تاعام درختان می‌بهره از کشتار و قتل‌این پیشه پا فشارید، بی حق و قابل تکریم گرددکردارتان از دید من و دیگر آزاداندیشان به.

امید آزادی و رهایی همه جانداران‌به

سخن گردآورنده

جبارالضار، گردآمده است تا مردمان با چهره راستین اسلام روبرو شوند و فرای‌کتاب الله نگارههای دینی و در لفافه نگاه داشته شدن اسلام چهره حقیقی و ابعاد در خفا مانده از آن را بیشتر از پیش به نظاره بنشینند.

این کتاب، از چهار بخش اصلی جهان اسلام تشکیل شده است. قانون، فقه، تاریخ و حدیث تنها از متون قابل وثوق اسلامی که نزد مسلمانان از اعتبار بالایی برخوردار است استفاده شده.

بر این متون چیزی افزوده و یا کاسته نشده است و گردآورنده، هیچ دخل و تصرف و یا تفسیری به آن نیفزوده است تنها سعی شده تا عناوینی که دران ظلم، تبعیض و هر زشتی دیگری توسط اسلام بیان شده است را گردآورد.

ترین اصل اسلامی در کتابی تحت عنوان گواه ظلم مورد بررسی‌عنوان مهم‌قران، به قرارگرفته است، در این کتاب سعی شده تا عناوین دیگر جهان اسلام که هرکدام به قوت قران در شکل امروزی اسلام و شرایط زندگی مسلمانان و تمام مردم جهان تأثیر دارد مورد بررسی قرار گیرد.

های‌دو اصل مهم که در این گرداوری به آن پایبند بودم در وهله اول، استفاده از کتاب مرجعی که برای مسلمانان مقدس، محترم و تأثیرگذار است و دوم اینکه، بر این متون چیزی افزون نکنم و تفسیری به آن اضافه نشود که هر جمله از این نگارهها نیازمند کتابی مجزا و تفسیر از زشتیهای درون آن است.

ها بگشاید تا بیشتر اسلام را بشناسند وبه امید آنکه، این گرداوری دریچهای برای همه انسان با دانش به حقیقت آن به این باور پایبند باشند.

رفت جهان از تمام مصیبتهاست‌ها که راهگشای برون‌به امید بیداری همه انسان.

فصل اول اهل سنت

پیشگفتار

.الضار) فقه و اجتهاد اسلامی مورد بررسی قرار گرفته استجباردر این بخش از کتاب (الله

علمی اسلامی مستند بر قرآن، حدیث و سنت پیامبر که شاید به جرأت بتوان گفت امروز ترین قدرت اجرایی در جوامع اسلامی را دارد و فتاوای فقها ارکان اصلی زندگی مسلمانانبزرگ دهد شاید برای عامه مسلمانان چنین علومی نه به درستی بیان شده و نه‌را تحت تأثیر خود قرار می آنان زندگی خویشتن را متأثر از آن بدانند لیک باید دانست که این تفکر و نگرش با مدد از ای در جهان و میان مردم کسب کرده و در برخی از کشورها قدرتاسلام که قدرت فزاینده کند وناشدنی خویش را از میان همین فتاوا و از دل فقها کسب می‌بلامنازعه است عطش وصف ترین مسائل خصوصی زندگی مسلمانان از همین‌از قوانین مجازات رایج در کشورها تا کوچک گرفته است، هرچند اصول این فتاوا از همان عوامل اصلی اسلام سیرابعلم اسلامی نشئت گیرد اما باید دانست که فقه یکی ازشود و یکپارچه و یکرنگ در بیشتر مواقع موضع می‌می امروزی اسلام در جهان است پس‌ترین عامل شکل‌های اسلامی و تقریباً بزرگ‌ترین اهرممحکم باید چنین اصل مهمی را مورد بررسی قرار داد و بیشتر به این باور نزدیک شد و آگاهانه از آن .شناخت کسب کرد

ام هرچند برای کامیابی کامل به‌در این بخش از کتاب به بررسی فتاوا فقها اهل سنت پرداخته ها دست یابیم وفتاوای معتبر در تمام عصرهای تاریخی نیاز است تا به متون عربی این کتاب شرایط دسترسی به چنین منابعی نبود لیکن بازهم با توجه به منابع موجود دست به گردآوری زدم و در عین حال باید دانست که در صورت استفاده از هر کتاب فقهی، هر مجتهد و هر مذهب اشکالات بسیاری در راستای

ها وارد خواهد شد لذا بر گردآورنده موضوعیتی در انتخاب فقیه ارجح وگذاری‌ارزش تر نبوده است و در عین حال ساختار و مبنای تمامی این فتاوا در اصول یگانه است وارجح ها در فروع قابل مشاهده است و برای دوری از چنین حواشی تنها باید اصل را در نظرتفاوت .ترین فقها نزد هر مذهب رجوع کندگرفت و مخاطب قادر است به ارجح

باید افزود که به مثال دیگر کتب گردآوری شده اصل را بر گواه گرفتن ظلم و در عین حال ای برای فهم بهتر و بیشتر اسلام‌تغییر ندادن و تفسیر نیفزودن بر این متون گذاشتم باشد که دریچه .برای خواننده بگشاید

کتب استفاده شده در این بخش با توجه به بضاعت و شرحی که عرض شد دارای اعتبار است و تا حد امکان سعی شده از تکرار عناوین و موضوعات کاسته شود تا بیشتر در خور حوصله مخاطب قرار گیرد هر چند که به واسطه واحد بودن دستگاه فکری این فتاوا در بیشتر .رسدمباحث یکسان و یکرنگ است و اجتناب از تکرار امری محال به نظر می

باید اذعان داشت که در بخش اهل سنت با توجه به اینکه این مذهب دارای چهار فرقه اصلی است لکن به واسطه همین تشابه و یکرنگ بودن فتاوا از دو فرقه حنبلی و حنفی برای استناد های مختلف اسلامی برای‌تواند به سیل انبوه این کتب در فرقه‌استفاده شده است و مخاطب می تری کند و بیشتر به ماهیت حقین اسلام پی ببرد و این کتاب راشناخت بیشتر پژوهش کامل .ای برای شناخت بهتر و سرآغازی به این برهان عظیم بینگارددریچه

.با امید همیشگی و آرزوی قلبی که همانا آزادی همه جانداران است

فتاوی علما البلد الحرام

گردآورنده و مترجم: دکتر خالد بن عبدالرحمن جریسی

باب اول: عقیده

دهدحکم مسلمانی که ارکان عملی اسلام را انجام نمی -۶

س: شخصی که پدر و مادرش مسلمان هستند اما خودش تارک نماز و روزه و همه احکام و توان با چنین فردی برخوردی مانند دیگر مسلمین داشت مثلاً با او غذاشعائر اسلامی است آیا می خورد و ... یا خیر؟

گونه باشد که شما بیان کردید بنابر قول صحیح علما چنین فردیج: چنانچه اصل قضیه این کافر و از دین اسلام خارج شده است به مدت سه روز از او درخواست توبه شود اگر توبه نمود امر مسلمانان احکام مرتدین را در مورد او به اجراالحمدالله و اگر توبه نکرد پس باید ولی درآورد مسلمانان اجازه ندارند با چنین فردی دوستی کنند و یا به دیدنش بروند مگر به منظور .نصیحت و ارشاد و راهنمایی تا شاید توبه کند

فتاوای انجمن دائم مباحث علمی و افتا

شودکننده آن چه زمانی کافر می‌حکم استفاده از صلیب و اینکه استفاده -۱۲

کند با هم به جر و بحث‌س: ما در مورد مسلمانی که از صلیب آرم نصاری استفاده می پرداختیم برخی از ما یکسره فتوای کفر او را صادر کردند و برخی دیگر گفتند: این شخص های نصاری‌شود که بر او اتمام حجت گردیده و توجیه شود که صلیب از ویژگی‌زمانی کافر می شود؟است چنانچه بر عملش اصرار ورزد کافر می

ج: در چنین مواردی باید با تفصیل و توضیح سخن گفت چنانچه برای چنین فردی حکم استفاده از صلیب توضیح داده شده که این عمل شعار نصاری است و کسی که صلیب حمل کند در واقع دوست دارد به نصاری منتصب شود افعال و اعمال نصاری را دوست دارد با تمام‌می فرمایدتوان او را تکفیر کرد زیرا الله تعالی می‌این موارد اگر بازهم بر آن اصرار ورزید می:

گمان‌هرکس از شما با آنان (یهود و نصاری) دوستی ورزد و آنان را به سرپرستی بپذیرد بی رود و شکی نیست که الله تعالی افراد ستمگر را به سوی ایمان‌او از زمره ایشان به شمار می کندهدایت نمی.

های علمی و افتاانجمن دائم پژوهش

خواندکفر کسی که نماز نمی -۱۳

های او ندارندکند اما آنان توجهی به صحبت‌س: کسی که خانواده خویش را به نماز امر می آیا در همان منزل با آنان سکونت کند یا از منزل خارج شود؟

خوانند کافر مرتد و خارج از اسلام هستندج: در صورتی که اهل منزل اصلاً نماز نمی بنابراین شما اجازه ندارید با آنان در یک منزل سکونت کنید و بر شما لازم است با دلسوزی و ها را به خواندن نماز فراخوانیداصرار آن.

گوید یا محمد یاعلی یاگیلانی‌حکم شرع در مورد کسی که می -۱۷

گوید یامحمد یاعلی یاگیلانی چیست؟س: حکم شرع در مورد کسی که می

ج: چنانچه منظور از صدا زدن این افراد خواستن طلب و کمک از آنان باشد چنین شخصی مشرک خالص و از دین خارج است باید به پیشگاه الله توبه نموده و فقط ذات پاک یگانه را صدا زند.

شیخ ابن عثیمین مجموع فتاوی و رسائل

حکم ذبح برای غیر الله -۱۸

س: حکم ذبح برای غیر الله چیست؟

ایم که توحید در عبادت یعنی تنها الله را عبادت کردن وج: در موارد متعدد بیان داشته یک از انواع عبادات را برای غیر الله انجام ندادن ذبح و سربریدن حیوان نوعی عمل ثواب وهیچ کند زیرا الله فرموده‌تقرب است که انسان مؤمن خود را به الله نزدیک می:

.پس تنها برای پروردگار خود نماز بخوان و قربانی بکن

ها را نازل کرده است‌حکم اعتراض بر احکام شرعی که الله تعالی آن –۲۴

گویند بعضی از احکام شرع نیاز به تعدیل و تجدید نظر دارد زیرا این احکام‌ای می‌س: عده الارث مرد که دو برابر زن است ومناسب با زمان کنونی نیستند این عده و مسائلی همچون سهم کنند حکم شرع در مورد چنین سخنانی چیست؟... اشاره می

ج: احکامی که الله تعالی در قرآن یا به وسیله پیامبر (ص) آن را برای مردم بیان نموده است کسی حق اعتراض و تغییرمانند آیات تقسیم ارث و ... که امت بر آن اجماع نموده است هیچ ها را ندارد زیرا چنین مواردی از زمان پیامبر (ص) تا قیام قیامت به عنوان قوانین پایه و اصول‌آن اندشریعت اسلام برای امت مسلمان تصویب شده.

شیخ ابن باز مجموع فتاوی و مقالات متنوعِ

حکم منکر آخرت –۲۵

س: حکم شرع در مورد منکر آخرت و کسی که معتقد است زندگی پس از مرگ از توان منکرین آخرت را قانع نمود؟باشد چیست و چگونه می‌وسطی می‌خرافات قرون

باشد کافروسطی می‌ج: کسی که منکر زندگی آخرت باشد و فکر کند این از خرافات قرون .است

حکم کسی که کافر را تکفیر نکند –۲۸

س: کسی که کافر را تکفیر نکند حکمش چیست؟

ج: کسی که کفرش به اثبات رسیده است لازم است او را تکفیر نمود چنانچه کسی از امر مسلمین حکم ارتداد را بر او اجرا کند و اگر تردید کند خودش کافرکفرش توبه نکرد ولی ای باشد که مانع صدور حکم باشد البته لازم است نوع شبهه بیان شودشود مگر اینکه شبهه‌می.

حکم دعوت به آزادی فکر –۳۵

س: موضوع آزادی اندیشه و عقیده و دعوت به آن را توضیح دهید؟

ج: چنانچه کسی معتقد باشد که انسان از نظر اعتقادی کاملاً آزاد است و هر دینی را که تواند اختیار کند از نظر ما چنین آزادی مساوی با کفر است با این توضیح که اگربخواهد می مسلمانی معتقد باشد انتخاب دینی به جز دین محمد (ص) جایز است این فرد کافر است و باید القتل استفوراً توبه نماید چنانچه توبه نکرد به عنوان مرتد واجب.

شیخ ابن عثیمین مجموعه فتاوی و رسائل

۳۶- حکم کسی که می العلاج و مزمن مظلوم هستندهای صعب‌گوید مبتلایان به بیماری

س: کسانی هستند که می العلاج و مزمن در حق آنان‌های صعب‌گویند: افراد مبتلا به بیماری ظلم شده است زیرا حقشان این بود که مانند افراد سالم و تندرست زندگی کنند اما تقدیر چنین سرنوشتی برای آنان رقم زده است.

ج: اعتراض بر قضا و قدر اعتراض به رب ها و زمین و صاحب‌العالمین است که مالك آسمان اختیار است آنچه که صلاح بداند عمل می کند احکامش قابل تعطیل نیست معترض بر الله تعالی کافر است.

فتوا با امضای شیخ ابن عثیمین

۵۵- کفر اهل کتابی به رسالت محمد (ص) ایمان ندارند

س: قرآن صراحتاً اهل کتاب را کافر دانسته است مگر آنان که به رسالت پیامبر (ص) ایمان بیاورند یهود معتقدند که عزیز (ع) پسر الله تعالی است و نصاری که معتقدند عیسی (ع) پسر الله تعالی است.

قرآن کریم به کفر یهود و نصاری تصریح نموده با این وجود برخی از علما می گویند: اهل کتاب کافر نیستند بلکه فقط اهل کتاب بوده اند لطفاً در این مورد توضیح دهید.

ج: کسی که بگوید اهل کتاب کافر نیستند و فقط اهل کتاب هستند خودش کافر است زیرا این شخص آنچه را که قرآن و سنت به صراحت مبنی بر کفر اهل کتاب بیان داشته تکذیب نموده اند.

انجمن دائم پژوهش های علمی و افتا

۱۴۶- همکاری با کفار که منجر به کفر می گردد

س: میزان همکاری با کفار که موجب کفر فرد و خروج او از دین می گردد چیست؟

شود این است کهج: موالات (همکاری و رابطه دوستی) با کفار که موجب کفر فرد می وآمد با رعایت عدالت‌شان کند اما صرف رفت‌ها را دوست داشته باشد و علیه مسلمانان یاریآن ها و سفر به دیارشان به هدف ابلاغ و نشر اسلامبه هدف دعوت به اسلام و حضور در مجالس آن .گرددموجب کفر نمی

های علمی و افتاانجمن دائم پژوهش

حکم استغفار برای مشرکین –۱۵۷

توانم برای آنان طلب مغفرت کنم؟اند آیا می‌س: من اجدادی دارم که مشرک مرده

ج: برای هیچ فرد مسلمانی جایز نیست که برای اجداد و ... که در حال کفر یا شرک از دنیا فرمایداند از الله طلب مغفرت نماید زیرا الله تعالی می‌رفته:

برای پیامبر (ص) و مؤمنان شایسته نیست که برای مشرکان طلب آمرزش کنند هرچند که از .اندنزدیکانشان باشد آن هم پس از آنکه برای آنان روشن شد که این گروه اهل دوزخ

های علمی و فتاواانجمن دائم پژوهش

قدم شدن در سلام بر کافرحکم پیش –۱۷۸

س: پیامبر (ص) ما را از اینکه کفار را سلام کنیم منع فرموده است آیا این نهی فقط در ای را که دلالت بر آغاز سلام داشتهالله و برکه منحصر است یا هر کلمهالسلام علیکم و رحمه خطاب کنم؟ good morning ام را با جمله دیگری مانندتوانم همسایه نصرانیباشد آیا می

ج: سلام کردن به کفار جایز نیست زیرا پیامبر (ص) در حدیثی به روایت ابوهریره (رض) فرمایدمی:

ها را مجبور کنیدشما یهود و نصاری را سلام نکنید هرگاه در راهی بر آنان روبرو شدید آن .ترین قسمت آن راه بگذرنداز تنگ

های علمی و فتاواانجمن دائم پژوهش

حکم جشن به مناسبت عید دوستی –۲۰۸

س: در این اواخر جشن گرفتن به مناسب روز عید دوستی به ویژه بین دختران دانشجو رواج یافته است این عید یکی از اعیاد نصاری است که پوشش با رنگ قرمز است و به همدیگر فقط رود که حکم جشن به مناسبت این عید راعالی انتظار می‌کنند از جناب‌های قرمز اهدا می‌گل .توضیح دهید

ج: جشن به مناسبت عید دوستی به چند جهت جایز نیست اول عید دوستی از اعیاد بدعت است که در شریعت اساسی ندارد

دوم این عید دعوتی است به عشق و دلباختگی

ارزشی که با راه و روش سلف‌ها به چنین امور بی‌شود که دل‌چنین کارها موجب می‌سوم این صالح مخالف است مشغول گردد لذا جایز نیست در این روز هر عملی از شعائر این عید انجام شود برابر است در خوردن نوشیدن پوشیدن هدیه دادن یا چیز دیگر باشد پس در مسلمان لازم است که در دینش عزت داشته باشد و به دنبال هواهای نفسانی همچون حیوانات به دنبال هر های آشکار و نهان در پناه خود محفوظ‌خواهم که مسلمانان را از تمام فتنه‌فریادی نرود از الله می نماید و حمایت و توفیق خود را به ما عنایت فرماید.

فتاوای شیخ ابن عثیمین

حکم تصویر در اسلام -۲۳۹

س: حکم تصویر در اسلام چیست؟

ج: کشیدن عکس جانداران اعم از انسان و حیوان حرام است خواه این عکس به شکل صورت نقاشی روی کاغذ یا پارچه و یا روی دیوار باشد زیرا در احادیث‌مجسمه باشد یا به صحیح از آن نهی شده است و انجام دهنده آن به عذاب دردناک وعده داده شده است.

هاحکم عکس زنان و کیفیت لباس شرعی آن -۲۵۱

س: آیا عکس زن برای استفاده در پاسپورت و دیگر موارد جایز است یا خیر؟

ج: برای زن جایز نیست اجازه دهد از عکسش استفاده شود نه در پاسپورت و نه جای دیگر زیرا بدن و صورت زن عورت است و بودن صورت زن در پاسپورت یا جای دیگر سبب فتنه تواند پاسپورت خود رااست ولی اگر با پاسپورت بدون عکس برایش اجازه سفر داده نشد می دار کند تا فریضه حج را ادا کند نائب گرفتن در حج برای او روا نیست بر مبنای ظاهرعکس کتاب و سنت تمام بدن زن عورت است و پوشش تمام بدن زن نامحرم واجب است.

های علمی و فتاواانجمن دائم پژوهش

های اسلامی‌حکم کارتون -۲۵۴

ای که خدمت مفتی عبدالرحمن بن محمدس: انجمن دائمی مباحث علمی و افتا از نامه الفارس رسیده بود آگاه شد که ایشان آن را به هیئت علمای عالی رتبه سپرد این نامه در تاریخ

۲/۹/۱۴۱۸ (ب.ش) به انجمن رسید که فردی چنین پرسیده بود

های هدفمند وها قصه‌های کارتونی اسلامی چیست؟ در این فیلم‌حکم خرید و تماشای فیلم گویی اهمیت‌داری راست‌ها را به نیکی به پدر و مادر امانت‌ها وجود دارد که آن‌مفیدی برای بچه اش عمومی شده است‌کند هدف از آن مقابله با تلویزیون است که فتنه‌نماز و ... تشویق می شوندها عکس انسان و حیوانات با دست نقاشی می‌ها و کارتون‌مشکل اینجاست که در این فیلم آیا مشاهده آن جایز است؟

های کارتونی ناجایز است زیرا در آن تصاویر حرام استج: فروش و به کارگیری فیلم پذیرهای شرعی همچون تعلیم آموزش دستور به نماز و رفتار نیکو انجام‌تربیت کودکان با روش است.

های علمی و افتاانجمن دائم پژوهش

های کودکان‌حکم نگهداری عروسك –۲۷۳

ها و مجسمه‌اند حکم عروسكس: فتاوا و گفتارها پیرامون وسایل بازی کودکان بسیار شده حیوانات چیست؟

ج: نگهداری تصاویر موجودات زنده جایز نیست مگر در موارد ضروری همچون شناسنامه کارت شناسایی گواهینامه رانندگی همچنین نگهداری تصاویر برای بازی کودکان و تعلیم آنان کارگیری آن عام است جهت سرگرمی و آموزش کودکان‌جایز نیست زیرا نهی از تصویر و به توان از ابزار و وسایل دیگری استفاده نمودمی.

شیخ فوزان کتاب الدعوه

کنندحکم کسانی که وجود جن و وارد شدن آن را به بدن انسان انکار می –۲۹۲

س: در قرن حاضر سخن از جن و ورود آن بر انسان زیاد شده است برخی از افراد آن را دارکنند آیا عقیده مسلمانان با انکار جن خدشه‌قبول ندارند گروهی نیز وجود جن را انکار می شود آیا در مورد ایمان به وجود جن دلیلی آمده است فرق بین جن و فرشته چیست؟می

ج: انکار وجود جن کفر و خروج از اسلام است زیرا این کار مستلزم انکار دلایل متواتری است که در قرآن و سنت آمده است بنابراین ایمان به وجود جن از جمله ایمان به غیب است ما کنیم‌ها به خبرهای درست اعتماد می‌بینیم و برای اثبات وجود آن‌ها را نمی‌آن.

حکم شوم دانستن منزل –۳۲۰

گرددگزیند و از قضا در این منزل دچار امراض و بلایا می‌س: شخصی در منزلی سکونت می کنند آیا برای این شخص جایزاش این منزل را بدشگون تصور می‌به همین دلیل او و خانواده است که منزل مذکور را ترک نماید؟

تعالی اشیائی‌ها و زنان وجود دارد بنابراین حکمت حق‌ج: بد یمنی در بعضی از منازل سواری شوند بنابراین فروختن چنین منزلی و منتقل شدن به منزل‌سبب ضرر یا از دست رفتن منفعتی می .دیگر بدون اشکال است

رسول اکرم (ص) فرموده است: شومی در سه چیز است در اسب زن و خانه

ها بدشگونی دارند بنابراین هرگاه انسان چنین چیزی راها و خانه‌ها زن‌پس بعضی از سواری احساس کند باید آن را تقدیر الهی بداند و خودش را قانع کند که قطعاً حکمت الله تعالی اقتضا .نموده که او به خانه دیگری منتقل شود

شیخ ابن عثیمین المجموع الثمین

باب سوم: دانش و آموزش

خوانندهایی که پسران و دختران در یک مکان درس می‌حکم اسلام در مورد دانشگاه -۹

های برخی از کشورهای اسلامی فسق و فجور نافرمانی به اوج رسیده است‌س: در دانشگاه اند وای به خود گرفته‌دختران بدون حجاب و پسران منحرف با هم اختلاط دارند و مد زننده هاهای دانشگاه‌کند در بعضی از دانشکده‌گونه کارها تشویق می‌حتی هیئت تدریس نیز برای این ها لباس رسمی همان‌مسجدی نیز وجود ندارد که در آن خالق یکتا سجده شود در این دانشگاه لباس مشرکین اروپایی الزامی شده و بدون این لباس به دانشجویان اجازه شرکت در آزمون داده .پندارندماندگی و جهل می‌شود و پوشیدن لباس سنتی ممنوع است و آن را عقب‌نمی

هایی چه حکمی دارد؟بفرمایید از دیدگاه اسلام آموزش و تدریس در چنین دانشگاه

ج: اولاً فراگیری علوم سودمند فرض کفایه است بنابراین بر امت اسلامی به ویژه بر مسلمین کشور واجب است که گروهی اعم از مرد و زن را جهت فراگیری علوم مورد نیاز آماده سازند ای برای بیداری امت اسلامی و حفظ فرهنگ و معالجه بیماران بیندیشند ومسئولین امر باید چاره امت را از خطرات و تهدیدات به دور سازند اگر متولیان امر این کار را انجام دهند به مسئولیت .اند و امید ثواب دارند وگرنه احتمال وقوع بلا و عذاب وجود داردخود عمل نموده

ثانیاً اختلاط دانشجویان پسر با دختر یا استادان مرد با استادان زن در کلاس درس حرام است گردد تازه اگر دختران قسمتی‌چون این کار منجر به فتنه برانگیخته شدن شهوت و عمل فحشا می

از عورتشان را برهنه کنند یا لباس نازک تنگ و فشرده بپوشند یا با دانشجویان پسر خوش صحبتی و مزاح نمایند این کار موجب ازدیاد گناه جنایت هرج و مرج هتک حرمت و آبروریزی .شودمی

ای‌های جداگانه‌ها مدارس و دانشگاه‌بر مسئولین کشور لازم است که برای پسران آموزشگاه تدارک ببینند تا دین و ایمان مردم حفظ بماند و از هتک حرمت و آبروریزی و هرج و مرج در توانند بدون هیچ مشکلی‌زندگی زناشویی جلوگیری به عمل آید و بدین ترتیب افراد متدین می .به کار تعلیم و تعلم بپردازند

انجمن دائمی بحوث علمی و افتا

هایی که بین دختران و پسران اختلاط وجود دارد به قسط دعوت‌ملحق شدن به دانشگاه –۱۲ به سوی الله

نام کرد که در آن‌س: آیا جایز است که به نیت کار دعوت اسلامی در دانشگاهی ثبت خوانند؟دختران و پسران با هم درس می

ج: به نظر بنده مسلمان چه مرد باشد و چه زن اجازه ندارد در مدارس مختلط بین دختران و دامنی و اخلاق انسانی محسوب‌پسران درس بخواند زیرا این کار خطر بزرگی برای عفت پاک شود هر چه انسان دارای نزاکت اخلاق و پارسایی باشد ولی در کنارش دختری زیبا ومی تواند از شر فتنه او در امان بماند و مشخص است هرچیزی که‌بدحجاب قرار گرفته باشد نمی .منجر به شر فتنه گردد حرام و نارواست

شیخ ابن عثیمین فتاوای اسلامی

شوندحکم تدریس در مدارسی که پسران و دختران سر یک کلاس حاضر می –۱۳

خوانند و یا تنهاای که در آن پسران و دختران در یک کلاس با هم درس می‌س: مدرسه ها نگاه کند؟تواند به آن‌کنند آیا استاد و معلم می‌دختران نوجوان در آن تحصیل می

ج: بر مرد واجب است که چشمانش را از نگاه کردن به سوی زنان نامحرم فرو گیرد الله :فرمایدتعالی می

ای پیامبر به مردان مؤمن بگو چشمان خود را از نگاه به نامحرم فرو گیرند و عورت خویش گمان که الله از آنچه انجام‌تر است بی‌را از زنا و برهنگی مصون بدارند این برایشان زیبنده .دهند آگاه است‌می

گوید: از پیامبر (ص)مسلم ابوداود و دیگران با سندهایشان روایت کردند جریر بن عبدالله می
در مورد نظر ناگهانی پرسیدم رسول (ص) گفت:

نگاهت را برگردان اخلاط بین زن و مرد بیگانه جایز نیست زیرا این کار موجب پدید آمدن شودعمل فحشا می.

فتاوای انجمن دائمی مباحث علمی و افتا

آموزان‌تنبیه بدنی دانش -۱۸

کند چه حکمی‌آموزان به قصد تربیت یا به ادای وظایفشان بهتر عمل می‌س: تنبیه بدنی دانش دارد؟

گیرندآموز را و پدر رفتار فرزندش را زیر نظر می‌ج: این کار اشکالی ندارد معلم رفتار دانش کنند تا به اخلاق پسندیده عادت کرده و بر انجام‌و اگر مستحق تأدیب و تنبیه باشند تأدیبش می فرمایدکارهای نیکو راسخ باشد از این رهگذر است که پیامبر اسلام (ص) می:

پس پسران و دختران وقتی که در سن ده سالگی از خواندن نماز کوتاهی کنند تنبیه بدنی شوند تا بر خواندن نماز عادت نمایند و همین است حکم واجبات دیگر از قبیل آموزش‌می کارهای خانه و ...

ها توجه کنند ولی بایدبنابراین بر اولیای کودکان واجب است که در توجیه و تأدیب آن گفت که این تنبیه نباید خیلی شدید و خطرساز باشد بلکه خفیف و در عین حال مفید باشد و مقصود از آن حاصل گردد.

شیخ ابن باز مجله بحوث

های فطرت‌باب چهارم: نیت و طهارت و سنت

فلسفه تحریم نگهداری سگ -۱۳

س: علت تحریم پرورش سگ چیست؟

زند باید تا هفت بارالعین است و بنابراین ظرفی که سگ در آن لیس می‌ج: اولاً سگ نجس شسته شود.

شوندشود وارد نمی‌هایی که در آن سگی نگهداری می‌ثانیاً فرشتگان به خانه

ها باعث ایجاد رعب و وحشت‌عو کردن و گلاویز شدن با اطرافیان و همسایه‌ثالثاً با عو

.شود نگهداری سگ تنها برای شکار نگهبانی چهارپایان و محصولات کشاورزی جایز استمی

فتوا با امضای شیخ ابن جبرین

آیا برای پذیرفتن دین اسلام ختنه شرط است -۱۵

س: آیا ختنه برای صحت اسلام شرط است؟

ج: ختنه از سنن فطری و طبیعی در حق زنان و مردان است البته مناسب است که دعوتگران دهند در وهله اول با آنان در مورد ختنهدین اسلام هنگامی که کفار را به دین اسلام دعوت می صحبت نکنند زیرا ممکن است این امر موجب نفرت و فراری شدن آنان از دین اسلام شود .شودهرچند که اسلام و ایمان از افراد بدون ختنه نیز پذیرفته می

فتاوای انجمن دائمی مباحث علمی و افتا

شودتراش چه زمانی تفسیق میفرد ریش -۲۵

شود؟تراش فاسق گفته میس: چه زمانی به فرد ریش

تراش به فسق کاملاً به جا و درست است به ویژه اگر بر این عملج: توصیف فرد ریش تراش را تفسیق نمایند زیرا شیوه‌اصرار بورزد ولی دعوتگران نباید قبل از پند و اندرز ریش کند که با روش نرم و ملایم افراد گناهکار رااسلامی امر به معروف و نهی از منکر ایجاب می نصیحت کنند چه معمولاً این افراد از شنیدن و قبول نصیحت تنفر دارند بنابراین بر دعوتگران لازم است که ابتدا با او به نرمی صحبت کرده و نصیحتش کنند و اگر از قبول آن خودداری کرد .و به معصیتش ادامه داد مانعی ندارد که تفسیقش کنند

فتاوای انجمن دائمی مباحث علمی و افتا

باب ششم: جنائز

کنداحکام مربوط به زنی که شوهرش فوت می -۲۱

کند چیست؟س: وظایف و احکام زنی که شوهرش فوت می

نشین بشود و بدون ضرورت از خانهکند واجب است که خانهج: زنی که شوهرش فوت می بیرون نرود و بر او واجب است که از اشیاء زیبایی و آرایش مانند لباس فاخر زیورآلات بخور .ها پرهیز کند جایز است که تلفنی با مردم صحبت کندسرمه و امثال این

شیخ ابن عثیمین کتاب الدعوه

باب هشتم احکام و مسائل روزه

حکم روزه رمضان برای افراد خردسال -۳

دانم که به علت کمیس: کودک خردسالم در ماه رمضان بر گرفتن روزه اصرار دارد و می سن روزه برایش مضر است اما همچنان بر گرفتن آن اصرار دارد آیا اجازه دارم با او تند برخورد کنم تا روزه نگیرد؟

تواند بدونج: فرزند شما اگر به سن تکلیف نرسیده روزه بر او واجب نیست ولی اگر می تحمل مشقت و سختی روزه بگیرد به روزه گرفتن وادارش کنید زیرا صحابه فرزندان خردسال کردند تا جایی که بعضی از کودکان در اثر سختی روزه گریه‌خود را به روزه وادار می دادند تا سختی روزه را احساس نکنند ولی اگر ثابت‌بازی می‌کردند و صحابه به آنان اسباب‌می .شود که روزه برایش ضرر دارد باید کودک را از روزه گرفتن منع نمود

شیخ ابن عثیمین فقه العبادات

باب نهم: حج عمره و ذبایح

شودآیا حج از زن به دلیل نداشتن محرم ساقط می -۱۶

س: زنی بدون محرم است و فریضه حج را انجام نداده در این حالت کدام امر بهتر است آیا اش حج کند؟کسی را برای ادای حج وکیل خود قرار دهد و یا به همراه خاله و یا عمه

شود زیرا شرعاً این زن ناتوان‌شود حج بر او فرض نمیج: اگر برای زن محرمی یافت نمی شود و حج بر ناتوانان فرض نیست و جایز نیست که بدون محرم همراه با خاله و یامحسوب می .اش به حج برودعمه

شیخ ابن عثیمین مجموع فتاوی و رسایل

هفتم شتر یا گاو در قربانی جایز استآیا یک -۵۸

اش کافی است؟هفتم شتر یا گاو برای یک نفر و خانوادهس: آیا یک

ج: سنت صحیح پیامبر (ص) حکایت از این دارد که یک عدد شتر و یا یک رأس گاو و اش اگر چه زیاد باشند جایز است و اما در مورد جایز بودن‌گوسفند برای شخص واحد و خانواده هفتم شتر و گاو بین علما تردید و اختلاف وجود دارد ولی قول راجح این است که جایزیک اش در حکم یک شخص است لیکن یک رأس گوسفند افضل‌است زیرا شخص با خانواده .است

شیخ ابن باز مجموع فتاوی و مقالات متنوعه

حکم ذبح قربانی در بیرون از مکه -۵۹

اش را ذبح‌رود تا قربانی‌دهد و می‌س: کسی که مناسک حج و رمی جمره اولی را انجام می شود تا این شخص از منی به شهر جده برود و در آنجانماید ولی قیمت گران آن موجب می قربانی خود را خریداری نموده ذبح کند آیا این ذبح جایز است؟

ج: برای حاجی جایز نیست که در روز عید به جده برود خریداری قربانی بیرون از حدود حرم امثال جده و غیر آن جایز است لیکن ذبح آن در خارج از حدود حرم جایز نیست و هرکس خواری ذبح شده و جای قربانی واجب رااش برای گوشت‌چنین کند پس گوسفند ذبح شده .گیردنمی

شیخ ابن باز فتاوایی متعلق به احکام حج و عمره و زیارات

حکم خوردن از ذبیحه اهل کتاب معاصر -۸۸

های آمریکایی که غذای‌س: گاهی اوقات ناچاریم خارج از منزل و در یکی از رستوران اند با شوک‌دانیم که چگونه ذبح شده‌آماده مانند کنتاکی برگر و پیتزا دارد غذا بخوریم اما نمی دانیم که آیا نام الله را در هنگام ذبح‌الکتریکی با شلیک گلوله و یا با خفه کردن و همچنین نمی اند یا خیر آیا درست است که از این غذاها بخوریم؟ها برده‌آن

های مشکوک نخورید زیرا که اغلب‌ج: سفارش ما به شما این است که از این نوع گوشت های معمول ذبحشان به‌گونه کشورها تعهدی نسبت به ذبح شرعی ندارند و شیوه‌ساکنان این جان بودن حیوان است تاور کردن در آب داغ و در حال نیمه‌وسیله وارد کردن شوک یا غوطه تر پوست و موهایش را از بدنش جدا کنند و همچنین به قسط افزایش‌تر و سریع‌بتوانند راحت الله گفتن در هنگام ذبح اطلاعی ندارندکنند و از بسم‌ها این کار را می‌وزن با ماندن خون در رگ :فرمایدالله تعالی می

.از گوشت حیوانی نخورید که نام الله بر آن برده نشده است

های شیخ ابن جبرین‌ها و نوشته‌از گفته

آیا ذبیح شتر یا گاو برای عقیقه جایز است -۹۴

س: آیا مستحب است که برای تولد فرزندان شتر یا گاو ذبح شود؟

ج: مستحب است که برای تولد فرزندان پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند ذبح

.شود فرقی ندارد که حیوان عقیقه نر باشد یا ماده اگر به یکی هم اکتفا کند ایرادی ندارد

شیخ ابن جبرین

باب دهم: هجرت، جهاد و بردگی

مقام و منزلت جهاد در اسلام -۶

س: فضیلت جهاد در راه الله چیست؟

باشد حتی‌ترین عبادات می‌های تقرب به اوست و از بزرگ‌ج: جهاد در راه الله از بهترین راه توان در آن رقابت کرد و برتوان گفت که جهاد بعد از فرایض از برترین اعمالی است که می‌می توان به این آیه‌دیگران پیشی گرفت از آیاتی که در فضیلت جهاد و مجاهدین وارد است می :اشاره کرد

کند در راه الله بجنگندگمان الله تعالی جان و مال مؤمنان را به بهای بهشت خریداری می‌بی ای است که الله آن را در تورات و انجیل و قرآن ثبت نموده وبکشند و کشته شوند این وعده ای‌وعده راستین آن را داده است و چه کسی از الله به عهد خود وفا کننده تر است پس به معامله .اید شاد باشید و این پیروزی بزرگ و رستگاری عظیمی است‌که کرده

خواهیم بر مسلمانان منت نهد تا همگان به حقیقت دین مبین اسلام بازگردنداز الله تعالی می ها برداشته‌ها را در فهم دین و جهاد در راهش توفیق دهد تا اینکه عزت یابند و خاری از آن‌آن .شود و پیروزی بر دشمنان را نصیبشان گرداند چرا که او توانای برین است

شیخ ابن باز رساله فضل الجهاد و المجاهدین

مراحل جهاد اسلامی -۹

س: جهاد اسلامی چه مراحلی داشته است؟

ج: جهاد در اسلام سه مرحله داشته است مرحله اول اجازه به مسلمانان در ابن باره بدون اجبار :گونه که در کلام الهی مشهود استو الزام همان

گردد چرا که بدیشان ستم رفته است و اللهشود که به آنان جنگ می‌اجازه به کسانی داده می .توانا است و اینکه ایشان را پیروز کند

جنگند و دست کشیدن از جنگ بامرحله دوم امر به مبارزه با کسانی که با مسلمانان می :فرمایدورزند الله تعالی در این باره می‌کسانی که به این امر مبادرت نمی

اجبار و کراهتی در قبول دین نیست چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ذلالت مشخص شده است.

و آیه:

خواهد ایمان بیاورد وو بگو حق از سوی پروردگارتان آمده است پس هرکسی که می خواهد کافر شودهرکس که می.

فرمایندبه گفته گروهی از عالمان الله تعالی در سوره نسا می:

اند و مساوی شویدگونه که خود کافر شده‌دارند که شما کافر شوید همان‌آنان دوست می کنند ولی اگر از این‌پس در این صورت یارانی از ایشان نگیرید تا آنگاه که در راه الله هجرت می ها را هرجا یافتید بگیرید و اسیر کنید و در صورت لزوم بکشید و از میان‌کار سرباز زدند آن کنند و که میان شما و آنان‌ایشان یار و یاوری برنگزینید مگر کسانی که با گروهی پیوند پیدا می خواهند با قوم‌آیند و نه سر جنگ با شما دارند و نه می‌پیمان است و یا کسانی که پیش شما می گیری‌کرد بنابراین اگر از شما کناره‌خواست ایشان را بر شما چیره می‌خود بجنگند و اگر الله می دهد که معترض آنان‌کردند و با شما نجنگیدند و پیشنهاد صلح کردند الله به شما اجازه نمی شوید.

و آیات بعدی

هایشان تا اینکه‌ها در سرزمین‌مرحله سوم جهاد با مشرکان به صورت مطلق و جنگیدن با آن ای باقی نماند و خالصا دین الله بماند و به تمام ساکنان زمین خیر برسد و دامنه اسلام گسترش‌فتنه مند شوند به‌یابد و دائیان کفر از بین بروند و بندگان از حکم شریعت عادل و تعالیم آسان آن بهره ها را از تنگناهای دنیا به گشایش اسلام و از عبادت خلق به عبادت‌وسیله این دین استوار انسان خالق سبحان و از ظلم ستمگران و حکام جور به عدالت شریعت و احکام ناب و راهگشای اسلام الله تارهنمون گردند این همان چیزی است که برنامه دین بر اساس آن استقرار یافته و رسول باره در سوره توبه آیاتی نازل کرده‌مرگ در راه آن و برای آن بوده است الله تعالی نیز در این است:

های حرام پایان گرفت مشرکان را هرکجا که بیابید بکشیدکه ماه‌هنگامی

ای باقی نماند و دین خالصانه از الله گرددبا آنان پیکار کنید تا فتنه.

کند بعضی از علماگر همین آسا و صحت آن را تأیید می‌ونیز احادیثی که یادآور شدیم بیان معتقدند که مرحله دوم یعنی مبارزه با کسی که با مسلمانان در جنگ است و عدم مبارزه با کسی

که با مسلمانان سر جنگ ندارد منسوخ شده است چون این حکم در هنگام ضعف مسلمانان بوده است اما وقتی الله تعالی نیروها و امکاناتش را افزایش داد به آنان دستور رسید که با همه آنان بجنگند تا تنها دین الله بماند یا اگر شرایط پرداخت جزیه را دارند جزیه بدهند اما گروه دیگری شود آنگاه‌از علما معتقدند که مرحله دوم منسوخ نگشته است بلکه در زمان نیاز به آن عمل می که مسلمانان قوی بودند و توانستند با دشمنان بجنگند و در راهش جهاد کنند باید طبق دستور آیه آید به جهاد بپردازند اما زمانی که توانایی این کار را ندارند بایدتوبه و آنچه از مفهوم آن برمی جنگند بجنگند تا به این وسیله به آیه سوره نسا عمل کرده باشند وها می‌فقط با کسانی که با آن تر و بهتر از قول نسخ همین است و ابن تمیمه نیز همین قول را ترجیح داده است به‌قول صحیح داند که سخن‌این ترتیب مشخص شد که هرکس که کمترین بصیرت را هم داشته باشد می گویند جهاد فقط به صورت دفاعی مشروعیت دارد سخن‌بعضی از نویسندگان معاصر که می نادرستی است و دلایلی که ذکر کردیم نیز با آن تعارض دارد و درست همان است که ما به تفصیل به آن پرداختیم و اهل علم و تحقیق آن را ترجیح دادند هر کس در سیره رسول (ص) و اصحاب تأمل کند آنچه ما در خصوص جهاد با مشرکان ذکر کردیم برایش روشن خواهد شد و .یابدهای ما را با احادیث و آیات منطبق می‌گفته

شیخ ابن باز از رساله فضل جهاد و مجاهدین

حکم پذیرش اسلام و جزیه از غیر یهودی و نصاری –۱۱

س: آیا واجب است که کافران ایمان بیاورند؟

ج: بر کافران واجب است که مسلمان شوند حتی اگر یهودی و نصرانی باشند چرا که الله :فرمایدتعالی می

ها و زمین‌ای پیامبر بگو من فرستاده الله به سوی همه شما هستم الله آن ذاتی است که آسمان گرداند پس ایمان بیاوریدمیراند و زنده می‌از آن اوست جز او معبود برحقی نیست اوست که می ای که به الله و سخنانش ایمان دارد از او پیروی‌اش آن پیامبر درست نخوانده‌به الله و فرستاده .کنید تا هدایت یابید

الله تعالی وپس بر همه مردم واجب است که به رسول ایمان آورند البته اسلام بر پایه رحمت حکمتش برای غیرمسلمانان این امر را مباح قرار داده است که بر دیانت خود باقی بمانند مشروط :فرمایدبر آنکه در برابر احکام مسلمانان تسلیم شوند الله تعالی می

اش‌با کسانی از اهل کتاب که به الله و روز جزا ایمان ندارند و نه چیزی را که الله و فرستاده پذیرند پیکار و کارزار کنید تا زمانی که خواردارند و نه آیین حق را می‌اند حرام می‌تحریم کرده

و ذلیل به اندازه توانایی جزیه را بپردازند.

در صحیح مسلم از بریده (رض) روایت است:

نمود او و همراهانش را به تقوای‌ای تعیین می‌رسول خدا زمانی که امیری را بر لشگر یا سریه ها را به یکی از این سه چیز دعوت کنیدفرمود: آن‌کرد و می‌الله و تأمل خیر با مسلمانان امر می ها خودداری کنیدها قبول نمایید و از کشتن آن‌هر کدام را پذیرفتند از آن.

ها گرفتن جزیه بود لذا طبق قول راجح جزیه از غیر یهود و نصاری هم پذیرفته‌و یکی از آن شودمی.

نتیجه اینکه بر غیر مسلمانان واجب است که یا اسلام آورند و یا تسلیم احکام اسلامی شوند.

شیخ ابن عثیمین مجموع فتاوی و رسائل

۲۲- پیشرفت اسلام با دعوت بوده یا با شمشیر

کنند که اسلام با نیزه و شمشیر پیشرفت کرده است پاسخ شماس: بعضی از دشمنان ادعا می در این باره چیست

اند به وسیله دلیل و استدلال‌اند و ایمان آورده‌ج: اسلام در میان کسانی که پیام آن را شنیده اند نخست باانتشار یافته است ولی کسانی که در برابر آن سرکشی و عناد را پیشه خود ساخته ها را مغلوب کرده است سپس عنادشان از بین رفت و تسلیم واقعیت شدندقدرت و شمشیر آن.

فتاوی انجمن دائمی مباحث علمی و افتا

۲۳- حکمت بردگی اسیران کفار

کند؟داری را تحریم نمی‌گویند چرا اسلام برده‌س: می

ج: الله تعالی دارای کمال علم و حکمت و لطف و رحمت است و از کارها و امور بندگان باشد آنچه به‌آگاه بوده و نسبت به بندگانش رحیم و در آفرینش و قوانین شریعت خود حکیم می کند درصلاح دنیا و آخرت مردم است و سعادت واقعی آزادی و مساوات را برایشان تضمین می شود نازل کرده‌الله و حق بندگان ضایع نمی‌پرتو عدالت و هدایت فراگیر و قوانینی که در آن حق است پیامبرانی را برای این شریعت فرستاده است که بشارت و بیم دهند هرکسی از راه و روش یابد اما کسی که ازآنان پیروی کند سزاوار بزرگداشت است و به سعادت و پیروزی دست می شود و به‌پیمودن راه پایداری سرباز زند به او چیزهای ناپسند مانند کشته شدن یا بردگی نازل می ها آبروها و اموال حفظ گرددگردد تا عدالت برقرار و امنیت محقق شود و جان‌آن مبتلا می.

جهاد برای تحقق این هدف مشروعیت یافته است تا دست مجرمان گرفته شود و بر عناصر شوند امام وفساد غلبه کرده و زمین از شر ظالمان پاک گردد اما کسانی که اسیر مسلمانان می ها بسیار باشد و امیدی به اصلاحش نباشدرهبر مسلمانان اختیار دارد که اگر شرارت کسی از آن او را بکشد یا اینکه او را عفو کند و یا اگر اسیر صلاحیت داشت و در او خیری بود از او فدیه بگیرد و آزادش کند.

یا اسیر را به بردگی بگیرد و این در صورتی است که با ماندن در میان مسلمانان اصلاح آوردگیرد و ایمان می‌هایش راست شده و راه هدایت و نجات را در پیش می‌شود و کجی‌می کند از آنان نصوص شریعت وزیرا عدالت و رفتار پسندیده مسلمانان را از نزدیک مشاهده می گردد ایمان برایش محبوب‌شنود و قلبش آماده پذیرش اسلام می‌آداب و احکام اسلامی را می گردد و کفر و فسق و عصیان در نظرش ناپسند خواهند شد در آن هنگام او زندگی جدیدی‌می آوردرا با مسلمانان آغاز خواهد کرد و صلاحیت کسب آزادی را از راه مکاتب به دست می.

فرمایدگونه که الله تعالی می‌همان:

کسانی از بردگانتان که خواستار آزادی خود با عقد قرارداد شدند با ایشان عقد قرارداد ببندید اگر در ایشان خیر و شایستگی دیدید و از مال و ثروت الله که به شما داده است به ایشان بدهید.

یا آزاد کردن برده برای کفاره قسم ظهار، نذر و یا از طریق رها کردن برده برای رضای الله و ها برده آزادی را به دست خواهد آوردامید به پاداش و یا از دیگر راه.

فتاوی انجمن دائمی مباحث علمی و افتا

داری در عصر حاضرحکم برده –۲۴

های شرعی وجود ندارد باز هم برده گرفتن صحیح است یا اینکه‌س: آیا با اینکه امروز جنگ گرفته است دلیل آن‌های شرعی صورت می‌مخصوص زمان پیامبر (ص) بوده است که جنگ چیست؟

هایی شرعی‌گرفت جنگ‌هایی که بین پیامبر (ص) و کفار صورت می‌ج: بدون شک جنگ هایی که در زمان خلفای راشدین‌شدند و همچنین جنگ‌ها اسیر می‌بود که بعضی از کفار در آن هاو بعدها در سه قرنی که پیامبر (ص) به خیر بودن آن گواهی داده شرعی بوده است برخورد آن الله بوده است از جمله منت گذاردن بر اسیران و آزادبا اسیران به همان سبک و روش رسول نمودن آنان قبول فدیه برده گرفتن یا کشتن برحسب مصلحتی که امام مسلمانان با عمل به قرآن و

اللهشد که در زمان رسول‌ای رفتار می‌داد پس از آن به اجماع با اسیران به شیوه‌سنت تشخیص می های شرعی بین مسلمانان و کفار اتفاق بیفتد و مسلمانان پیروز شوند وشد اگر امروز هم جنگ‌می ها حکم کند که آیاتواند درباره آن‌تعدادی از کفار را به اسارت بگیرند امام مسلمین می ها را بین مجاهدان تقسیم نماید باها را بکشد یا به عنوان برده آن‌آزادشان کند فدیه بگیرد آن توجه به مصلحت مسلمین و عمل به قرآن و سنت هریک از موارد فوق را رهبر مسلمانان داری آغازها شرعی نباشد درست نیست که برده‌تواند عمل کند اما اگر جنگ‌تشخیص دهد می های شرعی برده بودند و با تولد به صورت ارثی‌هایی که در گذشته و در جنگ‌شود لیکن آن مانند تا شرایط آزادی را به دست‌ها باقی مانده است همچنین بر برده بودن باقی می‌بردگی در آن .آورند

فتاوی انجمن دائمی مباحث علمی و افتا

بردگی امری عارضی است و ارتباطی به رنگ و وطن ندارد –۲۶

ها برده هستند چیست و حکم میراثشان‌کنند آن‌س: حکم بردگان آفریقایی که مردم ادعا می در صورت فوتشان چیست آیا این بردگی صحیح است یا خیر؟

ج: اصل در انسان آزاد بودن است و بردگی حالت عارضی و غیر اصلی در بعضی از افراد شود آن هم به خاطر کفر آری‌است بردگی عجز و ناتوانی حکمی است که بر انسان عارض می برد و کسی هم از او ارث‌بردگی با قرآن و سنت اجماع ثابت است برده از کسی ارث نمی شود وبرد و از او هم ارث برده می‌شود برده مشترک ارث می‌برد و مانع ارث کسی هم نمی‌نمی شود تعیین اینکه یک فرد برده است نیاز به دلیل شرعی‌به قدر آزادی خود مانع ارث دیگران می کند چرا که هم برده سیاه وجود دارد ودارد و سیاه و سفید بودن فرد برده بودنش را اثبات نمی .هم برده سفید و ملاک اثبات بردگی قوانین شرعی است

انجمن دائمی مباحث علمی و افتا

حدود اختیارات مالک بر برده –۲۷

خواهد بدون حساب و کتاب بر سر برده خود درس: آیا مالک حق دارد هر کاری که می بیاورد بر فرض اینکه من صاحب کنیز و صاحب همسرش نیز هستم آیا هرکاری بخواهم اختیار دارم انجام دهم؟

ها که به صورت شرعی در مالکیت انسانی قرار گیرد البته‌ج: هر برده یا کنیزی و یا غیر آن گونه که اللهمالک حق ندارد هر طور که دوست دارد در مورد وی رفتار کند بلکه باید همان

ها را در کارهایی به کار گیرد که طاقت انجام آن راها رفتار شود و آن‌حکم کرده عادلانه با آن ولدبستر شود و اگر از صاحبش باردار شد ام‌تواند با او هم‌دارند اگر کنیزش شوهر نداشت می مادر فرزند مالك خود است پس از آن حق فروش وی را ندارد پس از مرگ مالك آزاد شود و مالك نباید بین برده و فرزندش جدایی بیندازد به همین ترتیب دیگر احکامی که نازل‌می ها مشخص شده‌رده است و حدود اختیارات مالك بر برده و کنیز اعم از مباح یا حرام در آن است.

فتاوی انجمن دائمی مباحث علمی و افتا

باب یازدهم: دعوت به امر معروف و. نهی از منکر

مراحل تغییر منکر –۵۰

توان منکر را با دست منع کرد چه کسی منکر را با دست منع کند؟س: آیا می

فرمایدج: الله تعالی می:

کنندمردان و زنان با ایمان ولی یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می.

فرمایدالله می:

باید از میان شما جمعیتی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند.

و آیات در این مورد بسیارند که دلالت بر اهمیت موضوع و نیاز اجتماع به آن دارد در حدیث صحیح روایت است:

هر کس از شما کار ناپسندی را مشاهده کرد با دست آن را تغییر دهد اگر نتوانست با زبانش تغییر دهد و اگر نتوانست در قلبش بر تغییر آن منکر بگیرد و آن را ناپسند بداند و این ترین درجه ایمان استضعیف.

تغییر منکر با دست وظیفه کسانی است که توانایی آن را دارند مانند حاکمان و مسئولان حکومتی هیئت امر به معروف و نهی از منکر و کسانی که دادگستری فرمانداری و قضاوت در اش تا حد ممکن این اختیار را دارد وحیطه اختیاراتشان است البته هر فردی در خانواده و طایفه باید انجام وظیفه نماید اما کسی که این توانایی را ندارد و یا اگر با دست اقدام به تغییر منکر شود با دست اقدام نکند بلکه با زبان بازدارد و او را همین کافی‌نماید منجر به فتنه و درگیری می است تا با برخورد عملی باعث انجام منکر بدتری نشود این عین گفتار علماست.

در مرحله تغییر منکر با زبان بگوید برادرم از الله بترس این کار جایز نیست ترک این کار

واجب است و سخنانی از این قبیل با الفاظی زیبا و روشی پسندیده او را منع کند بعد از انکار با زبان انکار قلبی است در این صورت با قلبش از آن بیزاری جوید و اظهار کراهت نماید و از نشینی با انجام دهندگان آن خودداری کند و این انکار قلبی استهم.

شیخ ابن باز مجله البحوث

باب دوازدهم: فتاوای معاملات

خرید و فروش نوارهای ویدیویی -۲۵

حجاب وس: حکم تجارت نوارهای ویدیویی که کمترین فساد آن نمایش زنان بی ای دارندماجراهای عاشقانه و حرام است چیست آیا پول این تاجران حرام است چه وظیفه چگونه از این نوارها و وسایل رهایی یابند؟

ج: خرید و فروش نگهداری نگاه کردن و گوش دادن به این نوارها حرام است زیرا منجر به کنندگان آن جهت جلوگیری از فسادشوند از بین بردن و اعتراض به استفادهفساد و فتنه می واجب است تا وسایل فتنه از مسلمانان دور گردد.

شیخ ابن باز مجله الدعوه

رعایت عدالت بین کارگر مسلمان و غیر مسلمان واجب است -۱۵۵

توانم نسبت به کارگرکنند یکی مسلمان و دیگری کافر آیا میس: پیش بنده دو نفر کار می کافر به خاطر دیانتش با او تند برخورد نمایم؟

ج: بر شما واجب است که عدالت و انصاف را بین هر دو کارگر رعایت نمایید اما شما باید العرب اخراج نمایی هرچند که در کارشکارگری را که کافر است رها کنید و او را از جزیره جدیت و فعالیت داشته باشد از پیامبر (ص) ثابت است که سفارش نموده تا کفار را از العرب بیرون کنند و نباید در این سرزمین دو دین باشدجزیره.

شیخ ابن باز مجله البحوث

باب سیزدهم: وصیت و وارث

مخالفت با شرع در تقسیم ارث حرام است -۱۱

پرسد برادرم وفات نموده است و هشتاد هزار ریال نزد من امانت گذاشته استس: خانمی می برادرم دارای پسر و دختری است دو فرزندش نزد من آمدند و مبلغ مذکور را خواستند گفتم: برادرم این مبلغ را به من هدیه داده است و به صورت امانت نزد من نگذاشته است بعد از مدتی از

پروردگار ترسیدم و این مبلغ را به آن برگرداندم ولی کل مبلغ را بین آن دو تقسیم نمودم به هر کدام چهل هزار ریال تحویل دادم از یکی از علما پرسیدم به من جواب داد: که به خاطر این کار گناهکار هستید آیا فتاوی ایشان صحیح است اکنون باید چه کنم؟

دادیدج: اولاً شما مرتکب اشتباه شدید باید امانت را به صاحبان آن تحویل می

دوم تقسیم میراث به صورت مساوی بین پسر و دختر ناجایز است زیرا الله چنین دستور نداده است.

فرمایدالله تعالی می:

کند سهم پسر چون سهم دو دختر استالله تعالی شما را درباره فرزندانتان سفارش می.

شیخ فوزان فتاوی المراه المسلمه

باب چهاردهم: نکاح

ازدواج زنان مسلمان با مردان اهل کتاب و دیگر کفار حرام و ناجایز است -۱۱

خواهم به اطلاعتان برسان که دفتر مرکز ارتباطات اسلامی در پاریس مطلع شد کهس: می شیخ دلیل ابوبکر سرپرست مسجد پاریس فتاوی صادر کرده است مبنی بر اینکه یهود و نصاری توانند با مردان اهل کتابجز کفار نیستند بلکه در دین الله قرار دارند بنابراین زنان مسلمان می ازدواج کنند به این استناد که قرآن ازدواج زن مسلمان را با اهل کتاب حرام ننموده است در واقع فقهای اسلامی چنین ازدواجی را ممنوع نمودند به دلیل اینکه فقهای یهود و نصاری را با کفار قیاس نموده و فتاوی تحریم ازدواج زنان مسلمان با اهل کتاب را صادر نمودند مصرانه از شما خواهیم دیدگاه خود و حکم شرعی را در این مسئله مهم اعلام داریدمی.

پرست باشد یاکند که آن کافر بتج: زن مسلمان با هیچ کافری حق ازدواج ندارد فرقی نمی یهودی یا نصرانی به دلیل نص صریح قرآن که فرمود:

گمان کنیز مؤمنی از زنان مشرک بهتراند ازدواج نکنید بی‌با زنان مشرک تا ایمان نیاورده که ایماناست اگر چه شما را به شگفتی انداخته باشد به ازدواج مردان مشرک در نیاورید مادامی گمان غلام مؤمنی از مرد مشرک بهتر است گرچه شما را به شگفتی انداخته باشداند و بی‌نیاورده.

فرمایدالله می:

این زنان برای آن مردان و آن مردان برای این زنان حرام هستند.

های علمی و افتافتاوای انجمن دائم پژوهش

تواند دختر را که سنش کمتر از نه سال است بدون رضایت خود دختر بهآیا پدر می -۲۱ ازدواج دیگری در آورد

س: شخصی از دختری نابالغ که از نظر سن بین دو سال تا ده سال یا کمی بیشتر یا کمی کند آیا چنین عقدی صحیح است؟کمتر قرار دارد خواستگاری می

تواند عقد دختر خردسالش را منعقد نماید بالخصوص زمانی که پدر مصلحتج: پدر می گونه تشخیص دهد به دلیل عقد رسول (ص) با عایشه در حالی که کمتر از نه سالدخترش را این فرمایندالله میداشت رسول:

شوند گفتند: یااش به نکاح داده میزن بیوه بدون مشورت با او و دختر باکره بدون اجازه الله اجازه دختر باکره چگونه است فرمود: این که سکوت کندرسول.

های شرعیچنانچه بعد از عقد نکاح اختلافی بین زوجین پیش آمد مرجع رسیدگی دادگاه هستند.

های علمی و افتافتاوای انجمن دائم پژوهش

ازدواج پسر و دختر خردسال با یکدیگر -۲۲

آموز سال دوم متوسطه که چهارده سال دارد با دختر تقریباً ده تا چهاردهس: ازدواج دانش ساله که با هم علاقه دارند و اولیای آن دو هم راضی هستند حکمش چیست؟

ج: ازدواج پسر بچه خردسال با دختر بچه خردسال با اذن ولی جایز است.

های علمی و افتافتاوی انجمن دائم پژوهش

که دختر از این کارتواند از مهریه دخترش برای خودش چیزی بردارد تا مادامیپدر می -۴۲ متضرر نشود

س: در برخی مناطق رسم بر آن است که پدر و مادر مهریه دخترانشان را برای خودشان دهند آیا این کار جایز است؟دارند و چیزی به دختر نمیبرمی

تواند در صورتی که دختر نیازی به مهرش نداشته باشد و به مقداری که دخترج: پدر می فرمایندالله میمتضرر نشود برای خودش بردارد رسول:

ات هر دو از آن پدرت هستیدتو و سرمایه.

های علمی و افتافتاوای انجمن دائم پژوهش

ولی زن چه کسی است -۵۲

س: دختری به سن بلوغ رسیده است و کسی را به عنوان ولی ندارد در شهر قاضی هم نیست تواند به عنوان ولی تعیین شود و ایشان را ازدواج دهد؟آیا امیر شهر می

ج: اولیای زن به ترتیب عبارت هستند از پدر، پدربزرگ ... به همین ترتیب سپس پسر، نوه ... ترین عصبه به ترتیبی که‌و به همین ترتیب برادر پدری و مادری سپس برادر پدری سپس نزدیک تواند به عنوان‌گیرند سپس سلطان و پادشاه حاکم شرعی می‌در میراث به عنوان عصبه قرار می تواندنائب سلطان قرار گیرد اما امیر یا همان رئیس اداره نیابتش فقط در امور مربوطه است و نمی به عنوان ولی قرار گیرد.

های علمی و افتافتوای انجمن دائم پژوهش

توان پیش هر زنی بیش از یک شب ماندمی -۱۲۰

تواند پیش هرکدام به جای یک روز یک هفته بماند یک‌س: آیا مردی که دو زن دارد می هفته پیش یک زن و یک هفته پیش زن دیگری؟

ها برابری نماید هرچندج: جایز است چون منظور این است که در شب گذراندن بین آن ماند پیش دیگری به همان اندازه بماند چنانکه رسول (ص) ثابت است‌شب که پیش یکی می ات کم ارزش نیستی‌سلمه ازدواج کرد سه روز نزد او ماند و گفت: تو پیش خانواده‌وقتی که با ام مانم و اگر هفت روز پیشت باشم نزد زنان دیگر هم هفت‌خواهی هفت روز پیش تو می‌اگر می روز خواهم ماند.

شیخ ابن جبرین اللولوالمکین

باب هفدهم: آداب

حکم نافرمانی از پدر و مادر -۱۹

س: فرزندی دارم که بیش از بیست سال سن دارد و در دانشگاه مشغول تحصیل است همیشه کندکند با مادرش دعوا می‌به بهانه اینکه مادرش صدایش را بر برادرهایش در خانه بلند می آید وکند و دو ماه است که از مادرش قطع رابطه کرده به خانه می‌اکنون به مادرش سلام نمی کند موضع من به عنوان پدر بر این بچه‌خوابد اما به مادرش سلام نمی‌نوشد و می‌خورد و می‌می باید چه باشد؟

ج: این پسر جاهل است و مرتکب منکری بزرگ و نافرمانی بزرگی شده است از الله تعالی

خواهیم ما و او را هدایت نماید باید او را از این کارش بازدارید حتی اگر نیاز به زدن و تنبیه‌می ای از انواع مناسب ادب که ممکن‌او باشد یا لازم باشد او را به خانه راه ندهید یا از هر وسیله است او را ادب نماید استفاده کنید اگر پدر نتواند قضیه را حل و فصل نماید قضیه به دادگاه ارجاع شود.

شیخ ابن باز مجموع فتاوی متنوعه

حکم موسیقی –۶۱

س: حکم ترانه چیست آیا حرام است یا نه با توجه به اینکه من فقط جهت آرامش خاطر های قدیمی چیست آیا طبل‌کنم حکم نواختن پیانو و موسیقی با خواندن ترانه‌موسیقی گوش می ام که حلال است؟زدن در مراسم ازدواج حرام است من شنیده

شودج: گوش کشیدن به ترانه حرام و منکر است موسیقی باعث سنگدلی و قساوت قلب می فرمایدداردِ الله تعالی می‌و دل را از ذکر خدا و از نماز بازمی:

خرندبعضی از مردم سخنان بیهوده را می

اند اگر با ترانه آلتی از آلات لهو همچون رباب‌بیشتر علما لهو الحدیث را به ترانه تفسیر کرده گوید ترانه باپیانو و عود و کمانچه و طبل همراه باشد حرمت آن بیشتر است یکی از علما می آلت لهو به اجماع حرام است پس باید از آن پرهیز کرد.

شیخ ابن باز مجله الدعوه

باب هجدهم: فتاوای طب

حکم خرید اجساد به قسط کالبد شکافی –۱۸

های علوم پزشکی از جنوب شرق آسیا برای کالبد شکافی اقدام به‌س: بعضی از دانشکده کنند حکم آن چیست؟خرید اجساد می

خرند اگر اجساد کفاری باشد که در امان نیستند اشکالی ندارد اما غیر ازج: اجسادی که می ها جایز نیست که اجدادشان مورد تعرض قرار گیرندآن.

شیخ ابن باز کتاب الفتاوی المتعلقه بال طب

باب نوزدهم: احکام بانوان

روش حجاب شرعی –۳۰

ها چادرپوشند و حجاب آن‌بسیاری از دختران جوان به گمان خود حجاب اسلامی می گذارند و با آن چهره‌ها این چادر را روی سر می‌های آن تزئین شده آن‌سیاهی است که کناره باشد و زنگ خطر درها نمایان است و در صورت مجسم می‌پوشانند اما متأسفانه چشم‌خود را می ها را بازآهسته قسمت بیشتری از اطراف چشم‌این حجاب جدید این است که این دختران آهسته گذارند به بهانه اینکه جلوی دیدشان گرفته نشودمی.

س: آیا پوشیدن چنین حجابی جایز است لطفاً روش و کیفیت حجاب را که اسلام به آن امر نموده بیان کنید.

ج: استعمار فکری برای بازداشتن مردم از عمل به عقاید و رفتار و عبادات دینی و معامله بر کنند اما ایمان مؤمن به منزله دژ محکم‌های دینی از هیچ کوششی فروگذار نمی‌اساس آموزه فرمایداست خداوند می:

ای مؤمنان از خداوند اطاعت کنید و از رسول و صاحبان امرتان اطاعت کنید هرگاه در چیزی اختلاف کردید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید آن را به خدا و رسول بازگردانید این تر است‌بهتر و نیک انجام.

کند منافات داردحجابی که در سؤال کیفیت آن ذکر شده با آنچه دلایل شرعی اقتضا می چون این نوع حجاب اظهار زینت را در بر دارد زیرا چادر تزئین شده است و خداوند در مورد فرمایدپیرزنان می:

هایشان را در حالی‌ای که امید ازدواج ندارند بر آنان گناهی نیست از آنکه لباس‌و زنان یائسه فرو نهند که زینتی آشکار نکنند.

این در مورد پیرزنانی است که امید به ازدواج ندارند.

ها را هم‌ها و وقتی زنان در آن فراتر رفته و ابروها و گونه‌با گذاشتن نقاب در قسمت چشم کنند این عمل زنان در عصر پیامبر (ص) مخالف است زنان شاید این نوع حجاب را به‌نمایان می گذرد که از آن فاصله‌اند اما دیری نمی‌صورتی نزدیک با حجاب زنان عصر پیامبر (ص) پوشیده گیرند نصیحت بنده به زنان مؤمن این است که از خدا بترسند و در اسلام سنت و روش بدی‌می ها ضرری‌ترها بپرسند که آیا حجاب و پوشاندن تمام چهره به آن‌را مرسوم نکنند از بزرگ ها در انجام وظایف خود کوتاهی‌ها گردیده آیا سبب شده تا آن‌رسانده آیا سبب نقصان دین آن گرد کنند قطعاًها از نظر دینی یا فکری یا اخلاقی یا اجتماعی عقب‌ورزند آیا سبب شده که آن یک از این موارد اتفاق نیفتاده است راه مادران خود و راه زنان صحابه را در پیش بگیریدهیچ.

ابن عثیمین کتاب الدعوه

هایش راحکم پوشاندن زن کف دست –۴۰

ها از لباس در خیابان حرام است یا نه؟س: آیا بیرون کردن کف دست

.ج: کف دست زن عورت است و برهنه کردن آن جز برای محرم جایز نیست

فتاوی اللجنه اللدائمه للبحوث العلمیه وال افتا

دوستی پاك و صادقانه با زن بیگانه –۶۷

س: حکم شریعت درباره دوستی با جنس مخالف چیست؟

ترین امور حرام و از بدترین منکرات است جایز نیست که زن با مردج: این کار از بزرگ .شودبیگانه دوست شود و یا مرد با زن بیگانه دوست شود چون سبب فتنه می

فتاوی اللجنه اللدائمه للبحوث العلمیه وال افتا

پوشیدن لباس کوتاه در حضور فرزندان آیا جایز است؟ –۷۹

پوشم حکم چیست؟ها لباس کوتاه می‌س: چهار فرزند دارم و در حضور آن

ج: برای زن جایز نیست که در حضور فرزندان و محارم خود لباس کوتاه بپوشد زن باید در شود مانندحضور محارم خویش چیزی از بدنش را نمایان نکند جز آنچه که معمولاً برهنه می .تواند فقط در حضور شوهر لباس کوتاه بپوشددست و صورت که سبب فتنه نیست زن می

شیخ الفوزان المنتقی

اصول و ضوابط کار برای زنان –۱۰۰

توانند آن را انجام دهند اماس: حکم شریعت در مورد اشتغال زنان به کارهایی که مردان می ها فراهم کندشود تا زمینه کار را برای زناین مشاغل به زنان سپرده می

ج: اصل در شریعت اسلام این است که زن در جایگاهی قرار بگیرد که خداوند او را با آن جایگاه کرامت و عزت داده است یعنی زن در خانه بماند و از اماکن فتنه و جاهای ناامن دور باشد تا بتواند فرزندانش را به شیوه اسلام تربیت کند و خدمت شوهرش را بکند و به کارهای منزل رسیدگی کند در ضمن کار کردن زن خارج از خانه مستلزم آن است که خدمتکاران مرد یا بار است و برای دیانت خانواده مضرها زیان‌زنی در منزل استخدام شوند که برای فرزندان آن .باشدمی

فتاوی اللجنه اللدائمه للبحوث العلمیه وال افتا

هاحکم رانندگی زن –۱۱۳

س: لطفاً توضیح دهید که رانندگی زن از لحاظ شرعی چه حکمی دار؟

ج: پاسخ این سؤال بر دو قاعده مشهور بین علمای مسلمین مبتنی است قاعده اول آنچه به حرام بینجامد حرام است و قاعده دوم دفع فساد بر جلب مصالح مقدم است دلیل قاعده اول گفته :فرمایدالهی است که می

پرستند دشنام ندهید از روی ستم ناآگاهانه خداوند را دشنامو کسانی را که به جای خدا می .دهندمی

:فرمایدو دلیل قاعده دوم فرموده الهی است که می

ها گناه بزرگ برای مردم سودهاییپرسند بگو در هر دوی آناز تو درباره شراب و قمار می .ها از نفعشان بیشتر استاست و گناه هر دوی آن

های کشورهای دیگر حجاب را کنار خواهند گذاشت وزنان با این کار به زودی مانند زن شود و حال آنکه حیا جز ایمان است از دیگر مفاسد رانندگی زناینکه شرم و حیا از زن دور می شوند وتر خواهد شد و یا بعضی از جوانان از رانندگی محروم می‌این است که ترافیک سنگین حال آنکه مردان از زنان به رانندگی سزاوارترند و از دیگر مفاسد رانندگی زن کثرت تصادفات تر است و وقتی با خطر روبروتر و ناتواناست چون زن به اقتضای طبیعت خود از مرد ضعیف .تواند کاری بکندشود نمی‌می

گوید نظر شما در این مورد چیست از آنجا که هیاهو و جنجال‌کننده می‌اما اینکه سؤال اند و فشار مضاعف بر جامعه سعودی در این موردزیادی در مورد رانندگی زن به راه انداخته کنند تا حکومت رانندگی زن را بپذیرد پاسخ این سؤال را مفصل بیان کردم هیاهو ووارد می اند عجیب نیست اما عجیب‌فشار از سوی دشمنان اسلام که آخرین اردوگاه این دین را قرار داده گویند و زیر پرچم مازبانان ما که به زبان ما سخن می‌اینجاست که گروهی از شهروندان و هم ها گروهی هستند که پیشرفت مادی کشورهای کفراندازند این‌هستند این هیاهو را به راه می برند که پیشرفت‌ها گمان می‌اند این‌ها شده‌بندوباری آن‌ها را خیره کرده و شیفته بی‌چشمان آن ها به‌بندوباری است همه این‌اند محصول این آزادی بی‌ای که کشورهای کفر به آن رسیده‌مادی اند ازخاطر آن است که بسیاری از ایشان به احکام شریعت و دلایل و فلسفه احکام جاهل .ها را هدایت کندخواهیم که ما و آن‌خداوند می

فتوا با امضای شیخ ابن عثیمین

تنها بودن با راننده برای رفتن به بیمارستان –۱۲۰

برد او را یک راننده که اهل‌ای سه بار به بیمارستان می‌س: مادرم مشکل کلیه دارد و هفته برد و با توجه به سختی شرایط وباشد به بیمارستان می‌سعودی است و متأهل و دارای فرزند می رود بدون آنکه محرمی همراه او باشد اونیاز شدید به ناچار مادر تنها با راننده به بیمارستان می رود آنجا نیستند و در مدرسه هستند لطفاً راهنماییفرزند دارد اما وقتی که او به بیمارستان می کنید.

خواهد به بیمارستان برود باید همراه با محرم برود و نباید با راننده‌ج: مادرت هروقت می فرمایدنامحرم برود چون پیامبر (ص) به طور کلی می:

هاست‌شود مگر آنکه شیطان سومین آن‌هیچ مردی با زنی تنها نمی.

آیدتنها بودن مادرتان با راننده در ماشین خلوت به شمار می.

فتاوی اللجنه اللدائمه للبحوث العلمیه وال افتا

معنی حدیث زن و سگ سیاهه و الاغ اگر از جلوی نمازگزار رد شوند نماز باطل –۱۲۶ شودمی

کنم من بحمدالله نمازها راس: زنی هستم که در کنار یکی از مساجد شهر زندگی می خوانم روزی از بلندگوی مسجد شنیدم که امام مسجد گفت: سه چیز نماز را قطع‌سروقت می دانم چگونه زن به الاغ و سگ ربط داده‌کند زن، سگ سیاه و الاغ صحت این حدیث را نمی‌می شود آیا زن نجس است؟می

ج: اول اینکه باید هر مسلمانی تسلیم احکام شریعت باشد خواه حکمت آن را بفهمد و یا نفهمد.

کند این است که زن مرد را از نظردوم اینکه زن نجس نیست علت اینکه نماز را قطع می کندای و جنسی تحریک می‌مسائل غریزه.

سوم اینکه حدیث صحیح است و از پیامبر (ص) روایت است که اگر این سه چیز از جلوی اش رد شوند نماز رانمازگزار عبور کنند و نمازگزار ستره نداشته باشد یا از میان نمازگزار و ستره کنند پس باید تسلیم حکم خدا شد و به آن عمل کرد قطع کردن یعنی باطل کردن نمازباطل می

فتاوی اللجنه اللدائمه للبحوث العلمیه وال افتا

مبحث سوم: در بیان زکات

بیان احکام عشر

زمین عشری

ها آن را از کفار به قدرت و غلبه گرفته و در بین خودعبارت است زمینی است که مسلمان آن را تقسیم نمودند یا اهل آن سرزمین به میل و رغبت خود اسلام آورده است از زمین عشری هرگونه محصولی به دست آید خواه اندک باشد خواه زیاد اگر از آب باران یا قنات و نهر چون دهم) و اگر از آب چاه باشد و یا در اکثر ایام سال از نهرها بهسیحون و جیحون باشد عشر (یک گرددبیستم واجب می‌وسیله دولاب و یا پمپ دینام سیراب شود عشر آن نصف عشر یعنی یک چه کم باشد و چه زیاد.

زمین خراجی

و اما زمین خراجی عبارت از زمینی است که بعد از غلبه مسلمانان آن را به خود ساکنین اندواگذاشته و از آن جزیه گرفته.

خراج

گزار سوگند یاد کردن و یا سوگند دادن است همچنان کهمقاسمه است یعنی با باج شود و یا مانند آن و گرفتن نصف حاصل نهایت زور و خارج از طاقت‌چهارم وضع کرده می‌یک است و یا آنچه از خراج عمر (رض) بر اهل عراق وضع کرده است که برای هر جریب که آب به آن برسد یک صاع از گندم با یک صاع از جو به همراه یک درهم و برای هر جریب رطبه (علف خوراک چهارپایان) پنج درهم و برای هر جریب انگور و خرما که در یک باغ باشند دو ها به اندازه طاقتشان خراج گرفته شودبرابر آن گرفته شود و برای غیر از این.

بیان احکام قربانی

اللحم است (حلال گوشت) غیر از ماهی و ملخ تا زمانی که ذبح کردههر حیوانی که مأکول اللحم ذبح کرده شود حلال‌نشود (سر بریده نشود) حرام است آن هنگام که حیوان مأکول گردد پس گوشت آن پاک‌که به سبب ذبح خون ناپاک از گوشت آن پاک می‌شود چون‌می گردد از جملهاللحم نیست چون موش سگ و گربه فقط پاک می‌گردد و حیوانی که مأکول‌می

کننده مسلمان یا کتابی باشد پس آنچه را که مسلمان ذبح کردهشرایط ذبح آن است که ذبح حلال است.

در ذبح به مسائل زیر توجه باید کرد

۱- ها قادر باشد اگرالله بگوید و طریقه ذبح کردن را بداند یعنی بر بریدن رگ‌کننده بسم‌ذبح الله نگوید و طریقه ذبح کردن را نداند ذبح حلال نیست‌بسم

۲- بر مسافر قربانی واجب نیست

۳- شودالله اللهم اغفرلی بگوید ذبح حلال نمی‌اگر در وقت ذبح به جای بسم

۴- الله داشته باشد ذبح صحیح‌الله بگوید و قسط بسم‌الله الحمدالله و سبحان‌اگر به جای بسم است

حیواناتی که برای قربانی کردن جایز است

حیواناتی مانند بر، میش، شتر، گاو گاومیش برای قربانی کردن جایز است برای قربانی کردن ای از شش ماه بیشتر عمر داشته باشد و جثه آن‌سن گوسفند از یک سال کمتر نباشد ولی اگر بره ساله به نظر آید نیز برای قربانی کردن جایز است و گاو و گاومیش از دوبه اندازه گوسفند یک سال کمتر نباشد یعنی وارد سال سوم شده باشد و شتر از پنج سال کمتر نباشد یعنی وارد سال ششم شده باشد گوسفند برای قربانی یک سهم است یعنی برای قربانی یک نفر و گاو گاومیش و توانند شریک شوند اگر به جای هفت نفر مثلاً پنج‌شتر برای قربانی هفت سهم یعنی هفت نفر می نفر شرکت کردند و قسط هم قربانی باشد به طریق اولی جایز است که آن را به پنج قسمت تقسیم کنند.

مبحث پنجم: در بیان احکام و مناسک حج

مسئله ذبح

هفتم یک گاو و یا یک شتر است و این‌دانید ذبح یک گوسفند و یا یک‌طور که می‌همان اند واجب است و برای اشخاصی که حج مفردذبح برای کسانی که نیت تمتع و یا قرآن کرده اند ذبحی بر ذمه او نیست‌نیت کرده.

جنایات

شود که شرع اسلام آن را حرام‌در حج آن است که شخص محرم عملی را مرتکب می دانسته است.

یادآوری ۱

اگر حاجی در حالت محرم قبل از وقوف به عرفه در یکی از دو راه جماع نماید حج او فاسد چنین شخصی بقیه اعمال خود را گویا اینکه فاسد نشده انجام دهد و دم لازم‌شود و باید این‌می .شود و سال آیند حج خود را قضا نمایدمی

یادآوری ۲

اگر حاجی در حالت احرام بعد از وقوف به عرفه و قبل از حلق و طواف زیارت جماع کند .شود و بر او بدنه لازم است‌حجش فاسد نمی

یادآوری۳

کشد (بدنه) مگر اینکه‌اگر حاجی طواف فرض خود را در حالت جنابت انجام دهد شتر می .شوددوباره در حالت غسل و وضو اعاده کند در این صورت چیزی بر وی لازم نمی

یادآوری ۴

شوداگر حاجی بعد از حلق و قبل از طواف زیارت وطی کند بر او دم لازم می

شودارتکاب جنایاتی که بر آن دم لازم می

۱- مالیدن چیز خوشبویی مانند عطر اودکلن و ... بر یکی از اعضای کامل بدن در حالت احرام مثل مالیدن دست کامل یا پای کامل یا سر و ساق و ران و مانند آن و ... بر وی دم لازم .شودمی

۲- مالیدن زیتون در حالت احرام به طور کامل بر یکی از اعضای بدن

۳- چهارم سر خود را تحلیق‌اگر محرم بر حسب عذر یک عضو را خوشبو کند و یا یک .شودهای دست یا پای خود را بگیرد بر وی دم لازم می‌نماید یا ناخن

۴- پوشیدن لباس دوخته شده در حالت احرام به مدت دوازده ساعت حتی به خاطر پوشاندن گرددعورت هم باشد دم لازم می

۵- شودپوشاندن کامل سر یا صورت برای محرم به مدت دوازده ساعت بر وی دم لازم می

۶- شود و نیز تراشیدن‌چهارم سر یا ریش در حالت احرام بر او دم لازم می‌تراشیدن یک .موی یک عضو به صورت کامل مانند موی زیر بغل یا ناف همین حکم را دارد

۷- انجام دادن طواف عدوم یا طواف وداع در حالت حیض یا در حالت جنابت و یا زیارت

گردد ولی اگروضویی انجام دادن بر محرم دم لازم می‌بدون وضو و یا بیشتر آن را در حالت بی شوداین زیارت را دوباره در ایام نحر به جای آورد دم از وی ساقط می.

۸– اگر محرم تمام طواف عمره و یا چهار شوط آن را در حال جنب و یا در حالت حیض و گرددوضویی انجام دهد بر او دم لازم می‌یا در حالت نفسا یا در حالت بی.

۹– اگر حاجی موی سر خود را در حالت خارج شدن از احرام در بیرون از زمین حرم تراشید گرددر نزد امام ابوحنیفه بر وی دم لازم می.

۱۰– شود باید حتماًاگر محرم همه طواف عمره یا اکثر آن را ترک کرد با دم هم جبران نمی آن را انجام دهد.

۱۱– شود این‌اش فاسد می‌اگر محرمی در طواف عمره قبل از چهار شوط جماع کند عمره کند و دم بر او لازم است‌دهد و سپس قضا می‌شخص همین عمره را کامل انجام می.

۱۲– اگر محرمی یک روز یا بیش از یک روز زدن جمره را به تأخیر بیندازد و یا ترک کند شوددم لازم می

۱۳– گردداگر محرم قبل از زدن جمره ذبح کرد یا سر خود را تراشید بر وی دم لازم می.

۱۴– با زن خود بعد از بیرون آمدن از احرام و قبل از انجام دادن طواف جماع کند بر وی دم شودلازم می

۱۵– های یک دست کامل و یا یک پای کامل خود را بگیرد بر وی دم‌در حالت احرام ناخن گرددلازم می

۱۶– زن حائض و یا نفسا از طواف عمره حتی یک شوط را هم انجام داده باشد بر وی دم گرددلازم می

۱۷– گرددترک سعی (صفا و مروه) یا ترک آن بیش از سه شوط باشد بر وی دم لازم می مگر اینکه اعاده کند.

۱۸– گرددبه ترک طواف وداع یا چهار شوط آن دم لازم می

۱۹– محرم اگر سر خود را در حالت احرام هنوز طواف سعی صورت نگرفته بتراشد بر وی گرددم لازم می

...

اگر محرم سر محرم را با امرش یا بدون امر او بتراشد بر ملحوق (تراشیده شده) دم لازم -۳۴
.شودمی

یادآوری۴

.منظور از دم، ذبح گوسفند است

مبحث ششم: در بیان احکام جهاد

جهاد

در لغت به معنی تلاش و کوشش است و در اصطلاح شرع به معنی جنگ با کفار و دشمنان
.دین است

فضیلت جهاد

:در فضیلت جهاد در حدیث شریف از ابوهریره روایت است که گفت

شخصی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: عملی را به من نشان بدهید که برابر جهاد ثواب داشته
بینم‌باشد فرمود: چنین عملی را نمی

کند و اگر حمله از جانب‌این جهاد آن موقعی که خطر جدی مسلمین را تهدید نمی
مسلمانان شروع شود فرض کفایه است ولی اگر خطر مسلمین و کشور اسلامی را تهدید کند و
کفار به مسلمانان حمله کنند فرض عین است که با جان و مال خود به جهاد برخیزند مگر به
:اشخاص زیر واجب نیست

کودک، غلام، زن، کور، معلول، جامانده اگر کسی در راه خدا کشته شود شهید است و در
(یابد (رواه البخاری‌شود و پاداش خود را در بهشت می‌قیامت به جنت وارد می

آن هنگام که به سوی جهاد بیرون روید از جنگ نگریزید و رو به فرار نیاورید و تا سرحد
(مرگ ایستادگی نمایید (رواه البخاری

در بیان احکام غنائم جنگی

ها راها را به قتل برساند و یا آن‌رهبر کشور اسلامی درباره اسیران جنگی مخیر است که آن
.ها را با اسیران مسلمان که در اسارت کفار هستند مبادله کندغلام و کنیز نماید و یا آن

صلح و جزیه با اهل ذمه و اهل حرب

جزیه

ها را در حمایت اسلام مصون‌گیرد تا آن‌آن چیزی است که دولت اسلام از کفار سالیانه می اش جزیه بوده باشد دیگر جزیه از اواز تعرض باشند اگر کسی از کافران اسلام بیاورند و بر ذمه .شودبرداشته می

بیان احکام مرتد

گویند که از دین اسلام برگشته است کسی که از دین اسلام برگردد به‌مرتد کسی را می مدت سه روز زندانی شود و بر وی اسلام عرض کنند اگر اسلام را قبول کرد و توبه نمود چه خوب و الا پس از سه روز کشته شود ولی اگر زن مسلمه از اسلام برگشت و مرتد شد کشته .نشود بلکه زندانی گردد تا بمیرد یا توبه کند

:چنانچه در بخشی از آیه ۵۴ سوره المائده آمده که

آوردزودی خدا قومی را به عرصه می‌ای مؤمنان هر کس از شما از دین خود برگردد پس به .دارنددارد و ایشان نیز او را دوست می‌که ایشان را دوست می

در تفاسیر مراد از قوم که از خدای سبحان آوردنشان را به عرصه وعده داده است ابوبکر اند که بعد از رحلت رسول خدا با اهل رده (مرتدان)صدیق و لشگرش از صحابه و تابعین آیند و با مرتدان‌گیرد که بعد از من می‌جنگیدند همچنان آیه کریمه همه مؤمنانی را در برمی اند که خدای عزوجل راکه آنان کسانی‌جنگند همگی دارای اوصاف عظیمی هستند چون‌می که آنان با مؤمنان مهربان و فروتن و بردارد چون‌دارند و او نیز ایشان را دوست می‌دوست می کنند و از ملامت هیچ ملامتگری‌گیرند و در راه خدا جهاد می‌کافران درشت طبع و سخت دهد و خداوند گشایش‌هراسند این اوصاف فضل الهی است که آن را به هرکه بخواهد می‌نمی .گر و دانا است

شوندکلماتی که موجب مرتد می

۱– شودمثلاً بگوید: خدا قدرت این کار را ندارد حتی اگر هم به شوخی باشد مرتد می

۲– های بیکار است یااگر به کسی گفته شود نماز بخوان و او بگوید: خواندن نماز از آن آدم به او گفته شود: روزه بگیر بگوید: روزه از آن کسانی است که چیزی ندارند همه این گفتار کفر است

۳– داند مرتد استکنم که خدا هم نمی‌اگر کسی گفت: من کاری می

۴– اگر مرتد با مال خود به دارالحرب ملحق شود بعد از آن مسلمانان بر آن دار غالب آمدند مال وی غنیمت باشد

اگر زن و شوهر هر دو مرتد شده به دارالحرب بروند و زن در دارالحرب فرزندی به دنیا -۵ آورد و آن فرزند ولد دیگر آورد بعد از آن مسلمانان بر آن دار غالب آیند هر دو ولد غنیمت شوند.

مبحث هفتم: در بیان احکام و مجازات دزدی

احکام و مجازات دزدی

دزدی در لغت

مال کسی را از راه خفیه و سربرداشتن گرفتن چیزی است که دارای حفاظ و یا نگهبان باشد به طور پنهانی از چشم دیگران آن مال حفاظتی یا مانند مال قرار داده شده در خانه یا صندوق کسی دیگر مالی است که دارای نگهبان بیرونی است مانند اماکنی که نگهبان و پاسبان دارند.

از عبدالله بن عمر (رض) روایت است که گفت: پیامبر خدا دست دزدی را از دزدیدن سپری (که قیمتش سه درهم بود قطع نمودند (رواه البخاری

اگر عاقل و بالغ از حرزی که در آن شبهه نیست ده درم یا چیزی که قیمت آن ده درم -۱ باشد بریدن دست او واجب است.

اما درباره دزدی و مجازات آن در قرآن کریم در آیه ۳۸ سوره مائده چنین آمده است

های راستشان را به سزای عملشان به عنوان مجازاتی که از جانب‌مرد دزد و زن دزد دست خداست ببرید که خدا نیرومند و فرزانه است.

یعنی حد شرعی مرد و زن دزد این است که دست راست هریک از آنان را از بند به کیفر اند ببرید این مجازات نکالی است یعنی عذابی است بازدارنده وآنچه از عمل دزدی کرده انگیز از جانب خدا پس بر آنان اندوهگین نباشید و خداوند عزیز و حکیم است‌عبرت.

مبحث نهم: در بیان احکام نکاح یا زناشویی

گیردمسائلی که در نکاح مورد توجه قرار می

تواند در حضور دواگر زنی به مردی اجازه داد که او را برای خودش عقد کند مرد می -۱ شاهد زن را برای خود وکالتا عقد نماید چون نکاح دو مسلمان به حضور دو گواه آزاد که هر دو عاقل و بالغ و مسلمان باشند یا یک مرد و دو زن عادل باشند صحیح است.

حکم نکاح فضولی

اگر دختر و پسری را بدون اجازه آنان برای یکدیگر عقد کنند این نکاح فضولی است اگر دختر و پسر بعد از اینکه متوجه شدند بگویند راضی هستیم این عقد جایز است و گرنه جایز اش را مثلاً مریم برای سلیمان عقد کندنیست اما اگر کسی به دیگری دستور داد که دختر صغیره و آن شخص در حضور خود پدر و یک شاهد دیگر نکاح را جاری نمود جایز است چون در .شودشود و با آن شاهد دو شاهد کامل می‌دهنده شاهد محسوب می‌حقیقت پدر نکاح

سالان در صورتی که عقد نکاح را ولی دختر صغیره‌و درباره نکاح خردسالان با بزرگ جاری کرد نکاح جایز است چنانچه از عایشه (رض) روایت است که: پیامبر خدا (ص) او را از ابوبکر (رض) خواستگاری کرد ابوبکر برای پیامبر خدا نوشت: من برادر شما هستم فرمودند: تو (برادرم در دین و کتاب خدا هستی و دخترت برایم حلال است (رواه البخاری

ها حرام است‌هایی که ازدواج با آن‌زن

:علاوه بر محرمات فوق ازدواج با اشخاص زیر نیز حرام شناخته شده است

یادآوری ۲

شود بلکه تعزیر باید کرد و اگراگر کسی با حیوانی مقاربه کند بر آن شخص حد لازم نمی آن حیوان از آن فاعل باشد ذبح کرده بسوزانند و اگر از آن دیگری باشد قیمت حیوان را از فاعل .بگیرند

یادآوری ۵

جنس خود لواط کند در نزد ابوحنیفه بر او حدبازی حرام است اگر کسی با هم‌جنس‌هم شود بلکه باید او را تعزیر کرد ولی نزد امامین حکمش مثل حکم زناست و حکم زناواجب نمی شود (سنگسار) و اگر این عمل‌اگر مجرد باشد صد ضربه شلاق و اگر متأهل باشد رجم کرده می .همیشه تکرار گردد امام او را به جهت سیاست بکشد

بیان احکام مهر

پرست جایز نیست ولی ازدواج مسلمان با ذمه کتابی به‌ها کافره و آتش‌ازدواج با زن –۷ شهادت دو ذمی در نزد ابوحنیفه جایز است در انتخاب همسر باید دقت کرد و بیشتر مسئله کفایت یعنی همانندی و مثل هم بودن زن و مرد را از جهت نصب مسلمان بودن دیانت ثروت :شغل باید در نظر گرفت چنانچه از ابوهریره (رض) از پیامبر خدا (ص) روایت است که فرمودند

شود به سبب مال آن به سبب جمال آن به سبب‌زن به سبب چهار چیز به نکاح گرفته می هایت به‌داری را اختیار نمایی و اگر نکنی دست‌نصب آن به سبب دین آن و تو باید زن دین

خاک شود

:در حدیث شریف از اسامه بن زید (رض) از پیامبر خدا (ص) روایت است که فرمودند

(ام (رواه البخاری‌ای را مضرتر از زن برای مردها به جا نگذاشته‌بعد از خود فتنه

شود که زن بد و شوم یعنی یار بد بدتر بود از مار بدپس از این حدیث معلوم می

مبحث یازدهم: در بیان احکام طلاق

دهنده‌شرایط طلاق

کسی که بخواهد طلاق دهد باید عاقل و بالغ باشد پس طلاق دیوانه و کودک صحیح -۱ شودنیست اما طلاق شخص لال به وسیله اشاره واقع می

اگر کسی شراب یا هر مسکرات دیگری نوشیده و در حالت مستی زن خود را طلاق داد -۲ شودیا در حالت خشم و غضب طلاق را جاری کرد طلاق واقع می

شوداگر شخصی بدون شاهد هم زن خود را در حضورش طلاق دهد طلاق واقع می -۳

شوداگر کسی را اجبار کنند که زن خود را طلاق دهد باز هم طلاق واقع می -۴

نویسدای خطاب به زنش می‌شود مثلاً از محل سکونت خود نامه‌طلاق به مکاتبه واقع می -۵ شود اما اگرکه تو طلاقی یا تو را طلاق دادم از همان هنگام که نامه را نوشت طلاق واقع می بنویسد هرگاه نامه من به دست تو رسید تو طلاق هستی از همان لحظه که نامه به دست او رسید .شودعده زن شروع می

احکام طلاق مریض

اگر مرد در حالت بیماری به زن خود بگوید اگر از خانه خارج شوی طلاق بائنی اگر زن -۲ .بردشود و اگر شوهر او فوت کرد زن از او ارث نمی‌بیرون رفت طلاق بائن واقع می

چند مسئله درباره خلع

اگر زن به شوهر خود بگوید: مرا طلاق بده تا من مبلغ سه میلیون تومان به شما بدهم اگر -۴ میلیون تومان و اگر دو طلاق داد دو میلیون تومان و اگر سه طلاق داد سه‌مرد یک طلاق داد یک شود چون طلاقی که درها طلاق بائن واقع می‌گردد و در تمام این صورت‌میلیون تومان لازم می .شود طلاق بائن استخلع واقع می

مبحث شانزدهم: در بیان احکام نفقه و رزق حلال

مسائلی درباره نفقه

اگر مرد صغیر و زن کبیره باشد نفقه زن باید از مال مرد پرداخت گردد ولی اگر زن -۲ صغیره و قابل مجامعت نباشد نفقه ندارد

آداب خوردن طعام

یافت که همراهش نان بخورد طعام‌روایت است که ابن عمر (رض) تا مسکینی را نمی خورد روزی شخصی را آوردند که با وی نان بخورد این شخص بسیار نان خورد ابن عمر به‌نمی خادمش گفت: این شخص را دوباره نزدم میاور زیرا پیامبر خدا (ص) فرمودند: که مسلمان در خورد و کافر در هفت روده‌یک روده طعام می

خلاصه المسائل عقیده و فقه حنفی

الدین مطهری‌به دستور حضرت مولانا خواجه شمس

(الله طاهری مولوی غلام احمد موحدی (ره‌مؤلفین: مولوی حفیظ

عقاید

عقیده ۵

خدا عزت دهنده و خوارکننده است خالق تمام کائنات است کسی او را پیدا نکرده بلکه پیدا کننده تمام جهانیان است

عقیده ۹

کننده اوست‌دهد و هدایت‌پذیرد و مستحق پاداش را پاداش می‌خدا توبه گناهکاران را می ریزیدهای درخت نمی‌شود به فرمان اوست و بی فرمان او برگی از شاخه‌در جهان هرچه واقع می .رودو ذره بی فرمان او به هوا نمی

عقیده ۱۱

آید چه خوب و چه زشت خداوند متعال قبلاً آن راآمدی که در عالم به وقوع می‌هر پیش دانند و در پیداداند طبق دانسته خود آن را به وقوع آورده و این را تقدیر الهی می‌دانسته و می .بردکردن به رازهای زیادی است که هر کس به آن پی نمی

عقیده ۱۶

درجه و مرتبه بعضی از بعضی بالاتر است و از همه برتر درجه و رتبه حضرت سیدنا محمد

شود تا قیامتمصطفی است که آخرین همه اوست و بعد از ایشان کسی به پیامبری مبعوث نمی هاستهرچند انس و جن باشد نبی آن.

عقیده ۲۶

های زیادی از آسمان بر پیغمبران نازل کرده تا جوامع بشر راخداوند به وسیله جبرئیل کتاب اند ۱- تورات که بر حضرت‌ها چهار کتاب بسیار مشوربه راه راست هدایت کند در میان آن موسی نازل شده ۲- زبور بر حضرت داود ۳- انجیل بر حضرت عیسی ۴- قرآن مجید بر حضرت محمد (ص) آخرین کتابی است که نازل شده و تا قیامت احکام آن نافذ و جاری است مردمان گمراه دیگر کتب آسمانی را تغییر و تبدیل گردانیدند و قرآن مجید به حفاظت خداوند از هرگونه دست بردگی محفوظ ومسلم است.

عقیده ۲۷

هرکس پیامبر ما حضرت محمد (ص) را دیده و به ایشان ایمان آورده و بر ایمان وفات نموده اند و همه ایشان‌گویند و اصحاب پیامبر تمامی دارای فضائل و درجات زیادیآن را صحابی می را دوست داشتن نشانه ایمان است و آنچه در میانشان از نزاع و اختلاف به وقوع آمده با احتیاط اند اول‌تر چهار صحابه‌کامل و بسیار مؤدبانه نسبت به آنان زبان باید گشود و از همه بزرگ های دین اسلام را که به واسطهحضرت ابوبکر صدیق (رض) که جانشین پیامبر گشت و پایه مرتدشدن گروهی و اختلاف گروهی دیگر در شرف از هم پاشیدن بود مضبوط و مستحکم شان بالاتر است بعد ازگردانید و به همین سبب خلیفه اول نامیده شد و از همه امت برتر و درجه حضرت ابوبکر حضرت عمر (رض) خلیفه دوم است و بعد از ایشان حضرت عثمان (رض) خلیفه باشند و دوران خلافت اسلامی برسوم و بعد از ایشان حضرت علی (رض) خلیفه چهارم می حضرت امام حسن (رض) خاتمه پیدا نمود.

عقیده ۲۸

ترین اولیا به مقام و مرتبهصحابه پیامبر را درجه و بزرگی به حدی است که بزرگ رسدترین صحابی نمی‌کوچک.

عقیده ۳۰

شود که آنچه خدا و رسول گفته همه را راست دانسته و به همهایمان وقتی ایمان گفته می ها را دروغ شمردن یا درهای خدا و رسول شک کردن و یا آنیقین کامل داشته باشد در گفته ها عیب تراشیدن یا مزاح و تمسخر کردن کفر استآن.

عقیده ۳۷

آید به یکی نکیر و به‌وقتی انسان بمیرد خواه در قبر دفن شود یا نه نزد آن دو فرشته می پرسند: که پروردگارت کیست و دینت چیست و پیغمبرت‌شود از مرده می‌دیگری منکر گفته می گفتی اگر میت اهل ایمان باشدالله چه می‌کیست و درباره این شخص یعنی حضرت محمد رسول اللهدهد که پروردگارم الله و دینم اسلام و پیغمبرم حضرت محمد رسول‌جواب صواب می گردد به این کیفیت که از بهشت روزنه‌باشد بعداً برایش هرگونه آرامش و آسایش میسر می‌می به قبرش باز شده هوای سرد بهشت و بوی خوش آن وارد قبر گردیده و بوی خوش آن به مشام ایمان باشد در پاسخ همه‌پردازد و اگر میتی بی‌رسد و در نتیجه به استراحت خوبی می‌میت می .گردددانم و اطلاعی ندارم و در نتیجه معذب می‌گوید: نمی‌سؤالات می

عقیده ۴۱

های قیامت به وقوع پیوست قیامت آشکار خواهد شد به این ترتیب‌وقتی همه علائم و نشانه که حضرت اسرافیل (ع) به حکم و فرمان خداوندی در شیپور خواهد دمید و از هیبت آن ها شکافته شده از هم خواهند گسیخت و همه مخلوق خواهند مرد وها و زمین و کوه‌آسمان هایی را که خدا بخواهد و تاهوش خواهند شد مگر آن‌اند ارواح آنان بی‌هایی که قبلاً مرده‌آن .مدتی همین حال و کیفیت خواهد بود

عقیده۴۲

شود و همه مخلوقات زنده شده دروقتی اراده خداوندی تعلق گیرد و مجدداً صور دمیده می های آن روز ترسیده برای سفارش روی به‌ها و سختی‌میان محشر جمع خواهند گشت و از مشقت انبیا خواهند آورد و بالاخره به تقاضا و شفاعت حضرت محمد (ص) میزان عدالت الهی نصب حساب وارد بهشت‌ای بی‌خواهد شد و به عمل خوب و زشت پاداش داده خواهد شد و عده خواهند شد نامه اعمال نیکوکاران به دست راست و بدکاران به دست چپ داده خواهد شد پیامبر اکرم (ص) امتان خود را از آب حوض کوثر خواهد نوشانید و از پل صراط عبور نموده وارد .شوند و بدکاران از بالای آن سرازیر در جهنم خواهند شدبهشت می

عقیده ۴۴

.خداوند پاک مختار است که به واسطه گناه کوچک عذاب کند و گناه بزرگ را عفو نماید

های کفر و شرک‌بیان سخن

پسند کردن کفر کفر است –۱

۲- خوب دانستن کلمات کفرآمیز

۳- دیگران را وادار کردن به گفتن کلمات کفر

۴- شدم فلان کارگوید: اگر من مسلمان نمی‌از ایمان خود پشیمان شدن که شخص می
شدنمی

۵- گوید: که خدا فقط درصدد بردن همین بود و برای‌چنین می‌در فوت اولاد و غیره این
کشتن کس دیگری غیر از این ندید

۶- کندبود یا این ظلمی که خدا کرد دیگری نمی‌طور نباید می‌گوید: خدا این‌یا می

۷- به غیر خدا این عقیده را داشتن که در همه وقت حالات ما به او معلوم است

۸- شنودغیر خدا را از دور آواز دادن به این نیت که آن می

۹- غیر خدا را صاحب نفع و ضرر دانستن

۱۰- از غیر خدا مقصود و مراد خواستن و روزی طلب کردن

...

۲۴- عکس پدر و برادر یا غیره را به قسط برکت در خانه یا جیب گذاشته و تعظیم نمودن

بیان اعمال خلاف شریعت و بدعت

۱- در سر قبرستان در یک روز معین جمع شدن

۲- چراغ در سر قبرستان روشن کردن

۳- زنان به گورستان رفتن

۴- پرده و لباس بالای قبر انداختن

۵- از سیمان و آجر قبر را بنا کردن

...

۱۷- رقص ساز و دیگر لهو و لهب در کار انداختن

۱۹- رفتن زنان بدون پروا پیش پسرعمو و پسرخالو و برادر شوهر و غیره

۲۰- شنیدن و شرکت کردن در مجلس ساز و دهل

۲۱- دیدن رقص زنانه رقاصه

۲۲- تار و تنبک دیدن و از آن خوشحال شدن

آیدبیان بعضی نقصانات دنیوی که به واسطه گناه به وجود می

۱- محروم ماندن از علم

۲- کم شدن روزی

۳- وحشت از یاد خدا

۴- وحشت از اشخاص نیکو

۵- پدید آمدن مشکلات در کارها

۶- سیاه شدن دل

۷- محرومی از طاعت

۸- کمی عمر

۹- توفیق توبه را از دست دادن

۱۰- بیرون شدن عیب گناه از دل

۱۱- ذلیل بودن در نزد خدا

۱۲- سستی به وجود آمدن در عقل

۱۳- مورد نفرین دیگران قرار گرفتن

۱۴- سزاوار لعنت رسول و فرشته گردیدن

۱۵- رفتن شرم و غیرت از وجود

۱۶- بیرون رفتن بزرگی خدا از دل

۱۷- هجوم بلاها

۱۸- در وقت مردن محرومیت از کلمه طیبه

۱۹- از رحمت خدا ناامیدی و به همین سبب بدون توبه از دنیا رفتن

احکام ذکات

اندپیامبر اکرم (ص) فرموده:

که هرکه دارای طلا و نقره باشد و زکات آن را ندهد آن طلا و نقره به آتش جهنم سرخ شود و هرگاه‌اش داغ کرده می‌ها پیشانی و پهلو و هر دو شانه‌شود و به وسیله آن‌گردانیده می سرد گردد مجدداً این عمل تکرار خواهد شد.

فرمایدو نیز جناب رسول اکرم (ص) می:

گرددبه هرکه خدا مال داد و زکات آن را ادا ننمود در قیامت مال آن به شکل ماری می گوید: من مال توام و خزینه توام‌گزد و می‌بسیار بد زهر و به گردن آن پیچیده هر دو لبش را می نمایدو آن را بدین صورت نکوهش می.

احکام قربانی

اندقربانی نمودن صواب بسیار دارد پیامبر اکرم (ص) فرموده:

قدر مقبول و پسندیده دربار الهی‌در روزهای قربانی بعد از عبادات فریضه هیچ عبادتی این گردد لذا با شوق زیاد ونیست و بیش از رسیدن قطرات خون به زمین مقبول دربار پروردگار می دل پر وسعت قربانی کنید.

اندو نیز رسول اکرم (ص) فرموده:

شود پس برای حصول این اندازه صواب کسی‌به اندازه موهای بدن مذبوحه صواب داده می که قربانی بر او واجب نیست اگر قربانی کند کاری است به جا و در وقت ذبح نیز پیشانی قربانی باید به طرف قبله گرداند.

بیان اوقات قربانی

مسئله ۱۰۰۹

الحجه از اول بامداد روز دهم یا شام روز دوازدهم قربانی جایز است شب باشد یادر ماه ذی روز ولی در روز بهتر است به خصوص روز دهم که اول وقت است.

مسئله ۱۰۱۰

در جاهایی که خواندن نماز عید واجب است قبل از انجام مراسم نماز قربانی کردن جایز نیست و در جاهایی که نماز واجب نیست بعد از طلوع صبح روز دهم قربانی کردن جایز است.

مسئله ۱۰۱۱

فرستد که بعد از طلوع کند و قربانی خود را به روستایی می‌اگر کسی در شهر زندگی می
وکالتا از طرف آن قربانی کنند جایز است

مسئله ۱۰۱۲

الحجه تا موقعی که غروب نکرده قربانی جایز است و بعد از غروب جایزدر روز دوازده ذی
نیست

مسئله ۱۰۱۳

الحجه مقیم گردید یا دراگر کسی در روز دهم و یازدهم مسافر بود و در روز دوازدهم ذی
.روز اول مسکین بود و در روز سوم غنی گردید بر این شخص قربانی واجب است

مسئله ۱۰۱۴

کسی که خودش ذبح کردن را یاد دارد بهتر است که قربانی خود را شخصاً ذبح نماید

مسئله ۱۰۱۵

قدرنیست کردن یا دعا خواندن در موقع قربانی نمودن به زبان لازم و واجب نیست بلکه این
کنم کافی است البته اگر دعای ذکردر دل آگاهی داشته باشد که محض رضای خدا قربانی می
شده را یاد داشت و خواند بهتر است

مسئله ۱۰۱۶

قربانی فقط از طرف خود آن واجب است نه از طرف اولاد یا کسی دیگر

ها جایز استبیان حیواناتی که قربانی کردن آن

مسئله ۱۰۱۷

اند از: ۱- بز ۲- میش ۳- شتر ۴- گاو وحیواناتی که قربانی کردن آنان جایز است عبارت
گاومیش

مسئله ۱۰۱۸

برای قربانی سن گوسفند از یک سال کمتر نباشد ولی اگر بره از شش ماه بیشتر عمر داشت و
ساله بود جایز است گاو گاومیش از دو سال کمتر نباشد و اشتر از پنج سال‌اش به اندازه یک‌جثه

مسئله ۱۰۲۲

اگر حیوان که برای قربانی تهیه نموده است مفقود شد و دیگری را خرید و بعداً اولی پیدا

شد اگر شخص ثروتمند است قربانی کردن یکی واجب است و اگر فقیر است قربانی کردن هر باشددو واجب می.

هایی که به واسطه آن قربانی کردن حیوان جایز نیستبیان عیب

مسئله ۱۰۲۳

چشم باشد یا بیشتر نور چشم آن و یا بیشتر گوش آن یا دنبههر حیوانی که کور یا کر یا یک آن از بین رفته قربانی کردن آن جایز نیست

مسئله ۱۰۲۴

هر حیوانی که لنگ باشد به طوری که به سه دست و پا راه برود و چهارمی را به زمین نگذارد قربانی کردن آن جایز نیست

مسئله ۱۰۲۵

حیوان لاغر که مغز استخوان آب شده باشد جایز نیست و اگر به این حد نرسیده جایز است ولی قربانی کردن فربه و چاق بهتر است.

مسئله ۱۰۲۶

های حیوان ریخته قربانی کردن آن جایز نیستاگر تمام دندان

مسئله ۱۰۲۷

های کوچکی دارداگر حیوان خلقتا گوش ندارد قربانی کردن آن جایز نیست و اگر گوش جایز است.

مسئله ۱۰۲۸

اگر مادرزادی شاخ ندارد یا داشته ولی شکست و از بیخ بیرون نیامده قربانی کردن آن جایز است و اگر از بیخ و بن شکسته جایز نیست.

مسئله ۱۰۲۹

حیوان خصی و میش که از لحاظ خلقت دم ندارند قربانی کردن آن جایز است و همچنین حیوانی که به مرض جرب (گری) مبتلا است اگر به واسطه این مرض لاغر شده است جایز نیست و اگر لاغر نشده است جایز است.

مسئله ۱۰۳۰

اگر به نیت قربانی حیوانی خرید بعداً عیب دار شد اگر ثروتمند است دیگری بخرد و قربانی کند و اگر فقیر است همین را قربانی کند.

مسئله ۱۰۳۶

شخصی که قربانی بر آن واجب نبود به نیت قربانی گوسفندی خرید بعد از خریداری قربانی کردن آن واجب است.

مسئله ۱۰۴۴

حیوان حامله را قربانی کردن جایز است و اگر بره یا بزغاله و غیره بعد از ذبح مادر زنده باقی ماند آن را نیز باید قربانی نمود.

بیان احکام حج

مسئله ۱۰۵۷

گرددبرای زن بودن محرم در مدت سفر شرط است و اگر محرم نداشته باشد حج فرض نمی

مسئله ۱۱۱۳

بعد از جمره به قربانگاه برود و به عنوان شکرانه گوسفندی یا گاوی یا شتری تحت شرایطی که در قربانی ذکر شد خریداری کرده ذبح کند.

احکام جنایات در حج

مسئله ۱۱۲۵

جنایت عملی است که انجام آن را شریعت مقدس اسلام حرام گردانیده است و در حج شود و به انجاماعمالی است که شخص حاجی نباید انجام دهد و اگر انجام داد جنایت نامیده می گرددبعضی گوسفند و بعضی دیگر گاو و بعضی شتر و بعضی دیگر صدقه لازم می.

مسئله ۱۱۲۶

گردد ۲۲ مورد است ۱- استعمال‌ها کشتن گوسفند لازم می‌جنایاتی که به ارتکاب آن خوشبوی در یک عضوی کامل ۲- رنگ کردن به رنگ حنا و اگر طوری حنا را به سر مالید که زیتون و غیره بر عضو کامل ۴-مثل نمد شد دو گوسفند لازم است ذبح گردد ۳- مالیدن روغن پوشیدن لباس دوخته شده به طریق عرف و عادت دوازده ساعت متصل ۵- پوشیدن رو یا سر ۱۲ چهارم سر یا ریش یا تمام گردن یا زیر یکی از دو بغل یا زیر نافساعت کامل ۶- تراشیدن یک

... ها یا پنج ناخن۷- تراشیدن محل حجامت و حجامت کردن ۸- کوتاه کردن تمام ناخن

مسئله ۱۱۲۸

اگر کسی بعد از ایستادن به عرفات و پیش از تراشیدن سر مجامعت نمود لازم است یک گاو و یک گوسفند یا یک شتر و یک گوسفند ذبح نماید این جریمه برای حاجی قران است و اگر حاجی تمتع و یا حج مفرد این خلاف را مرتکب گردید یک گاو یا یک شتر ذبح نمودن کافی است.

مسئله ۱۱۲۹

اگر حاجی تمتع یا مفرد پیش از ایستادن به عرفات با عیال خود مجامعت نمود حج فاسد است و باید بقیه افعال را مثل اینکه فاسد نشده به جا آورد و گوسفندی نیز ذبح کند و در سال آینده حج را قضایی به جا آورد.

مسئله ۱۱۳۰

اگر طواف فرض را در حالت جنابت به جا آورد کشتن گاو یا شتر لازم است. ۱۶- مباشرت فاحشه یعنی مرد آلت خود را به فرج زن بدون پرده مالیدن یا بوسیدن آن و یا مماس کردن به شهوت انزال گردد یا نه همین حکم را دارد یعنی ذبح نمودن گوسفندی لازم است. ۱۷- تأخیر الحجه یا ترک سه چرخ یا کمتر از طواف فرض. ۱۸-طواف فرض از روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی ترک تمام طواف وداع یا بیشتر آن و همچنین ترک سعی بین صفا و مروه که باید در سه چرخه اول پهلوانِ برود.

مسئله ۱۱۳۱

اگر کسی بدون عذر بین صفا و مرده یا در طواف خانه سوار بر تخت روان گردید ذبح گوسفند لازم است و اگر دو مرتبه پیاده طواف نمود بقیه راه سواره لازم نیست.

مسئله ۱۱۳۲

اگر حاجی در موقع طواف که باید خانه مبارکه به دست چپ قرار گیرد و بدین منوال طواف نماید بر عکس طواف نمود مجدداً لازم است طواف را انجام دهد. ۱۹- از موارد لزوم چهارم عورت در موقع طواف و اگر طواف را مجدداً انجام داد ذبح‌ذبح گوسفند برهنه شدن یک گوسفند لازم نیست. ۲۰- طواف را از غیر محل حجرالاسود شروع کردن و اعاده نکردن. ۲۱- در طواف از وسط حطیم عبور کردن و اعاده ننمودن طواف. ۲۲- جماع کردن در عمره پس از چهار چرخ به دور خانه معظمه برای غیر حاجی قران

مسئله ۱۱۳۳

گرداند و پس ازجماع کردن در عمره پس از چهار چرخ چنانچه بیان شد عمره را فاسد می فساد باید افعال عمره را انجام دهد و گوسفندی هم ذبح کند.

در بیان ممنوعات متفرقه و حج و تدارکات آن

مسئله ۱۱۳۴

به کشتن شکار بیابانی یا اشاره یا راهنمایی نمودن کسی را برای کشتن آن در هر سه صورت شود جزا یعنی دو نفر عادل با بینایی کامل قیمت شکار را در جایی که کشته شده یاجزا لازم می ترین محل وقوع قتل سنجش نمایند آنگاه حاجی محرم اختیار دارد که به قیمت آندر نزدیک گوسفندی خریداری نماید و ذبح نماید یا گندم بخرد و به هر مسکین یک من گندم یا در عوض یک من گندم یک روز روزه بگیرد و در کمتر از یک من که احیاناً باقیمانده آن را خیرات کند یا به عوض آن یک روز روزه بگیرد.

مسئله ۱۱۴۰

کننده موش زاغ پشه کک شپش کنه زنبور خارپشتبه کشتن مار کژدم گرگ و سگ حمله شود البته بدون‌کنندگان موذی چیزی لازم نمی‌پشت سوسمار کلپاسه پروانه و حمله‌لاک ضرورت به هیچ حیوان اذیت نرساند.

مسئله ۱۱۴۲

ها در موقع ضرورت محرم بین‌به تراشیدن سر یا پوشیدن لباس دوخته یا استعمال خوشبویی سه کار مختار است. ۱- ذبح گوسفند ۲- طعام دادن شش نفر مسکین ۳- روزه گرفتن به مدت سه روز

احکام نکاح یا زناشویی

جلد دوم

مسئله ۱۱۶۴

اگر شخصی به دیگری گفت: دختر خود مریم را به من نکاح بده و او گفت: دادم نکاح بسته شده خواه طرف بگوید: قبول کردم یا نکردم

شودها منعقد می‌الفاظی که نکاح به آن

مسئله ۱۱۷۲

اگر کسی گفت: فلان زن یا دختر را به تو فروختم و مرد گفت: قبول کردم ازدواج صحیح شوداست چون فروختن آزاد صحیح نیست لذا مجاز از نکاح گرفته می

حکم نکاح فضولی

الکلثوم برای مجید عقد کند واش به نام اماگر کسی به دیگری دستور داد که دختر صغیره آن شخص در حضور خود پدر و یک شاهد دیگر نکاح را جاری نمود جایز است چون در آید با آن شاهد دو شاهد تکمیل‌شود و وکیل شاهد به حساب می‌دهنده می‌حقیقت پدر نکاح شوندمی.

ها حرام است‌ها که نکاح با آن‌ای از زن‌عده

مسئله ۱۱۸۶

اند جایز نیست‌پرست‌هایی که آتش‌ازدواج زن

مسئله ۱۱۸۷

های کافره جایز نیست‌ازدواج با زن

مسئله ۱۱۸۸

اگر زنی پسر دیگری را پسرخوانده این پسرخواندگی در شریعت اعتبار ندارد همان پسر تواند آن زن را ازدواج نمایدمی.

مسئله ۱۱۳۹

تواند زن پنجم را نکاح کند البته اگر یکی از چهار زن‌مردی که چهار زن در خانه دارد نمی تواند زن دیگری را نکاح کنداش گذشت می‌را طلاق داد و عده.

مسئله ۱۱۹۹

تواند کنیزی را ازدواج نماید ولی اگر کنیزی به ازدواج داشت‌اگر کسی زن آزاد داشت نمی تواند با زن آزاد ازدواج کندمی.

حکم نکاح کافر

مسئله ۱۲۶۳

گردداگر از زن و مرد کافر یکی مسلمان شد و دیگری اسلام نیاورد نکاح بینشان باطل می.

دهنده‌شرایط طلاق

مسئله ۱۲۹۶

اگر کسی را مجبور کردند که عیال خود را طلاق دهد مثلاً به او گفتند: اگر طلاق را جاری نکند او را می .شودکشند و او به طور اجبار طلاق را جاری نمود طلاق واقع می

مسئله ۱۲۹۷

ای نوشید و در حالت مستی عیال خود را طلاق داد یا درکننده‌اگر کسی شراب یا مست شود پشیمانی بعد از به هوش آمدن وحالت خشم و غضب طلاق را جاری نمود طلاق واقع می .دور شدن خشم و غضب سودی ندارد

مسئله ۱۳۰۰

نویسد که‌ای خطاب به عیال خود می‌شود مثلاً از محل سکونت خود نامه‌طلاق به مکاتبه می شود و از همان موقع باید عده‌طلاقی یا تو را طلاق دادم از موقع نوشتن نامه طلاق واقع می حساب نماید و اگر در نامه نوشت وقتی که نامه من به تو رسید تو طلاقی از موقع وصول نامه .شودطلاق حساب می

مسئله ۱۳۰۲

.تواند او را طلاق دهداگر زنی حامله بود شوهرش پس از مجامعت بلافاصله می

احکام طلاق با شرط

مسئله ۱۳۲۴

اگر کسی برای عیال خود گفت: اگر داخل منزل فلان شخص شدی طلاقی هرگاه زن داخل .شودمنزل فلان شخص شد طلاق واقع می

مسئله ۱۳۲۶

اگر شخصی گفت: هر زنی را نکاح کنم طلاق است هر زنی را ازدواج کند طلاق واقع شود ولی هر زنی را برای مرتبه اول‌شود ولی اگر زنی را مرتبه دوم نکاح کند طلاق واقع نمی‌می .شودنکاح نماید طلاق واقع می

مسئله ۱۳۳۰

اگر شخصی در حالت بیماری برای عیال خود گفت: اگر از خانه خارج شوی طلاق بائنی زن

برد ولی اگر چنین گفت:شود و اگر مرد فوت کرد زن ارث نمی‌بیرون رفت طلاق بائن واقع می شود و اگر در این صورت مرد بمیرد و زن درزن غذا خورد یا نماز خواند طلاق بائن واقع می .برد چون خوردن غذا و خواندن نماز لازم استعده باشد از مال مرد ارث می

احکام طلاق رجعی و بائن

مسئله ۱۳۳۳

مرتبه یا دو مرتبه به زن نسبت‌طلاق رجعی آن است که مرد صراحتاً لفظ طلاق را یک گوید: تودهد مثل اینکه می‌دهد. ۲- طلاق بائن آن است که مرد لفظ حرام را به زن نسبت می‌می بر من حرامی یا مثل خواهر و مادرم هستی و نیت طلاق را دارد در این صورت زن طلاق بائن شود اگر مرد بخواهد به زناشویی ادامه دهد مجدداً باید زن را عقد کند و این عقد پیش‌واقع می .از گذشته شدن عده یا بعد از گذشته شدن عده صحیح است

احکام حداد

مسئله ۱۳۹۸

زنی که طلاق رجعی یا بائن داده شده در ایام گذرانیدن عده از منزل خارج نشود مگر به واسطه احتیاجات ضروری مثل بیمارستان

احکام حدود

حد لغتا به معنی منع است و در اصلاح شریعت عذابی است اندازه شده که حق خدای متعال باشد بنابراین اگر شخص کسی را بکشد و او را در مقابل قصاص نمایند این حد گفته‌می .باشند چون اندازه آن تعیین نشده‌باشد و نیز تنبیهات شرعیه حد نمی‌شود چون حق بنده می‌نمی

مسئله ۱۵۳۱

مسئله حدود بر شش قسم است ۱- حد زنا ۲- حد شرب خمر ۳- حد سکر ۴- حد قذف ۵- .شودالطریق که هر یک بیان می‌حد سرقت ۶- حد قطاع

احکام چگونگی حد و اقامه آن

مسئله ۱۵۳۸

وقتی حد واجب شد و زانی محض بود یعنی دارای شرایط زیر باشد

آزاد باشد نه غلام و کنیز ۲- عاقل باشد نه دیوانه ۳- بالغ باشد نه کودک ۴- مسلمان -۱

باشد نه کافر ۵- مرد زنی را نکاح صحیح نموده باشد و با آن مجامعت کرده باشد که در موقع های بیان شده که موجب احصان است باشند در این موقع‌بستر شدن مرد و زن بر صفت‌هم ای یا با دختر نابالغی یا باشوند لذا اگر مرد قبلاً با کنیزی ازدواج نموده یا با دیوانه‌سنگسار می صد تازیانه‌شود بلکه حدش از سنگسار به یک‌زنی کافره و حالیه زنا نموده است سنگسار نمی شود که دارای صفات گذشته باشد لهذا اگر زن قبلاً باکند زن هم سنگسار می‌تخفیف پیدا می شودای یا پسر نابالغ یا با مردی کافر زنا داده است سنگسار نمی‌غلامی ازدواج نموده یا با دیوانه باشدصد تازیانه می‌بلکه حد شرعی آن همان یک.

مسئله ۱۵۳۹

ریزه او را سنگسار نمایدباید حاکم شرع زناکننده را برای اجرای حد به بیابان ببرد و به سنگ چنین از حضرت‌تا بمیرد اول شهود به سنگساری آغاز نمایند و بعد حاکم شرع و بعد مردم این علی (رض) روایت شده است.

مسئله ۱۵۴۲

وقتی که زانی با زانیه بر اثر اجرای مراسم حد کشته شده باید غسل داده شود و کفن کرده شود و نماز بر او خوانده شود چنانچه پیامبر اکرم (ص) وقتی که ماعزاسلمی (رض) سنگسار شد دهید به او هم انجام دهیدفرمودند: مراسمی که نسبت به مردگان خود انجام می.

مسئله ۱۵۴۳

اگر مرد یا زن زناکار دارای صفات احصان نبودند چنانچه در گذشته بیان شد حد شرعی دار نباشدباشد که باید به دستور حاکم شرع اجرا گردد به شلاقی که گره‌صد تازیانه می‌آنان یک زدنی متوسط که نه باعث هلاک شود و نه درد نداشته باشد.

مسئله ۱۵۴۴

مردان در موقع اجرای حد باید برهنه گردند چون حضرت علی (رض) در موقع اجرای حد داد که مجرم برهنه گردد نه به طوری که کشف عورت شود و زنان برهنه نگردند ولی‌دستور می اگر پوستین و نمد پوشیده بود کشیده شود.

مسئله ۱۵۴۵

استثنای سر و رو و شرمگاه‌ها باید بر تمام اعضای مجرم زده شود به‌شلاق

مسئله ۱۵۴۶

در تمام حدود مجرم اگر مرد باشد باید ایستاده زده شود نه دراز کشیده و زن نشسته

مسئله ۱۵۴۷

باشدحد غلام و کنیز مناصفه حق اشخاص آزاد می.

مسئله ۱۵۴۸

ای کنده شود که پستان وی پوشیده شود تامستحب است در موقع سنگسار نمودن زن حفره در موقع سنگسار عورتش در انظار برهنه نگردد.

مسئله ۱۵۴۹

شده مستحق سنگسار شد شلاق زده نشود و اگر مستحق شلاق بوداگر زناکار با شرایط بیان تواند مجرم را تبعید یا زندانی کندعلاوه بر شلاق حاکم شرع اگر مصلحت بداند می.

مسئله ۱۵۵۰

اگر زناکار مریض بود و حد وی سنگساری است در حالت مرض سنگسار شود و اگر حد او شلاق بود شلاق زده نشود تا موقعی که بهبودی پیدا کند.

مسئله ۱۵۵۱

زن زناکار حامله تا وضع حمل و تمام شدن ایام نفاس سنگسار نشود و پس از ایام نفاس سنگسار گردد و اگر کسی نبود که بچه او را حفاظت نماید بعد از شیر باز کردن بچه مادر سنگسار شود.

مسئله ۱۵۵۳

دانستم که بر من حرام است سنگساراگر مردی با مطلقه ثلاثه خود وطی کرد و گفت: می ای که در مقابل پول او را طلاق داده استشود و همچنین در مطلقه‌می.

مسئله ۱۵۵۴

باشد پس ازای را فرستادند و برایش گفته شد که این عیال تو می‌اگر به بستر مردی زن بیگانه مجامعت معلوم شد که عیالش نبوده مرد سنگسار نشود.

مسئله ۱۵۵۸

اگر کسی عمل لواط نمود مثل زنا سنگساری ندارد ولی حاکم شرع در زندانی نمودن و اعدامش به وسیله خراب کردن دیوار بر بالایش یا انداختن او از جای بلند و بقیه سیاسات مخیر

است.

مسئله ۱۵۵۹

اگر کسی با چهارپایان وطی کرد تنبیه گردیده شود ولی آن چهار سوخته شود و قیمت آن از جنایتکار گرفته شود.

مسئله ۱۵۶۶

اگر غیر حاکم شخص عادی شخصی را مجبور بر انجام عمل زنا نمود حد در باره زانی اجرا گرددمی

مسئله ۱۵۸۱

اند یا شلاقاگر پس از ادای شهادت معلوم شد که چهار نفر یک نفر یا بیشتر غلام بوده خورده به واسطه نسبت دادن دیگران به زنا و حال اینکه حد شرعی به شهادت آنان جاری المال باید به ورثه معدوم‌گردیده است اگر حد شرعی سنگسار بوده است دیه آنان از بیت شود ولی در هر صورت باید شهود حدپرداخت گردد و اگر شلاق بوده است چیزی واجب نمی زده شوند یعنی هریک هشتاد ضربه شلاق زده شوند.

احکام نوشیدنی و حد آن

مسئله ۱۵۹۲

اگر شخصی را که شراب نوشید شهود او را گرفته در حالی که بوی شراب هم موجود بود یا مستی را گرفته تا موقعی که او را به محضر دادگاه حاضر نمودند بوی از بین رفت حد شرعی باید اجرا گردد.

مسئله ۱۵۹۵

باشد که مثل حد زناحد نوشیدن شراب و حد مستی به هرچیز غیر از شراب هشتاد تازیانه می گردداجرا می.

احکام حد قذف

مسئله ۱۶۰۰

گونه که برای‌دامن را به عمل زنا نسبت داد به این‌دامن یا زنی پاکاگر مردی مردی پاک مرد یا زن گفت: تو زناکار هستی و دشنام داده شد شکایت به حاکم شرع نمود و دشنام دهنده

نتوانست ثابت نماید به دستور حاکم شرع دشنام دهنده باید متحمل هشتاد تازیانه شود.

مسئله ۱۶۱۳

شونداگر کسی برای دیگری گفت: ای زناکار آن دیگر گفت: نه بلکه تو هر دو حد زده می

مسئله ۱۶۱۴

اگر کسی به عیال خود گفت: ای زناکار زن در جواب گفت: نه بلکه تو فقط زن حد زده یک‌شود و لعان هم اجرا نگردد و اگر زن در جواب گفت: زنا با تو کردم حد و لعان بر هیچ‌می گرددجاری نمی.

مسئله ۱۶۲۵

اگر کسی زنا کرد و شخصی را قذف نمود و شراب نوشید و دزدی کرد برای هر جنایت حد معینه باید اجرا شود.

احکام تعزیر

شود که حد معینه از طرف شریعت‌باشد و آن در موقعی اجرا می‌تعزیر لغتا به معنی تنبیه می بیان نشده و اکتفا به ذکر تعزیر شده است مثلاً در موردی بیان شده است که در مورد فلان جنایت مرتکب آن باید تعزیر شود.

مسئله ۱۶۲۶

حداکثر تعزیر ۳۹ شلاق دارد و اقل آن بستگی برای حاکم شرع دارد

مسئله ۱۶۲۷

شوداگر کسی غلامی یا کنیزی یا کافری را نسبت به زناکاری داد تعزیر می.

مسئله ۱۶۲۸

اگر برای مسلمانی گفت: ای کافر یا ای دزد یا ای فاسق یا ای خبیث تعزیر کرده شود.

مسئله ۱۶۲۹

اگر شخصی به دیگری گفت: ای خر یا ای خوک تعزیر کرده شود.

مسئله ۱۶۳۰

تواند علاوه بر تعزیر جنایتکار را زندانی نمایددر صورتی که حاکم شرع مصلحت بداند می

مسئله ۱۶۳۱

های حد زنا بعد حد شرب خمر و بعدهای تعزیر به شدت زده شود بعد از تعزیر شلاق‌شلاق حد قذف به ترتیب تخفیف داده شود

مسئله ۱۶۳۲

های حد یا تعزیر فوت کرد خونش هدر است و از کسی مطالبه‌اگر شخصی به واسطه شلاق شودنمی.

احکام سرقت

مسئله ۱۶۳۳

وقتی که شخصی عاقل بالغ ده درهم یا آن چیزی که قیمتش به ده درهم سکه زده شود از محل امن و محفوظی دزدی نماید واجب است که دست راست او از بند قطع شود چنانچه فرمایدخداوند در آیه کریمه قرآن مجید می:

های آنان قطع گرده شودمرد و زن دزد دست

مسئله ۱۶۳۴

شخص آزاد و برده در قطع دست برابرند و فرقی ندارند

مسئله ۱۶۳۷

رسید دست همگی قطع‌ای مالی را دزدی کردند که به هر یک ده درهم می‌اگر عده شودمی.

مسئله ۱۶۳۸

باشده درهم مساوی با هفت مثقال نقره می

مسئله ۱۶۵۵

اگر کسی مالی را دزدید و در آن دزدی دستش قطع شد و آن را به صاحبش برگرداند بعداً شود به شرطی که هیچ تغییری در آن نیامده باشدعین همان مال را مجدداً دزدید دستش قطع نمی ولی اگر از حال اولی تغییر کرده بود مثل اینکه اول نخ دزدیده و دستش قطع شده بعد از اینکه به ها را دزدید پای چپش قطع‌ها را پارچه بافت و دو مرتبه پارچه‌صاحبش برگرداند صاحبش نخ شودمی.

احکام چگونگی قطع و اثبات آن

مسئله ۱۶۶۶

پس از قطع دست سارق از مچ باید وسایل پزشکی برای قطع جریان خون به کار برده شود
.شده استچنانچه در سابق پس از محل قطع آن داغ می

مسئله ۱۶۶۷

اگر دزد پس از قطع دست راست دومرتبه دزدی کرد پای چپ قطع شود و اگر مرتبه سوم
.دزدی کرد زندانی گردد تا موقعی که توبه کند و علائم توبه از او مشهود گردد

احکام راهزنان

مسئله ۱۶۸۱

ای یا یک نفر راهزن بر مسلمین قطع راه نمودند ولی قبل از اینکه مالی از کسیاگر عده
بگیرند یا کسی را بکشند دستگیر شدند مجازات آنان زندان است تا توبه نمایند و در حالت آنان
رسید یا به اندازهتغییر کلی به وجود آید و اگر مال از مردم گرفتند که به هر یک ده درهم می
.قیمت ده رهم از کالا باید حاکم شرع دستور قطع دست راست و پای چپ آنان را صادر نماید

مسئله ۱۶۸۲

تواند زنده بردار کشد و شکم آنان را به نیزه سوراخالطریق را حاکم شرع میاشخاص قاطع
باشد و سه روز بیشتر بردار گذاشتهکند تا بمیرند و این شدت عمل برای عبرت دیگران می
.نشوند

تذکر لازم

:مجازات راهزنان در قرآن مجید بیان شده است

نمایند اینکنند و در زمین فسادکاری میهمانا پاداش آنانی که با خدا و رسول جنگ می
.است که کشته شوند یا بردار کشیده شوند یا دست و پای آنان قطع گردد یا زندانی شوند

مسئله ۱۶۸۴

.ای راهزن یکی قتل را انجام داد باید همگی کشته شونداگر از بین عده

مسئله ۱۶۸۶

.ها را مجروح نموده باید دست و پایش قطع شوداگر راهزن مال مردم را گرفته و آن

احکام جهاد

جهاد لغتا به معنای سعی و کوشش است و در اصطلاح شریعت به معنی جنگ با کفار و باشددشمنان دین می

مسئله ۱۶۹۱

باشد یعنی وقتی‌کند فرض کفایه می‌جهاد در موقعی که خطر جدی مسلمین را تهدید نمی کس قیام ننمایند همه‌شود و اگر هیچ‌اند از ذمه باقی ساقط می‌ای از مردم به جهاد رفته‌که عده شودکرد فرض عین می‌کارند ولی وقتی خطر مسلمین و کشور اسلامی را تهدید می‌مسلمین گناه گردد و اگر مسلمین به دستور رهبر کشور اسلامی عمل نمایند لازم‌و بر مسلمانان فرض می نیست برای جهاد خطر مسلمین را تهدید کند بلکه لشگر اسلام به هر کشور کفر برای صدور اسلام باید حمله نماید و این بستگی به سیاست و تشخیص پیشوا و رهبر مسلمین دارد.

مسئله ۱۶۹۶

لشگر اسلام به هر وسیله ممکن مثل آب انداختن محل سکونت و قطع اشجار و از بین بردن توانند متوسل شوندهای آنان که باعث تضعیف روحیه شود بر علیه کفار می‌زراعت.

مسئله ۱۶۹۸

اگر کفار اطفال یا اسیران مسلمان را سپر قرار دادند این عامل مانع تیراندازی به طرف آنان نشود ولی هدف کفار باشند.

مسئله ۱۷۰۰

زدگان کفارزنان و کودکان و پیرمردان از کارافتاده و جامانده و کوران و دیوانگان و فلج کشته نشوند مگر به نحوی در جنگ از لحاظ فکری یا غیره مداخله نمایند که در آن موقع باید کشته شوند.

مسئله ۱۷۰۴

تواننداگر کفار پس از صلح شروع به خیانت کردند رهبر مسلمین بدون ابلاغ به کفار می دستور جنگ بدهد

مسئله ۱۷۰۵

اگر صلح با کفار به شرطی که مبلغی از طرف کفار به مسلمین پرداخت شود انجام گرفت مانعی ندارد در صورتی که مسلمین به خاک کفار نفوذ نکرده باشند این مبلغ حکم جزیه را دارد

.و اگر کفار را در محاصره قرار داده این حکم غنائم جنگی را دارد

هااحکام غنائم جنگی و تقسیم آن

مسئله ۱۷۱۰

ها پاك نمود رهبروقتی لشگر اسلام کشور یا شهری را از کفار گرفته و از لوث وجود آن مسلمین مخیر است که آن شهر را بین مسلمین تقسیم کند یا اهل آن شهر آنجا مستقر باشند و بر افراد جزیه و بر اراضی خراج تعیین گردد.

مسئله ۱۷۱۱

ها راها را به قتل برساند یا آن‌رهبر کشور اسلامی درباره اسیران جنگی مخیر است که آن ها را با اسیران مسلمان که در اسارت کفار هستند مبادله نمایندغلام و کنیز نماید و یا آن.

مسئله ۱۷۱۲

ها اسلحه یا اسب و گاو و گوسفند بودوقتی که لشگر اسلام قسط مراجعت نمودند و با آن ها گاوها و گوسفندها و غیره رارسد تمام اسلحه‌که نقل آنان به کشور غیرممکن به نظر می ها را ترك نمایند که کفار مورد استفاده قرار دهندمعدوم کنند و بسوزانند نه آن.

مسئله ۱۷۱۹

ها و نفت و بنزین و هرگونه سلاحی که‌توانند از خوردنی‌لشگر اسلام در کشور کفر می توانستند از هرجا به دست آوردند استفاده نمایند.

مسئله ۱۷۲۰

در کشور کفر هرکس از کفار در حالت جنگی اسلام بیاورد خود او و مال و ثروتی که در های این شخص و اولادشوند اگر مسلمین پیروز شدند زن‌دست دارد در امان و حفاظت می .گرددهایی که در دست بانك است جز غنائم جنگی می‌بزرگش و پول

مسئله ۱۷۲۳

زن و کودك و دیوانه و ذمی و غلام از غنائم جنگی سهمی معین ندارند ولی رهبر مسلمین ها بدهدتواند به آن‌آنچه مصلحت بداند می.

مسئله ۱۷۲۶

توانند سربازان را به هر نوع تشویق و ترغیب به جنگ نمایند وفرماندهان لشگر اسلام می

فرمایدها بدهند چنانچه خداوند متعال در قرآن مجید می‌های کمک بیشتر به آن‌حتی وعده:

ای پیامبر مؤمنین را به جنگ با کفار برانگیز.

گیرنده از کشوری‌احکام امان

مسئله ۱۷۳۵

اگر کافری با گذرنامه داخل کشور اسلام شد اجازه اقامت یک سال کامل به او داده نشود و اگر یک سال توقف نماید باید جزیه برایش تعیین گردد.

مسئله ۱۷۳۹

های صغیراگر کافر حربی از دار کفر با گذرنامه داخل کشور اسلامی شد و دارای زن و بچه اش به امانت نزد ذمی بود و مقداری نزد حربی و مسلم و درو کبیر بود و مقداری از دارایی کشور اسلام مشرف به دین اسلام گردید بعداً کشورش مغلوب لشگر اسلام شد تمام ثروت و آیند و اگر در کشور کفر اسلام آورد و بعداً به دار اسلام‌اولادش جز غنائم جنگی به حساب می آمد سپس کشورش مغلوب لشگر اسلام شد در این صورت اولاد صغیرش آزاد و مسلمان و تبع هایی که امانت نزد مسلمان یا ذمی داشته است دولت اسلام به خودش‌باشند و مال‌پدر خود می شونددهد ولی اولاد کبیر و عیالش و ثروتی که در نزد کافر داشته جز غنائم جنگی می‌می.

احکام عشر و خراج

مسئله ۱۷۴۴

یک از مالکیت مقدار نصاب گردش سال عقل و بلوغ شرط نیست لذابرای وجوب عشر هیچ صدزمین عشر هرگاه از چیزی عایدی دهد در صورتی که حداقل آن یک صاع (سه کیلو و شش گرددگرم) عشر آن واجب می.

مسئله ۱۷۴۵

در خراج مبلغ معینه به اختیار دولت است ولی آنچه از مقررات خلفای راشدین درباره خراج روایت شده است اینکه حضرت عمر فاروق بر اهل سواد بر هر جریب زمین آبگیر یک صاع از درآمد محصولش و یک درهم و بر هر یک جریب زمین از زراعت خیار بادمجان خربزه و امثال ها پنج درهم و از هر جریب تاک و خرما ده درهم تعیین فرمودنداین.

مسئله ۱۷۴۶

های دیگر غیر از آنچه بیان شد زراعت گردیده دولت به اندازه‌هایی که زراعت‌از زمین

مصلحت کارشناسان خراج تعیین نماید.

احکام جزیه

ها در حمایت اسلام‌گیرد تا آن‌جزیه آن چیزی است که دولت اسلام از کفار سالیانه می مصون از تعرض باشند.

مسئله ۱۷۴۹

گرددجزیه بر دو قسم است ۱- اینکه با صلاح و مصلحت بین دولت اسلام و کفار تعیین می ای فاتح و پیروز شد دولت اسلام سالیانه مبلغی تعیین۲- اینکه وقتی لشگر اسلام بر منطقه نماید که هر شخصی مثلاً باید در سال چه مبلغی جزیه‌ها را ملزم به پرداخت می‌نماید و آن‌می دهد.

مسئله ۱۷۵۱

ها باید یا ایمان بیاورند و یا به قتل‌پرستان عرب یا مرتدین جزیه قبول نشود بلکه این‌از بت برسند.

مسئله ۱۷۵۴

پردازند اجازه داده نشود در کشور اسلام معبد بنا نمایند ولی اگربه یهود و نصارا که جزیه می کاری نمایندتوانند آن را تجدید یا مرمت‌معبدهای قدیمی وجود داشت که خراب شده می.

مسئله ۱۷۵۵

شوند باید دولت اسلام اهل ذمه را درپردازند اهل ذمه نامیده می‌کفاری که جزیه می ها قرار دهد مثلاً در زمان گذشته چنانچه حق نداشتند سوار اسب شوند حالیه نبایدمحدودیت های بسیار زیبا و قیمتی بپوشند و باید علامتی‌های آخرین سیستم باشند و نباید لباس‌دارای ماشین ها را سلام نکنندها به وسیله بسته شدن نخ پشمی باشد که شناخته شوند و مسلمین آن‌بر کمر آن های آنان علامتی باشد که فقرای مسلمین توقف نکنند تاو راه را بر آنان تنگ نمایند و بر منزل ها دعای خیر در موقع سؤال نمایندبرای آن.

احکام مرتد

مرتد به معنی برگشته از اسلام

مسئله ۱۷۵۷

ای برایش پیش آمده‌وقتی که مسلمانی از اسلام برگشت اسلام بر او عرضه گردد و اگر شبهه بود با دلیل و برهان رفع شود و مدت سه روز زندانی گردد اگر قبول اسلام نمود و توبه کرد فبها و الا بعد از سه روز کشته شود ولی اگر زن مسلمه از اسلام برگشت کشته نشود بلکه زندانی شود .تا بمیرد یا توبه کند

مسئله ۱۷۵۸

شود و نکاح اوموقعی که شخص مسلمان کلمه کفر را بر زبان جاری کرد ایمان وی نابود می شود اگر توبه کرد و مسلمان شد نکاح را تجدید و حج را دو مرتبه به جا آوردبا عیالش باطل می .و بقیه عبادات را لازم نیست قضایی به جا آورد اگر مرتد زن بود همین حکم را داشت

مسئله ۱۷۶۰

اگر برای کسی گفته شد: نماز بخوان جواب داد: کی حوصله نشستن و برخاستن دارد یا .ها کفر است‌گیرد که چیزی ندارد همه این گفته‌گفته شد: روزه بگیر جواب داد: کسی روزه می

مسئله ۱۷۶۱

شودترسی گفت: نه کافر می‌شخصی مرتکب گناهی بود به او گفته شد از خدا نمی

ترسی‌زد به او گفته شد: از خدا نمی‌یا به او گفته شد: مگر مسلمان نیستی یا حرف خلاف می شودجواب داد: نه کافر می

.اگر چه به شوخی باشد

مسئله ۱۷۶۲

ها از نحوست نماز است کافرخواند برایش اتفاقی ناگوار افتاد گفت: همه این‌کسی نماز می .شودمی

مسئله ۱۷۶۳

بودیم که این عمل رااگر کسی را عمل کفر پسند آمد و گفت: کاش ما هم کافر می .شودکردیم کافر می‌می

مسئله ۱۷۶۴

کنم یا گفت: جبرئیل اگر پایین‌اگر کسی گفت: خدا هم اگر به من بگوید: این کار را نمی .شودکنم کافر می‌بیاید گفته او را قبول نمی

مسئله ۱۷۶۵

.شودداند کافر می‌کنم که خدا هم نمی‌اگر کسی گفت: من کاری می

مسئله ۱۷۶۶

تحقیر خدا و رسول و بد دانستن مسائل و دستورات شریعت کفر است

مسئله ۱۷۶۷

روز و عرض اسلام و رفع شبهات به قتل رسانیداگر کسی شخص مرتد را پیش از سه شبانه .شودمکروه است ولی بر قاتل دیه یا قصاص واجب نمی

مسئله ۱۷۶۸

شخص مرتد اگر مرد یا کشته شد مال و ثروتی که در حالت اسلام به دست آورده به ورثه او شودمنتقل می

مسئله ۱۷۷۲

شود و باید او را به وسایل‌کودکی که عقل و تمیز دارد اگر مرتد شد ارتداد محسوب می مختلف از قبیل زندانی تهدید و تنبیه به اسلام دعوت نمود و اگر قبول نکرد کشته نشود ولی باید .تحت مراقبت قرار گیرد

احکام یاغی

شونده از دستورات و مقررات رهبر و دولت اسلامی‌یاغی به معنی خارج

مسئله ۱۷۷۳

ای از کشور اسلامی را اشغال کردند و از دستورات و قوانین‌ای از مسلمین منطقه‌اگر عده ها را به تسلیم فراخواند و اگر شبهه یاکشور اسلامی سرپیچی نمودند باید به وسایل ممکن آن هااعتراضی به حق داشتند در حل و فصلش کوشش به عمل آید اگر تسلیم شدند فبها و الا با آن ها جنگ را آغاز نمایند و اگر جنگ را شروع‌مقاتله شود ولی دولت آغاز به جنگ نکند تا آن های این‌تر سرکوب شوند و اگر این عده سازمان یافته بودند زخمی‌کردند با شدت هر چه تمام .عده و هواداران آنان تعقیب و مجازات گردند

فصل دوم تشیع

پیشگفتار

.الضار) فقه و اجتهاد اسلامی مورد بررسی قرار گرفته استجباردر این بخش از کتاب (الله

علمی اسلامی مستند بر قرآن، حدیث و سنت پیامبر که شاید به جرأت بتوان گفت امروز ترین قدرت اجرایی در جوامع اسلامی را دارد و فتاوای فقها ارکان اصلی زندگی مسلمانانبزرگ شده و نه‌دهد شاید برای عامه مسلمانان چنین علومی نه به درستی بیان‌را تحت تأثیر خود قرار می آنان زندگی خویشتن را متأثر از آن بدانند لیک باید دانست که این تفکر و نگرش با مدد از ای در جهان و میان مردم کسب کرده و در برخی از کشورها قدرتاسلام که قدرت فزاینده کند وبلامنازعه است عطش وصف ناشدنی خویش را از میان همین فتاوا و از دل فقها کسب می ترین مسائل خصوصی زندگی مسلمانان از همین‌از قوانین مجازات رایج در کشورها تا کوچک گرفته است، هرچند اصول این فتاوا از همان عوامل اصلی اسلام سیرابعلم اسلامی نشئت گیرد اما باید دانست که فقه یکی ازشود و یکپارچه و یکرنگ در بیشتر مواقع موضع می‌می امروزی اسلام در جهان است پس‌ترین عامل شکل‌های اسلامی و تقریباً بزرگ‌ترین اهرممحکم باید چنین اصل مهمی را مورد بررسی قرار داد و بیشتر به این باور نزدیک شد و آگاهانه از آن .شناخت کسب کرد

.امدر این بخش از کتاب به فتاوای فقها شیعی پرداخته

ها معتقد به شیعه‌های متعددی هستند لیک اکثریت آنبا اینکه شیعیان جهان دارای فرقه دوازده امامی و به قولی اثنی اشعری بوده و در این راستا در کتاب از همین مذهب و از دو فقیه نامی که هر کدام در

گری نقش به سزایی بازی کرده و اعتبار بسیاری نزد شیعیان سراسر جهان دارندتاریخ شیعی هایی پیش زیسته و به‌استفاده شده است برای توازن در این نگاه از میر باقر مجلسی که در سده الله خمینی که در همین اعصارگذاران مکتب شیعی نوین بوده است و روح‌قولی یکی از بنیان گذار انقلاب اسلامی ایران بوده و تأثیرات زیادی در خاورمیانه امروزی وزندگی کرد و بنیان .احوالات سراسر جهان گذاشته استفاده شده است

با توجه به اینکه در میان شیعیان این نگاه وجود دارد که مرجع تقلید و فقیه دارای فتوا باید در قید حیات باشد اما به واسطه اعتبار بیشتر این دو شخص از آنان در کتاب بهره جستم هرچند کتب بسیاری در این راستا مورد بررسی قرار گرفت و از فقهای بسیاری که در حال حاضر در قید شماری در دسترس بود لکن به واسطه پرهیز از طولانی شدن‌حیات هستند نیز متون قابل وثوق بی حال تشابه بسیار این نظریات و فتاوااین گفتار و درخور حوصله مخاطب بودن این نگاره و درعین ها اجتناب کردم‌از استفاده آن.

شماری کتب در اختیار دارد تا به این عطش پاسخ درخوری‌مخاطب تشنه به دانستن انبوه بی گری‌ای به سوی شناخت بیشتر و بهتر اسلام و مکتب شیعی‌دهد و باید بداند که این کتاب دریچه است.

ها نه تنها در این‌ها و نگاشته‌و در پایان نیز باید افزود که دلیل استفاده نکردن از خیل بخش تر شدن اثرکتاب بلکه در تمام کتب رعایت اصولی چون قابل تأمل تر بودن و در عین حال کوتاه بوده است.

اند رنگ و بوی ظلم ندهند بلکه از نگاه ما درهایی که گردآوری نشده‌حال نه اینکه بخش ی‌های بیکرانی نهفته است لذا به واسطه‌ترین سخنان خداوندی نیز ظلم‌ترین و ساده‌دل کوچک های خداوندی را بیشتر نمایانگرهایی که ظلم‌مختصر کردن از هر بخشی مثالی گنجانده شده مثال که عامه مردم مفهوم نگاره را درک کنند‌است به طوری.

به امید آن روز که همگان به واسطه خرد و عشق معتقد به هر باوری باشند و برای رسیدن به دنیایی در آزادی و اهداف خویش کوشش کنند و جهان آرمانی برای همه جانداران با این ها میسر است‌تلاش.

به امید آن روز زیبا و آزاد که در همین نزدیکی است.

تحریر الوسیله امام خمینی

مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی

در باب تقلید

باید دانست که هر مکلفی که به مرتبه اجتهاد نرسیده باشد واجب است در مسائل غیر ضروری دین تقلید و یا احتیاط کند چه در عبادات و چه معاملات و چه واجبات و چه محرمات و چه مستحبات و چه مباحات البته اگر خواست احتیاط کند باید عارف به موارد احتیاط باشد.

مسئله در احکام تخلی

مسئله ۱

در حال تخلی مانند سایر احوال بر مکلف واجب است عورت خود را از بیننده محترم چه مرد باشد و چه زن حتی از دیوانه و طفلی که دارای تشخیص باشد بپوشاند همچنان که بر او حرام است به صورت دیگری نگاه کند هرچند که آن دیگری مجنون و یا طفل ممیز باشد بله پوشاندن عورت از غیر ممیز واجب نیست همچنان که نظر کردن بر عورت طفل غیر ممیز حرام نیست و نیز زن و شوهر مالک و کنیز او می توانند به عورت یکدیگر نظر کنند و واجب نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند.

گفتار در معرفی و بیان نجاسات

وهفت: سگ و خوک بیابانی است که هم عین آن نجس است و هم آب دهانش شصت نجس است و اما سگ و خوک دریایی پاک اند.

دهم از نجاسات کافر است و کافر کسی است که متدین به دینی غیر از اسلام باشد و یا اگر اسلام اختیار کرده و منتصب به آن شده یکی از ضروریات اسلام را با اینکه می داند از ضروریات است منکر باشد به طوری که برگشت انکارش نسبت به آن ضروری به انکار رسالت و یا تکذیب رسول خدا و یا تنقیص شریعت مطهره آن جناب باشد و یا از گفتار و کرداری سر بزنند که اقتضا کفر او را داشته باشد و در کافر فرقی نیست مرتد و کافر اصلی چه حربی و چه ذمی و اما ناصبی ها که با امام امیرالمؤمنین (ع) دشمنی می گویند و خوارج که خداکنند و به ایشان ناسزا می اند چه اینکه چیزی از ضروریات اسلام را انکارهر دو طایفه را لعنت کند بدون تردید نجس داشته باشند و برگشت انکارشان به انکار رسالت باشد یا نه ...

گفتار در شرایط امام جماعت

در امام جماعت چند چیز شرط است

شرط اول ایمان یعنی دوازده امام بودن شرط دوم حلال زاده بودن شرط سوم عقل شرط چهارم اینکه به حد بلوغ رسیده باشد شرط پنجم اینکه اگر مؤمنین بالغ باشند بلکه در جایی هم که مؤمنین غیر بالغ باشند امامت غیر بالغ محل اشکال است بلکه جایز نیست شرط پنجم اینکه امام نیز مرد باشد بلکه در صورتی هم که منحصراً زن اگر مؤمنین مرد و یا متشکل از مرد و زن اند باشند امامت مرد برای آنان با احتیاط نزدیک است ...

زکات

مقدمه

وجوب زکات از ضروریات دین است و در نتیجه کسی که منکر آن باشد جز کفار است که تفصیل این مسئله در کتاب طهارت از امامان روایت شده و نیز آمده که هیچ صاحب مال و صاحب نخل و صاحب زراعت و انگوری نیست که زکات مال خود را دریغ کرده باشد مگر کند تاآنکه خدای بزرگ زمین زراعت و درختکاری او را تا هفت طبقه زمین طوق گردنش می .در روز قیامت این طوق را بر گردن داشته باشد

خمس

اش محمد بن عبدالله وخمس همان حقی است که خدای تعالی آن را برای پیامبر گرامی ذریه آن حضرت که خدا نسلشان را زیاد کند قرار داده و آنان را گرامی داشته به اینکه محتاج زکات نشوند و کسی که یک درهم از خمس را نپردازد به آنان ظلم کرده حقشان را غصب نموده است از مولایمان امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: خدای که جز او معبودی نیست از آنجا که خوردن صدقه را بر ما حرام کرده حکم خمس را برای ما نازل فرمود بنابراین صدقه بر ما حرام است و خمس تکلیفی است که خدای تعالی آن را به نفع ما بر مسلمانان واجب کرده .و چون جنبه احترام دارد خوردنش برای ما حلال است

خمس در هفت چیز واجب است

افتد بلکه چیزی هم که از طریق‌اول غنائم آنچه که از راه غلبه بر دشمن به دست مسلمین می افتد خمس دارد البته در صورتی که این دزدی ودزدی و غارت از مال آنان به دست مسلمین می غارت در جنگ و از شئون آن باشد و نیز به شرطی که مال به دست آمده مال اهل حرب باشد هایشان و اسیر گرفتن زنان و اطفالشان حلال است و این تنها در جایی است که‌که خونشان و مال .جنگ با آنان به اذن امام معصوم (ع) باشد

دوم معدن مرجع در اینکه فلان جنس معدن است یا معدن نیست عرف است و از جمله های قیمتی و نیز قیر نفت کبریت و سرمه‌معادن طلا نقره قلع و آهن و مس و جیوه و انواع سنگ سنگ و گچ و گل سرخ و گل سرشور و گل ارمنی نیز جز معادن هستند و اگرو نمک و ذغال در چیزی شک کند که آیا از معادن است یا نه خمس در آن از جهت معدنی بودن واجب نیست شود که آنچه در راه استخراج و تصفیه آن خرج کرده کم کنددر معدن وقتی خمس واجب می ... و بقیه به حد بیست دینار و یا دویست درهم برسد و

گفتار در تقسیم خمس و متحقین آن

مسئله ۱

شود سهمی برای خدا سهمی برای رسول خدا و سهمی ازخمس به شش قسمت تقسیم می باشد و سه سهم دیگر ازالامر می‌آن امام (ع) است که این سهم در این اعصار متعلق به صاحب ماندگانی که‌ماندگان و مساکین از سادات است بنابراین مساکین و ایتام و راه‌آن ایتام در راه شوند خمس برایشان حلال نیست و درمادرشان سید است و از طرف مادر منتهی به آن جناب می مقابل صدقه که برای سادات حرام است برای آنان حلال است.

گفتار پیرامون انفال

انفال عبارت است از مالی که امام (ع) به خاطر داشتن منصب امامت مستحق آن است طور که رسول خدا مستحق آن بود و آن اموال چند نوع استهمان

کلیه اشیائی که از ناحیه کفار بدون جنگ و خونریزی عاید مسلمین شود زمین باشد یا ۱- غیر زمین خود کفار از آن زمین کوچ کرده و رفته باشند یا به دست مسلمین داده باشند و ...

گفتار در واجبات منی

مسئله ۷

توان هم پیاده و هم سواره انجام داد ولی پیاده افضل است دوم از واجبات منی‌رمی را می گانه یعنی شتر و گاو و گوسفند باشد وقربانی کردن است و واجب است که یکی از انعام سه ها شتر است و بعد از آن گاو و یک قربانی‌قربانی کردن دیگر حیوانات جایز نیست و بهترین آن توانند چند نفر در یک قربانی‌به جای دو نفر یا چند نفر مجزا نیست پس در حال اختیار نمی شریک شوند در حال اضطرار هم کفایت کردنش مشکل است و احتیاط آن است که شرکت بکنند و روزه را هم بگیرند.

مسئله ۸

در قربانی چند چیز معتبر است اول سن است که در شتر باید داخل سال ششم عمرش شده باشد و در گاو بنا بر احتیاط باید داخل سال سوم شده باشد و بز نیز مانند گاو است و گوسفند بنابر احتیاط باید داخل سال دوم شده باشد

دوم سلامتی و صحت است بنابراین حیوان مریض حتی حیوان دارای گری بنابر احتیاط کافی نیست

سوم این است که بسیار سالخورده نباشد

چهارم اینکه اعضای بدن حیوان تمام باشد پس قربانی کردن حیوان ناقص مانند اخته که

های آن را درآورده باشند کافی نیست و بنابر احتیاط حیوانی هم که تخم آن را کوبیده‌تخم
طور شرط است‌کند و همین طور حیوانی که از اصل تخم نداشته باشد و همین‌باشند کفایت نمی
طور حیوانی که شاخ درونش شکسته باشد کافی‌که گوش بریده و یا دم بریده نباشد و همین
... نیست و اما حیوانی که شاخ بیرونش شکسته باشد عیبی ندارد

تر به‌پنجم اینکه لاغر نباشد و همچنین که بر پشتش پیه موجود باشد کافی است و نزدیک
.احتیاط آن است که حیوان عرف آن را لاغر بشمارد اکتفا ننماید

مسئله ۹

اگر غیر از حیوان اخته حیوان دیگری یافت نشود بعید نیست که همان اخته کافی باشد
تر به احتیاط آن است که هم آن اخته را در روز عید قربانی کنند و هم حیوانی‌هرچند که نزدیک
الحجه آن سال و اگر نشد در سال بعدسالم را در طول ذی

مسئله ۱۰

اگر بعد از ذبح معلوم شود که حیوان نقص و یا بیماری داشته واجب داشته حیوان دیگری را
کرده حیوان چاق است و بعد از ذبح معلوم شود لاغر بوده همان لاغرذبح کند بله اگر خیال می
اش نیست‌کند و دیگر چیزی به عهده‌کفایت می

مسئله ۱۱

احتیاط آنکه قربانی را بعد از رمی جمره عقبه ذبح کند و نیز احتیاط آن است که ذبح را
.تأخیر نیندازد

گفتار در احکام بیتوته در منی

یکی از عبادات است که نیت با همه شرایطش در آن واجب است

مسئله ۶

کسی که بیتوته واجب در منی را ترک کرده واجب است برای هرشب یک گوسفند کفاره
... دهد چه اینکه ترکش عمداً باشد و یا جهلا و یا نسیانا

گفتار در صد و حصر در اعمال حج یا عمره

مسئله ۹

کسی که برای عمره احرام بسته و محصور شد یعنی به خاطر بیماری نتوانسته به مکه برسد

اگر بخواهد از احرام درآید باید قربانی کند و احتیاط آن است که قربانی یا پول آن را توسط امینی به مکه بفرستد و با او قرار بگذارد که در روز معین و ساعتی معین قربانی او را ذبح کند و شود و احتیاط آن است که نائب اواز احرام درآید و همه محرمات به جز زن برایش حلال می اش نیت بیرون شدن او را از احرام بکندهنگام ذبح قربانی.

مسئله ۱۰

اگر برای حج محرم شود و به خاطر بیماری و به وقوف در عرفات و مشعر نرسد و بخواهد از احرام در آید واجب است قربانی کند ...

امر به معروف و نهی از منکر

ترین فرایض اسلام است که سایر فرایض بهامر معروف و نهی از منکر جز بالاترین و شریف شود و وجوب آن دو از ضروریات دین استوسیله آن دو اقامه می.

گفتار در مراتب امر به معروف و نهی از منکر

مسئله ۹

اگر مطلوب حاصل نشود مگر به اینکه به نحوی او را در تنگنا قرار دهد و به زحمت بیندازد ترظاهراً جایز و بلکه جایز است البته با رعایت نرم

مسئله ۱۰

اگر غرض حاصل نشود مگر وقتی که طرف را بزند و دردی بر او وارد آورد ظاهراً با رعایت تر جایز باشد البته در اینجا سزاوار آن است که از فقیه اذن بگیرد بلکه درتر و آسانمراتب ملایم حبس کردن و تنگ گرفتن بر فاعل نیز اجازه گرفتن و امثال آن سزاوار است.

مسئله ۱۱

اگر جلوگیری فاعل از گناه مستلزم زخمی کردن وی و یا کشتنش باشد جایز نیست مگر به شود و در این عصر که عصر غیبت امام (ع) است اگر شرایطاذن امام که بنابر قول وی جایز می حاصل باشد.

کتاب هبه بخشش

مسئله ۱۶

اگر در مواردی که هبه لازم نشده واهب به هبه خود برگردد و موهوب نظیر حیوان و درخت

میوه نمای منفصل داشته باشد نمایی که بین قبض بعد از عقد و زمانی که او رجوع کرد حادث شده مثلاً درختی میوه داده و حیوان بچه و کنیز فرزند آورده و پستاندار شیر داده همه متعلق به گردد به خلاف نما متصل مانند چاقی درخت و حیوان که از آن‌متهب است و به واهب برنمی توان گفت‌واهب است و احتمال دارد همین نما متصل مانع از برگشتن واهب باشد برای اینکه می این عین آن حیوانی نیست که واهب به متهب بخشیده بلکه این احتمال خالی از قوت نیست بلکه آوردن درخت و بچه آوردن حیوان نیز از همین قبیل باشد و با وجودظاهر این است که نما میوه آن واهب نتواند به هبه خود برگردد.

المثلی که غاصب آن خانه وبله شیر در پستان حیوان و اجاره خانه و حمام مخصوصاً اجرت شود ولی چنانچه برگشت‌حمام باید بپردازد از این قبیل نیست و مانع برگشتن واهب نمی المثل آن متعلق به متهب است‌اجرت.

کتاب وصیت

مسئله ۲۷

اگر بعضی از ورثه مازاد بر ثلث را اجاره دهند و بعضی دیگر رد کنند وصیت نسبت به اجاره دهندگان نافذ و نسبت به دیگران باطل است بنابراین اگر صاحب وصیت یک دختر و یک پسر شودداشته باشد و وصیت کند به اینکه نصف مال را به زید بدهد مال او هجده قسمت تقسیم می و وصیت پدر تا حد شش سهم که ثلث همه اموال او است نافذ و نسبت به زائد بر ثلث که سه سهم است احتیاج به اجازه پسر و دختر او دارد اگر پسر امضا کند و دختر رد کند از آن سه سهم شود ووصیت به دو سهمش صحیح است و در نتیجه هشت سهم در عمل به وصیت پدر خرج می نسبت به یک سهم دختر باطل است و اگر دختر امضا کند و پسر رد کند وصیت او نسبت به یک شود و نسبت به دو سهم پسر باطل است‌سهم نافذ است و در نتیجه هفت سهم خرج وصیت می.

مسئله ۶۳

شود مگر به شهادت دووصیت به ولایت چه ولایت بر مال و چه ولایت بر اطفال ثابت نمی شاهد عادل مرد چون شهادت زنان در این مسئله پذیرفته نیست نه زنان به تنهایی و نه منضم با شود و هم بامردم اما وصیت به مال مانند سایر دعاوی مالی هم با شهادت دو مرد عادل ثابت می شهادت یک شاهد و سوگند مدعی و هم با شهادت دو مرد عادل و دو زن عادل و این ادعا با کند یکی اینکه در وصیت مالی حق به وسیله شهادت زن‌سایر دعاوی مالی از دو جهت فرق می شود هر چند چهار نفر نباشند و سوگند ضمیمه آن نگردد به این معنا که یک‌به تنهایی ثابت می چهارم وشود و اگر دو زن شهادت دهد دوچهارم مال مورد دعوی ثابت می‌زن شهادت دهد یک

چهارم و اگر چهار زن شهادت دهد همه آن دوم اینکه در وصیتاگر سه زن شهادت دهد سه مالی دعوی با شهادت دو نفر ذمی یعنی مسیحی و یهودی و زرتشتی که در دین خود عادل باشند و در ذمه حکومت اسلامی قرار داشته باشند در صورت ضرورت و نبودن عدول مسلمین ثابت .شودشود ولی با شهادت غیر اهل ذمه از سایر کفار ثابت نمی‌می

گفتار در احکام کفارات

مسئله ۱

ای آزاد کردن برده کافر کافی نیست پس به طور کلی در برده اسلام شرطدر هیچ کفاره است و در کفایت آزاد کردن برده غلام و کنیز و بزرگ و طفل که به خاطر تبعیت محکوم به مسلمانی باشد یعنی با پدرش مسلمان باشد یا مادرش برابرند لکن ترک این احتیاط سزاوار نیست که در کفاره قتل برده بالغ را آزاد کنند در آزاد کردن برده این شرط نیز معتبر است که از هر گیری و زخمی شدن به دست‌عیبی که سبب آزادی قهری او باشد از قبیل کوری و جذام و زمین های دیگر مضر به احکام تکلیف نیست پس آزاد کردن‌مولی سالم بوده باشد و اما داشتن عیب ای ناشنوا و لال و غیره کافی است آزاد کردن برده فراری نیز کافی است هرچند که نداندبرده .کجا است اما باید بداند زنده است

گفتار در صید

توضیح

شود به‌گوشت به وسیله تذکیه یعنی ذبح به طریق شرع حلال می‌طور که حیوان حلال‌همان شود و یا به غیرشود و شکار یا به وسیله حیوان انجام می‌وسیله صید معتبر شرعی نیز حلال می شود یا حیوان است و یا جامدای که با آن حیوان شکار می‌حیوان و به عبارت دیگر آلت و وسیله .و تمام کلام در هر یک از این دو قسم است

مسئله ۳

در حلال بودن شکار سگ تربیت شده چند چیز معتبر است اول اینکه شکار با فرستادن صاحب سگ انجام شده باشد پس اگر سگ بدون تحریک صاحبش حیوانی را تعقیب و شکار کند مقتول آن حلال نیست هرچند که بعد از دریدنش صاحبش هم او را تحریک کند و حتی سوی‌تر بدود که چون حرکتش به‌اگر تحریک صاحبش در دویدن او اثر بگذارد یعنی سریع طور است‌شکار با اجازه و تحریک صاحبش نبوده بنابراین احتیاط مقتولش حلال نیست و همین طور است که درحال در جایی که صاحبش نبوده بنابراین احتیاط مقتولش حلال نیست و همین

جایی که صاحب سگ او را برای کاری دیگر غیر شکار روانه کرده باشد مثلاً فرستاده باشد تا ای را از او دور کند و حیوان در بین راه به آهویی برخورد کند و آن را از پای‌دشمنی یا درنده درآورد آنچه در ارسال معتبر است قسط جنس شکار است نه شخص شکار پس اگر صاحب سگ آن حیوان را روانه کند به سوی آهویی که دیده و حیوان برود و آهویی را شکار کند که صاحبش آن را ندیده بود آن آهویی مرده حرام نیست و در حلال بودنش همین مقدار کافی است که سگ با اجازه صاحبش به شکار آهو رفته است.

دوم اینکه فرستنده سگ مسلمان و یا به حکم مسلمان باشد نظیر کودک مسلمان که ملحق به مسلمان است به شرطی که به حد تمیز رسیده باشد پس اگر سگ را کافر یا ملحق به کافر نظیر ها که لعنت خدا بر آنان باد بفرستد شکارش حلال نیست‌ناصبی

سوم اینکه هنگام روانه کردن سگ نام خدا را بر زبان بیاورد پس اگر آن را عمداً ترک کند مقتول سگ حلال نیست

چهارم اینکه مردن شکار مستند به گزیدن سگ و مجروح کردن او باشد پس اگر حیوان صید شده به سبب دیگر مرده باشد نظیر صدمه زدن و یا خفه کردن و یا خسته کردن و یا زهر ها حلال نیست‌ترک کردن از ترس یا پرت کردنش از بلندی یا غیر این.

پنجم اینکه صاحب سگ حیوان شکار شده را زنده نیابد یا اگر زنده یافت مهلت ذبح کردن آن را نداشته باشد و حاصل کلام اینکه وقتی سگ خود را به طرف شکار روانه کرد اگر بعد از جانش کرد و به آن رسید و دید که حیوان مرده آن‌آنکه سگ آن حیوان را گرفت و گزید و بی حیوان حلال و مزکی است و همچنین اگر وقتی به آن رسید زنده بود لکن فرصت ذبح آن را شود مگر به ذبح که اگر با این وضع‌نیافت تا مرد و اگر فرصت ذبح آن را داشته باشد حلال نمی او را ذبح نکند و بمیرد میته است و کمترین نشانه زنده بودنش این است که ببیند چشم به هم جنباند اگر در چنین حالتی آن را دریافت‌دهد و یا دم و دستش را می‌زند یا پایش را تکان می‌می شود همچنین اگر ببیند که بعد ازو وقت کافی برای ذبح آن داشت و ذبحش نکرد میته می ایستد زمانی که از حیاتش‌که می‌کند تا آن‌دود و سگ آن را دنبال می‌گزیدن سگ همچنین می شود اما اگر این مقدار فرصت نیابدتواند آنم را ذبح کند جز با ذبح حلال نمی‌باقی است می بدون ذبح هم حلال است و ملحق به نداشتن فرصت است.

مسئله ۴

کند دویدن و شتاب کردن به سوی صیدکسی که سگ را جهت شکار روانه می‌آیا بر آن بیند که به شکار رسیده هرچند که‌که سگ را می‌هنگام روانه کردن سگ واجب است یا هنگامی

تواندکه شکار را گرفت و نگاه داشت و شکار نمی‌شکار هنوز تسلیم نشده باشد و یا هنگامی بگریزد و یا آنکه اصلاً شتاب کردن واجب نیست؟

ظاهر این است که واجب است و وجوبش از هنگامی است که شکار را متوقف کرده پس زمانی که صیاد احساس کرد سگ شکار را متوقف کرده واجب است به مقدار متعارف شتاب .کند تا اگر حیوان را زنده یافت آن را ذبح کند

مسئله ۵

ها تربیت شده باشد و دیگری نشده باشد هر دو شکار رادر حلال شدن شکار یکی از سگ .کشته باشند این شکار حلال نیست

مسئله ۶

شکاری که به وسیله غیر سگ یعنی آلت جمادی کشته شده باشد خوردنش حلال نیست ها با تیزیش حیوان‌ای تیز باشد که چون شمشیر و کارد و خنجر و امثال این‌مگر آنکه آلت اسلحه را بکشد و یا چون تیر و نیزه و پیکان به خاطر نوک تیزش بدن شکار را سوراخ کند حتی عصایی که بر نوک آن آهن تیزی به کار رفته باشد بدون فرق بین اینکه تیغه نوک تیزی بر سر آلت نصب شده باشد و یا آلت خودش نوک تیز ساخته شده باشد بلکه بعید نیست که اصلاً آهنی بودن آلت صید شرط نباشد بنابراین کافی است که آن آلت سلاحی برنده یا فرورونده باشد و از تر به احتیاط آن است که آهنی‌هر فلزی که باشد حتی اگر فلز روی یا طلا و نقره لکن نزدیک بودن آن را احتیاط بدانیم و بنابر احتیاط باید چیزی باشد که عامه به عنوان سلاح استعمال شود و شود وها نمی‌این شامل شکار کردن به وسیله آمپول و سیخ کباب و چیزی خاردار و امثال این ظاهراً در آلت شکار و آهنی تیز این شرط معتبر نیست که بدن شکار را پاره کن و زخم بر او وارد آور پس اگر شکار را هدف تیر قرار داد و با نیزه ضربه به او وارد آورد خوردن آن حلال .است

مسئله ۷

هر آلت جمادی که دارای آهنی تیز باشد و یا تیز و غیر آهنی باشد که با تیزش حیوان را زخمی سازد شکارش حلال است و هر آلتی که چنین نباشد مانند سنگ و گرز و چماق و گلوله .باشد مقتول آن حلال نیست

مسئله ۱۲

حیوانی که کشته شدن آن به وسیله سگ یا هر آلت شکاری دیگر با اجتماع همه شرایط

حلال است عبارت است از هر حیوان وحشی و گریزپا چه مرغ باشد یا حیوان صحرایی و چه حسب اصل خلقت وحشی باشد مانند کبک و آهو و گاو وحشی و یا آنکه بر حسب‌اینکه به اصل خلقت اهلی بوده و سپس وحشی یا چموش شده باشد پس گاو شتر وحشی شده نیز با شکار حلال است.

مسئله ۱۴

ای از بدن شکار بیفتد در صورتی که آلت شکار آلت محلل نباشد مثلاً تور یا طناب‌اگر قطعه باشد آن جزئی از بدن شکار افتاده و سر حیوان و محل کارد در آن جز نباشد حرام است و اما بقیه آن حیوان اگر هنوز حرکت دارد در صورتی که حیات مستمر حیوان از بین رفته باشد و این حرکتش حرکت مذبوح باشد آن نیز حرام است و اما اگر حیات مستقرش باقی است با تذکیه شود و اما در صورتی که آلت شکار آلتی محلل یعنی شمشیر و یا مثل‌یعنی سربریدن حلال می آن باشد و همه شرایط نیز موجود باشد اگر به سبب آن قطع حیات مستقر در هر دو جز از بین رفته باشد هر دو جز حلال است.

مسئله ۱۵

حیوان وحشی چه از جنس پرنده باشد و چه غیر آن به یکی از سه طریق ملک خویش شودمی

اینکه آن را تحت سیطره خود قرار دهد مثل اینکه پای حیوان یا شاخ و پر آن مرغ را -۱ بگیرد و با طناب ببندد به شرطی که مقصودش از این کار صید کردن و تملک آن باشد.

اینکه شکار را در تله و طناب و توری که به منظور صید به کار برده شود بیندازد -۲.

اینکه به وسیله آلت صید حیوان تسلیم شده باشد مثلاً تیری به آن زده باشد که جراحت -۳ آن مانع از دویدن شده و یا بال مرغ به علت شکسته شدن مانع از پریدن آن شده باشد.

مسئله ۲۴

تذکیه ماهی به یکی از این دو طریق است

اول اینکه آن را زنده از آب در آورند دوم اینکه اگر به خودی خود از آب بیرون افتاد قبل از مردنش آن را بگیرند چه با دست و چه با آلتی چون تور بنابراین اگر ماهی به علت جست و خیزش از آب بیفتد و بمیرد حرام می شود و اما اگر قبل از مردن کسی آن را بگیرد حلال است.

مسئله ۲۹

اگر ماهی روی آب افتاده باشد و به علتی حال گریختن نداشته باشد مثل اینکه با چیزی به او زده باشند و یا چیزی بلعیده باشد اگر در این حال کسی آن را بگیرد و از آب بیرون بیندازد و در خشکی بمیرد حلال است.

مسئله ۳۱

تذکیه در مورد ملخ به این است که آن را زنده بگیرد چه با دست و چه با آلت پس اگر ملخ قبل از گرفتنش مرده باشد حرام است و در شکار ملخ گفتن بسم الله و مسلمان بودن شکارچی معتبر نیست.

گفتار در احکام ذبح

مسئله ۱

کننده شرط است مسلمان یا به حکم مسلمان باشد یعنی اگر کودک یا دیوانه که قلم‌بر ذبح تکلیف از او برداشته شده نه اسلامش اعتبار دارد و نه کفرش پدر او مسلمان باشد بنابراین ذبیحه کافر حلال نیست خواه مشرک خواه غیر مشرک و حتی اهل کتاب

مسئله ۲

در ذابح مرد بودن شرط نیست پس ذبیحه طفل اگر به حد تمیز رسیده باشد و خنثی و زن حلال است و همچنین ذبیحه زن حائض و نفسا حلال است

مسئله ۳

در حال اختیار ذبح کردن به وسیله چیزی از غیر آهن جایز نیست که اگر با داشتن وسیله آهنی با آهن حیوانی را ذبح کنند حلال نمی شود

مسئله ۴

واجب در ذبح عبارت است از: قطع چهار عضو ۱- لوله حلقوم که همان مجرای دخول و خروج نفس در ریه است ۲- مری لوله ای مخصوص طعام و آب است ۳ و ۴- دو شاهرگ گردن است.

مسئله ۵

جای کارد در حلق حیوان زیر چانه آن است به طوری که هر چهار رگ حیوان قطع گردد بنابراین باید کارد را در پایین گره ای که در گردن حیوان است قرار داد.

مسئله ۶

در ذبح این شرط معتبر است که کارد زیر گلوی حیوان گذاشته شود و از آن طرف حیوان ذبح شود پس اگر حیوان را از پشت گردنش ذبح کنند و هر چه قدر هم سریع این کار را انجام .شودجان شدنش چهار لوله گردنش قطع شود حرام می‌دهند به طوری که قبل از بی

مسئله ۷

در ذبح این را در دو نوبت انجام داده باشد بلکه باید عمل در نظر عرف یک عمل شمرده .شود

مسئله ۸

اگر گردن حیوان را از پشت قطع کند و چهار عضو ذبح آن سالم بمانند در صورتی که حیوان حرکتی که کشف از زنده بودنش کند داشته باشد و بعد از قطع چهار عضو آن از جلو .شودحرکتی هرچند اندک بکند حلال می

مسئله ۹

کننده اشتباه کند و گردن حیوان را از بالای گره قطع کند و در نتیجه چهار عضواگر ذبح شود و اگر بماند به حدی که بشود آن اشتباه راذبح نشود اگر جایی برایش باقی نماند حرام می .شوددوباره جبران نمود حلال می

مسئله ۱۱

در تذکیه و حلال شدن ذبیحه علاوه بر شرایط گذشته چند چیز شرط است اینکه حیوان را رو به قبله کنند یعنی در حال ذبح گلو و سینه و شکم حیوان رو به قبله باشد پس اگر رعایت این کننده جهت قبله را نداند و یاشرط نشده باشد اگر عمداً بوده باشد حیوان حرام است و اگر ذبح کننده هنگام مشغول‌شود اینکه ذبح‌داند نتواند حیوان را رو به قبله کند این شرط ساقط می‌اگر می شدن به ذبح نام الله را ببرد یا در حین کارد کشیدن و یا قبل از آن و متصل به آن و اینکه بعد از تمام شدن عمل ذبح و قطع چهار رگ حرکتی از حیوان سر زند که دلالت کند بر اینکه زنده ذبح کرده است اگر این مقدار حرکت از او سر بزند دیگر بیرون آمدن خون به نحو معتدل معتبر قطره بریزدنیست پس اگر بعد از ذبح حرکت بکند لکن خون از او نریزد یا به کندی و یا قطره .کافی است و لازم نیست خونش مانند سایر حیوانات بپرد

مسئله ۱۲

در خوابانیدن الله را بر زبان جاری سازد.

مسئله ۱۶

اش به طور نحر صورت بگیرد همچنان که غیر از شتردر بین بهائم تنها شتر است که تذکیه اش به نحو ذبح باشد پس اگر شتر را ذبح کنند و یا غیر شتر را نحر کنند مردار و حرام‌باید تذکیه شودمی.

مسئله ۱۹

هر حیوانی که ذبح یا نحر آن ممکن نیست یا به خاطر چموشی و وحشی بودنش و یا به خاطر آنکه در جایی نظیر چاه یا مکانی تنگ واقع شده که انسانی دسترسی به محل ذبح یا شود جایز است آن را با شمشیر یا کار زخمی کنند ونحرش ندارد و اگر کشته نشود مردار می شودبکشند که در این صورت خوردن گوشتش حلال می.

مسئله ۲۱

اگر جنینی از شکم حیوان بیرون آید و یا بیرون آورند در صورتی که زنده باشد و یا بدون تذکیه مردار شده باشد آن جنین حلال نیست مگر آنکه زنده باشد در صورتی که مادر ذبح شده باشد و جنین بیرون آید یا بیرون آورده شده باشد که آن جنین جز به وسیله تذکیه و ذبح حلال شود پس اگر جنین ذبح نشود حلال نیست و اما اگر بعد از ذبح مادر جنین مرده بیرون آیدنمی خوردنش حلال است.

مسئله ۲۲

اگر جنین حیوان در هنگام ذبح یا نحر مادرش زنده بود و بعد از ذبح مادرش و قبل از آنکه شکمش را باز کنند و جنین را در آورند مرده باشد بنابراین آن جنین حلال است به شرطی که بین تذکیه مادر و بیرون آوردن جنین فاصله زیادی نیفتاده باشد.

مسئله ۲۳

اشکالی نیست در اینکه هر حیوان حلال گوشت ذاتی هرچند به خاطر عارضی حرام شده شود چه حیوان صحرایی و چه‌پذیرد و گوشتش حلال می‌باشد چون جلالی و موطئه تذکیه می ... دریایی وحشی و چه اهلی و چه پرنده و چه چرنده

مسئله ۲۴

گوشت که نفس سائله دارند غیر از آنچه قبلاًظاهر این است که همه انواع حیوان حرام

ها پاک خواهدپذیرند و در نتیجه بعد از تذکیه گوشت و پوست آن‌نامشان برده شد تذکیه را می بود.

مسئله ۲۵

تذکیه همه حیوانات حرام گوشت قابل تذکیه یکی به وسیله ذبح با شرایطی که در ذبح ها شکار با آلت جمادی است و در خصوص‌گوشت بیان شد راه دیگر تذکیه آن‌حیوان حلال ها به وسیله‌هایی که ممتنع و به عبارتی دیگر وحشی باشند و اما تذکیه پذیرفتن آن‌گوشت‌حلال سگ آزموده تردد و اشکال است.

گفتار در حلال و حرام حیوانی

مسئله ۲۱

مستحب است مرغ خانگی که قرار است ذبح شود را چند روزی ببندند و پس از آن ذبح خواری از آن ندیده باشندکنند هرچند که نجس.

مسئله ۲۲

شود آن است که انسان‌گوشت می‌گوشت شدن حلال‌یکی دیگر از عواملی که موجب حرام اش هرچند که منی انسان درآن حیوان را وطی کند چه از مجرای بولش و چه از مجرای فضله کننده چه صغیر باشد چه کبیر چه عالم باشد چه جاهل چه به اختیاربدن حیوان ریخته نشود وطی خود این عمل را مرتکب شده باشد و چه وادارش کرده باشند چه اینکه آن حیوان نر باشد و چه شودماده در همه این احوال آن حیوان حرام گوشت می.

مسئله ۲۳

حیوانی که وطی شده اگر خوردن گوشتش معمول است نظیر گاو شتر و گوسفند واجب اش را بسوزانندااست آن را ذبح نموده لاشه.

مسئله ۳۰

از حیوانی که ذبح شده غیر از آن چهارده چیز همه چیزش خوردنی است بنابراین قلب و هاکبد و سیراب و روده و غضروف و عضلات و هرچیز دیگرش حلال است بله خوردن کلیه ها مخصوصاً چهار رگ گردن کراهت داردگوش قلب و رگ.

کتاب نکاح

مسئله ۲

سزاوار آن است که در انتخاب زن تنها زیبایی و مال او را در نظر نگیرید که رسول خدا اند(ص) فرموده:

کند و از این کار منظوری به جز جمال او ندارد چیزی که‌کسی که زنی را تزویج می خشنودش کند از او نخواهد دید و کسی که زن را به خاطر مالش تزویج کند یعنی اگر مال کند پس بر شما بادکرد خدای تعالی او را به خودش واگذار می‌نداشت هرگز با او ازدواج نمی دار بلکه زنی را انتخاب کنید که دارای صفات شریفه و صالحه باشدزن دین.

مسئله ۳

ازدواج با زن زناکار و زنی که از زنا متولد شده و نیز ازدواج انسان با قابله خود یا با دختر آن قابله کراهت دارد.

مسئله ۹

مستحب است ولی دختر در شوهر دادن او وقتی به حد بلوغ رسید عجله کند و به وسیله شوهر ناموس او را حفظ کند.

مسئله ۱۲

ای کمتر از نه سال دارد وطی او برای وی جایز نیست چه اینکه زوجه دائمی‌کسی که زوجه ها از قبیل لمس به شهوت و آغوش گرفتن و تفخیذ اشکال‌گیری‌باشد و چه منقطع و اما سایر کام ندارد هرچند که شیرخوار باشد و اگر قبل از نه سال او را وطی کند اگر افضاء نکرده باشد به غیر از گناه چیزی بر او نیست ولی اگر کرده باشد یعنی اگر مجرای بول و مجرای حیض او را یکی شود لکن‌کرده باشد و یا مجرای حیض و قائط او را یکی کرده باشد تا ابد وطی بر او حرام می در صورت دوم بنابر احتیاط است و در هر حال بنابر بر اقوی به خاطر افضا از همسری او بیرون شود یعنی او از شوهرش و شوهرش ازشود و در نتیجه همه احکام زوجیت بر او مترتب می‌نمی تواند پنجمین زن دائم بگیرد و ازدواجش با خواهر آن زن بر او حرام‌برد و نمی‌او ارث می شود و همچنین سایر احکام و بر او واجب است تا آخر عمر مخارجش را بپردازدمی.

مسئله ۲۱

عضوی که از بدن نامحرمی جدا شده نظر کردن بر آن جایز نیست حتی احتیاط آن است که به مویی که از نامحرم بریده شده نظر نکند بله ظاهر این است که نظر کردن به دندان کشیده و ناخن چیده شده اجنبی اشکال ندارد.

فصل در عقد نکاح و احکام آن

مسئله ۲۲

گویی او وجود دارد جایز استکند و احتمال راستشوهری میازدواج با زنی که ادعای بی
.و تفحص لازم نیست

مسئله ۲۳

شوهری بوده و بعد از ازدواج مردی پیدا شود واگر مردی با زنی ازدواج کند که مدعی بی
ادعا کند که این همسر من است این ادعا هم علیه زن است و هم علیه شوهر جدید اگر آن مرد
شود و آناقامه بینه شرعی کند یعنی دو شاهد عادل بیاورد به نفع او و شوهر جدیدش حکم می
کنند و اما اگر اقامه بینه نکند سوگند هم متوجهدو از هم جدا گشته زن را تسلیم شوهر قبلی می
شود و هم متوجه شوهر جدید اگر هر دو با هم سوگند بخورند که او شوهر این زن نیستزن می
شود و اگر آن دو نکول از سوگند کنند در صورتی کهادعای آن مرد از درجه اعتبار ساقط می
حاکم سوگند را به مدعی رد کند و نیز در صورتی که خود آن زن و شوهر سوگند را به وی رد
شود و اگر یکی از آن دو سوگند یاد بکندکنند و او هم آداب سوگند کند مدعایش ثابت می
ولی دیگری نکول از آن کند در نتیجه حاکم و یا خود او سوگند را به مدعی رد کنند و مدعی
شود و اما نسبت به آنسوگند را ادا کند ادعای او تنها نسبت به کسی که نکول کرده ساقط می
شود و اما نسبت به آندیگری هرچند که دعوی مدعی نسبت به کسی که نکول کرده ساقط می
دیگری هرچند دعوی مدعی نسبت به او ثابت است چون سوگند رد شده او را نکول کرده لکن
این ثبوت هیچ اثری نسبت به آن دیگری که سوگند خورده ندارد بنابراین اگر آن کس که
سوگند خورده شوهر دوم است و زن ناکل بوده نکولش نسبت به حق شوهرش اثر ندارد بنابراین
شود وگردد و زوجه او میجز این مقدار که اگر او طلاقش بدهد و یا بمیرد زن به مدعی برمی
کس که سوگند خورده خود زن بوده و شوهر دوم نکول کرده دعوای مدعی نیست و بهاگر آن
وجه راهی به آن زن ندارد حتی اگر شوهر دوم بمیردشود و او به هیچاو از درجه اعتبار ساقط می
.یا طلاق دهد

اختیاران در عقدفصل در صاحب

مسئله ۱

پدرِ پدر و جد از طرف پدر یعنی پدرِ پدر و همچنین هر چه بالا برود بر طفل صغیر و دختر
صغیره و مجنون ولایت دارند مجنونی که جنونش متصل به بلوغش باشد و همچنین آنکه
.الظاهر بر او نیز ولایت دارندجنونش جدا از بلوغش باشد که علی

مسئله ۲

پدر و جد پدری ولایتی بر بالغ رشید و نیز بر دختر بالغه رشیده در صورتی که ثیبه یعنی بیوه باشد ندارد و اما اگر دختر بالغه و رشیده بکر در اینکه آیا پدر و جد بر او ولایت دارند یا نه اند چنین دختری مستقل است و پدر و جد پدری بر او ولایت ندارند نه‌اقوالی است بعضی گفته اند پدر ولایتی مستقل وها منفردا نه به ضمیمه رضایت خود دختر بعضی دیگر گفته‌تک تک آن جد پدری نیز ولایتی مستقل بر او دارند و دختر خودش سلطنت ولایت مستقل بر خود ندارد.

مسئله ۳

ولایت داشتن جد منوط به زنده بودن و نبودن پدر نیست پس در جایی که پدر صغیر و مجنون زنده است ولایت مستقل دارد جد او نیز ولایت مستقل بر او دارد و اگر در یکی از آن دو شود حال اگر پدر دختر را برای کسی عقد بست واز دنیا رفتند ولایت مختص آن دیگری می اندیک زودتر عقد بسته‌جد دختر هم او را برای شخص دیگر عقد بست اگر معلوم باشد کدام عقد او صحیح است و آن دیگری لغو.

مسئله ۵

اگر عقدی از طرف پدر و یا جد پدری برای پسر صغیر یا دختر صغیره صادر شد و در آن عقد وجود آنچه مراعاتش واجب بود آن پسر و آن دختر بعد از رسیدن به حد بلوغ خیار ندارند توانند عقد پدر و یا عقد جد خود را فسخ کنند بلکه عقدی است لازم‌یعنی نمی

گفتار در مسائل شیر دادن

انتشار حرمت و محرمیت به وسیله رضاع موقوف بر چند شرط است شرط اول اینکه شیر زن ای جایز و حلال حاصل شده باشد بدین معنا که وطی یا به خاطر نکاح بوده باشد یا به‌در اثر وطی خاطر اینکه مالک کنیز موطوثه بوده با اینکه صاحب کنیز او را برای وی تحلیل کرده باشد و یا نطفه او بدون وطی از طریقی در رحم زن قرار گرفته باشد پس اگر پستان زنی بدون نکاح و امثال ای یاکند و همچنین در جایی که نکاح بوده لکن وطی‌آن شیر بدهد آن شیر نشر حرمت نمی ای نبوده و همچنین اگر شیر زنا باشد بلکه ظاهر این است که باید شیر زن بعد ازسبق نطفه کندزاییدنش بجوشد پس اگر بدون آن بجوشد هرچند حامله باشد بنابر اقوی نشر حرمت نمی.

تنبیه

اگر دو برادر مثلاً در یک خانه زندگی کنند و همسر هریک از آن دو نسبت به برادر دیگری خواهند این زن با آن و زن آن به این محرم شود تا نگاه کردن هر دو مرد به هراجنبی است و می دو زن جایز باشد یک حیله شرعی دارد و آن این است که این دو برادر دو دختر شیرخواره را به

عقد خود درآورند و هر زن برادری زن شیرخواره برادر دیگر را شیر کامل دهد قهرا مادرزن گردد و برای او جایز است به این زن نگاه کند و ازشود و محرم او می‌شوهر آن شیرخواره می .شودسوی دیگر عقد شیرخواره هم باطل می

مسئله ۸

در دایه گرفتن برای کودک مستحب است زنی را انتخاب کنند که مسلمان و عاقله و عفیف و نظیف از نظر خلقیات دارای اخلاق و اوصافی خوب باشد برای این که شیر دایه در طفل :شیرخوار اثری تام و کامل دارد از امیر مؤمنان (ع) روایت است که فرمود

کندها غلبه می‌از شیر زن احمق برای خود استفاده نکنید زیرا شیر بر طبیعت

:و از همان جناب نقل است که فرمود

دهد زیرا کودک با طبیعت شیری که‌نظر کنید ببینید چه کسی کودک شما را شیر می شودخورده بزرگ می

گونه زنان بدهد زن یهودیه یا نصرانیه را برای ناچار شد کودک خود را به این‌و اگر خانواده زن مشرکه یا مجوسه مقدم بدارند و با این حال طفل را به آنان واگذار نکنند یعنی نگذارند آن دایه طفل مسلمان را به خانه خود ببرد و از آن زن بخواهند در مدتی که اجیر خانواده کودک است شراب و گوشت خوک نخورد و نظیر زن کافره بلکه بدتر از آن و مکروه تر دایه قرار دادن ای است که شیر پستانش از زنا حاصل شده باشد و همچنین زنی که خودش زانیه نیست‌زن زانیه .ولی از زنا متولد شده

دانم ازاز اما باقر روایت شده که فرمود: شیر زن یهودیه و زن نصرانیه و مجوسیه را بهتر می شیر ولد زنا

دهد آیا صلاحیت‌و از اما کاظم (ع) که در پاسخ کسی که پرسید که زنی است که زنا می دارد بر این که دایه کسی شود فرمود: صلاحیت ندارد نه شیر او و نه شیر دختری که از زنا زاییده .باشد

گفتار در نکاح در عده و تکمیل عدد

مسئله ۱۱

ها بمیرد برایش جایز است بلافاصله یک زناگر چهار زن دائمی داشته باشد و یکی از آن ها از وی جدا شود یا به فسخ عقد یا به افساخ آن ودائمی بگیرد و همچنین است اگر یکی از آن

یا به طلاق بائن و اگر زن جدا شده عده نداشته باشد مثل اینکه غیر مدخول بها و یا یائسه باشد به طریق اولی گرفته زن دیگر حلال است و اما اگر آن یکی را به طلاق رجعی طلاق داده باشد جایز نیست زن دیگری بگیرد مگر بعد از اتمام عده طلاق

گفتار در کفر

برای زن مسلمان جایز نیست که به نکاح مرد کافر در آید نه با عقد دائم و نه انقطاعی چه اینکه کافر حربی باشد یا کتابی یا مرتد فطری یا مرتد ملی و همچنین جایز نیست برای مرد مسلمان اینکه با زنی کافر غیر کتابی و با مرتد فطری یا ملی ازدواج کند اما به زن کتابی یعنی توانند ازدواج کنند یا نه اقوالی است مشهورتر آن است که نکاح‌یهودی و نصرانی در اینکه می دائم جایز نیست.

مسئله ۴

پرست بوده و چه اهل‌پرست یا اهل کتاب مسلمان شود حال چه بت‌اگر زوجه مردی بت شود و اگر بعدکتاب در صورتی که قبل از دخول بوده نکاحش بلافاصله خود به خود فسخ می اندازند تا عده زن سرآید اگر شوهرش قبل ازاز دخول بوده به طور موقت بین آن دو جدایی می شود که وی ازسرآمدن عده زن مسلمان شود همسرش همسر اوست و اگر نشود کشف می ای که زنش مسلمان شد از او جدا و نامحرم شده استلحظه.

مسئله ۵

اگر یکی از زن و شوهر مسلمان مرتد شوند یا هر دو مرتد شوند اگر ارتدادشان قبل از دخول شود چه ارتدادشان از فطرت باشد و چه از ملت در صورتی هم‌باشد عقدشان بلافاصله منفسخ می که ارتداد بعد از دخول و از ناحیه شوهر باشد و ارتداد شوهر هم از فطرت باشد همین حکم را دارد اما اگر از ملت باشد یا ارتداد از ناحیه زن باشد چه از فطرت و چه از ملت انفساخ عقد موقوف به تمام شدن ایام عده است اگر قبل از تمام شدن مدت عده مرد و یا زن از ارتدادش شود که از همان حین ارتداد ازبرگشت آن زن همچنان همسر اوست و اگر برنگشت کشف می اندیکدیگر جدا بوده و همسر یکدیگر نبوده.

گفتار در نکاح منقطع

نامندداد می‌نکاح منقطع را نکاح متعه و نیز نکاح مدت

مسئله ۶

شود که اگراش از شوهرش می‌زنی که متعه شده بعد از انجام عقد مالك و طلبکار مهریه

مطالبه باید بعد از عقد به او بپردازد هرچند که بدهکاری شوهر نسبت به تمام مهر موقوف بر دخول همسر و وفای او به تمکین در تمام مدت است بنابراین اگر قبل از دخول مدت را به زن شود و باید نصف مهر مقرر را به او بدهد و اگر بعد از دخول بقیه مدت راببخشد نامحرم می ها بلکه‌ببخشد باید همه مهریه او را بدهد هرچند که یک ساعت از مدت گذشته باشد و ماه ها باقی مانده باشد پس مهریه زن منقطعه چنان نیست که قابل تقسیط به مدت گذشته و مدت‌سال باقیمانده شود بله اگر مدت را نبخشیده بود لکن زن به مضمون عقد وفا نکرد و در تمام مدت تواند بین ایامی که تمکین کرده با ایامی که‌عقد خود را در اختیار شوهر قرار ندهد شوهر می تمکین نکرده نسبت را بسنجد و از مهریه به آن نسبت به وی بپردازد.

مسئله ۸

اگر بعد از عقد کشف شود که عقد باطل بوده برای اینکه مثلاً زن شوهر داشته و یا خواهر زن وی و یا مادرزن وی بوده در صورتی که دخولی صورت نگرفته باشد زن چیزی را از مهریه مالک نیست و اگر هم قبلاً گرفته بود باید برگرداند حتی اگر در دست او تلف شده باید عوض آن را به شوهر برگرداند و همچنین در صورتی که دخول کرده باشد در حالی که زن علم داشته باشد که عقدش فاسد است و اما اگر زن اطلاع فساد عقدش را نداشته بعداً معلوم شود که عقدش فاسد بوده به خاطر دخولی که صورت گرفته مستحق مهرالمثل است نه مهر معین شده.

مسئله ۹

در نکاح منقطع ذکر مدت شرط است پس اگر عمداً و یا نسیانا مدت در عقد ذکر نشود عقد شود و ناگزیر باید زمانش معین‌شود و به عنوان عقد دائم منعقد می‌به عنوان انقطاعی باطل می باشد به طوری که از زیاده و نقصان محفوظ باشد پس اگر تمتع از زن و جماع با او را به یک یا شودحسب زمان عقد به عنوان متعه باطل است و به عنوان دائم منعقد می‌دو بار تقدیر کنند نه به.

مسئله ۱۳

برای شوهر زن منقطعه جایز است بدون اذن او نطفه خود را بیرون بریزد هرچند که در همسر دائم قائل به عدم جواز باشیم لکن در عین اینکه عزل کرده و بیرون ریخته اگر آن زن حامله شود فرزندش ملحق به آن مرد است زیرا احتمال جستن منی به در رحم بدون اینکه مرد متوجه شود شود والظاهر نفی می‌هست و اگر مرد آن فرزند را از خود نفی کند و بگوید از من نیست علی احتیاج به لعان نیست مگر اینکه اولاً معلوم شود او کسی است که از گناه پروا ندارد و در این انکارش راه گناه را پیش گرفته و ثانیاً احتمال این برود که فرزند او باشد و در هر حال آن مرد دهد فرزند از او باشد جایز نیست او را نفی کند مگر در صورتی که‌الله اگر احتمال می‌بینه و بین

یقین داشته باشد.

مسئله ۱۴

شود و تنها راه جدایی او از شوهرش تمام شدن مدت و یابر زن منقطعه طلاق واقع نمی تواند رجوع کندمانده را است و اگر بخشید دیگر نمی‌بخشیدن شوهر مدت باقی.

مسئله ۱۵

شود و نه توریث (یعنی نه هیچکس از دو طرف از دیگری‌با عقد انقطاعی نه توارث ثابت می دهد) و اگر در ضمن عقد شرط کنند که هر دو از یکدیگر ارث ببرند یابرد نه ارث می‌ارث می یکی از دیگری ارث ببرد در توریث اشکال است بنابراین باید که این احتیاط ترک نشود که یا چنین شرطی نکنند و یا اگر کردند بقیه ورثه با صاحب شرط و صاحب شرط با بقیه ورثه مصالحه کنند.

مسئله ۱۷

شود و مؤمنه و عفیفه باشد و قبل‌مستحب است اینکه کسی که برای زوجه منقطعه انتخاب می از عقد از حال او سؤال شود که آیا شوهر دارد یا ندارد و آیا در عده طلاق یا وفات قرار دارد و یا ندارد اما بعد از عقد سؤال کردن مکروه است و تفحص از حال زن شرط در صحت عقد نیست.

فصل در قسمت و نشوز و شقاق

ها قیام‌برای هریک از زن و شوهر حقی است به گردن دیگری که واجب است با ادا آن تر است از جمله حقوق شوهر بر گردن زن این است که او رانماید هرچند که حق شوهر عظیم اش بیرون نرود هرچند به دیدن‌اطاعت کند و از فرمان او سر نتاباند و بدون اذن او از خانه خویشاوندانش و حتی عیادت پدرش و یا مجلس ختم او باشد در حدیث آمده:

تواند مال‌که او در مقابل شوهرش هیچ اختیاری در مال خود ندارد و بدون اذن شوهر نمی خود را صدقه دهد و یا به کسی ببخشد و یا نذری کند.

مسئله ۲

خواب شدن با او در جایی که واجب است مخصوص به همسروجوب بودن نزد زن و هم خوابی را ندارد چه یک نفر باشد و چه بیشترخوابی و هم‌دائم است پس همسر انقطاعی حق شب

مسئله ۵

زنی که صغیره یا مجنونه است حق ندارد چه دیوانه اطباقی که یکسره دیوانه است و چه دیوانه ادواری در دور جنونش و اما در دور سلامتیش حق دارد و همچنین زن ناشزه از این حق خوابی در سفر ساقط است و بر شوهر واجب نیست آن رامحروم است و حق قسمت و حق هم قضا کند.

مسئله ۷

روئی و جماع‌رعایت مساوات بین همسران در مسئله نفقه دادن و التفات با آنان و گشاده مستحب است و نیز مستحب است صبح آن شبی که پیش یکی از آنان به سر برده نیز نزد او باشد و نیز مستحب است به او اجازه دهد در هنگام موت پدر و مادرش نزد آنان حاضر شود هرچند که حق جلوگیری از این کار و عیادت آن دو را دارد تا چه رسد به عیادت غیر پدر و مادر و نیز حق دارد به طور مطلق از بیرون رفتنش به جز به خاطر حقی واجب جلوگیری نماید.

گفتار نشوز

مسئله ۱

هایی از نشوز و طغیان بروز کند مثلاً رفتار و عادتش در کردار تغییر کنداگر از زن نشانه داد اما این بار خشن جواب‌گفت و سؤال او را پاسخ می‌همیشه با مهر و لطف با شوهر سخن می روی کند و سؤال‌روی و بشاش بود این بار خود را عبوس و گرفته‌دهد و یا همیشه خنده‌می شوهر را پاسخ ندهد مگر بعد از چند بار تکرار کردن و آن هم جواب را با خشم ادا کند و از این ها وقتی از زن مشاهده شود باید شوهر او را موعظه کند اگر به خیرخواهی و موعظه اوقبیل نشانه گیری از طاعت شوهر بیرون‌گوش ندهد آن وقت نشوز محقق شده چون در امور مربوط به کام شود اینکه با او قهر کند اگر در یک‌شده است در این وقت است که برای شوهرش جایز می خوابند پشت به او بخوابد و اگر مؤثر واقع نشد رختخوابش را جدا کند و اگر بارختخواب می شود او را بزند و در زدناین حال از طغیان و نشوزش برنگشت و همچنان اصرار ورزید جایز می او باید به مقداری که احتمال تأثیر بدهد اکتفا کند و زائد بر آن با آن مقداری که قرض حاصل کند تاشود جایز نیست و اگر به آن مقدار قرض حاصل نشدند که اندک کتک را شدیدتر می‌می آلود نسازد و تا جایی که بدنش کبود نشود یا سرخ نشود باید این رفتارجایی که بدن او را خون فقط به نیت اصلاح باشد نه مقصد داغ دل گرفتن و انتقام از او و اگر در اثر کتک جنایتی بر بدن زن وارد شده شوهر بایستی دیه آن را بپردازد.

گفتار در احکام ولادت و ملحقات آن

مسئله ۹

شوند آداب آن چندیکی از مستحبات اکیده عقیقه است برای پسر و دختری که متولد می
است اول اینکه برای پسر حیوان نر و برای دختر حیوان ماده را عقیقه کنند

دوم اینکه عقیقه را روز هفتم ولادت انجام دهند و اگر از روز هفتم تأخیر بیفتد چه بدون
شود حتی اگر کسی برای او عقیقه نکرده باشد تا به سن‌عذر و چه با عذر استحباب آن ساقط نمی
کندبلوغ برسد خودش برای خود عقیقه می

گانه اینکه زکاتشان واجب است یعنی گاو و گوسفند وسوم اینکه عقیقه یکی از حیوانات سه
شودشتر باشد و گوسفند شامل بز نیز می

اند مستحب است که همه شرایط قربانی را دارا باشد یعنی حیوان ازچهارم اینکه بعضی گفته
تر از پنج سال کامل و در گاو کمتر از دو سال و در بزهر عیبی سالم باشد و سن آن در شتر کم
ماه نباشدکمتر از یک سال و در گوسفند کمتر از هفت

پنجم اینکه یک ران و پای عقیقه را به مقابله اختصاص دهند و از این بهتر آن است که
چهارمی راچهارم لاشه حیوان را به او بدهند و اگر جمع بین هر دو دستور کنند یعنی یک‌یک
بدو بدهند که مشتمل باشد بر پا و ران حیوان بهتر است و شاید به هر دو استحباب نیز عمل شده
.دهند تا صدقه بدهدباشد و اگر کودک بدون قابله به دنیا آمده باشد آن را به مادرش می

مسئله ۱۶

اگر مادر زن آزاد و مسلمان و عاقله باشد سزاوارتر است به حضانت و تربیت طفلش که طفل
را در مدت دو سال شیرخوارگی حفظ کند و آنچه مربوط به تربیت و حفظ او است انجام دهد
چه اینکه طفل پسر باشد چه دختر چه اینکه خودش او را شیر دهد و یا دیگری او را سیر سازد
پس برای پدر طفل جایز نیست در این مدت کودک را از مادرش جدا کند و بنابر احتیاط حتی
اش تمام شد پدر سزاوارتربعد از گرفتنش از شیر جایز نیست پس وقتی دو سال شیرخوارگی
اش برسد و چون دختراست نسبت به پسر و مادر سزاوارتر است به دختر تا به هفت سالگی
ساله شد پدر نسبت به او سزاوارتر است و مادر که گفتیم تا هفت سال سزاوارتر است برای‌هفت
کند اینکه در حباله پدر کودک باشد و یا به فسخ عقدی با طلاقی از اوحضانت دختر فرق نمی
شود مگر اینکه با مرد دیگری‌جدا شده باشد با جدا شدن از پدر طفل حق حضانت ساقط نمی
شود و همچنین اگر در بین‌ازدواج کند که اگر چنین کند حق حضانتش از پسر و دختر ساقط می
دوسالی که حق حضانت پسرش را داشت اگر به غیر ازدواج کند بقیه حق حضانتش نسبت به
شود و اگر زن از شوهر دوم جدا شد بعیدشود و حضانت حق پدر کودک می‌پسر نیز ساقط می
تر به احتیاط آن است که با پدر طفل‌نیست حق حضانتی که ساقط شده برگردد لکن نزدیک

مصالحه و سازش کند.

کتاب طلاق

مسئله ۹

در صحت طلاق این شرط نیست که زوجه از وقوع آن مطلع باشد تا چه رسد به آنکه بگوییم رضایت او شرط است.

گفتار در صیغه طلاق

مسئله ۲

جایز است با یک صیغه بیشتر از یک همسر را طلاق دهد پس اگر مردی که دو همسر دارد اند و اگر سه همسر دارد بگوید زوجاتی طوالق همسرهای‌بگوید زوجنای طالقان دو همسرم طالق اند طلاق همه صحیح است‌من طالق.

کتاب خلع و مبارات

مسئله ۱

خلع طلاقی را گویند که شوهر در مقابل آن از همسرش که راضی به همسری آن مرد نیست عوضی دریافت کند و خلع یک قسم طلاق است و تمام شرایطی که در طلاق است در آن نیز معتبر است به اضافه اینکه در خلع نارضایتی خصوص زن از همسری شوهرش شرط است و اینکه گفتیم خصوص زن بدین جهت است که اگر مرد هم ناراضی باشد طلاقی که بین آن دو واقع شود خلع نیست بلکه مبارات است و اگر نارضایتی و کراهت تنها از طرف مرد باشد طلاقی‌می دهد نه خلع است و نه مبارات‌که می

مقدمه دوم در موانع ارث

موانع ارث بسیار است که یکدسته از آن موانع چیزی است که از اصل ارث بردن مانع الحرمان مانع محروم کننده گویندگذارد وارث ارث خود را ببرد که آن را حجت‌شود و نمی‌می

النقصان مانع‌شود ارث وارث کمتر شود که آن را حجت‌دسته دوم چیزی است که باعث می کننده گویندکم

مانع اول ارث کفر است به هر قسمی که باشد در اقسام کفر فرقی نیست بین اینکه اصلی برند هرچند که در مرتبه‌ای تنها مسلمانان ارث می‌باشد یا ارتدادی بنابراین از ورثه چنین مرده برنددوم یا سوم باشند و ورثه کافرش ارث نمی

مسئله ۱

اگر کافر بمیرد چه اصلی و چه مرتد و مرتد هم چه فطری باشد و چه ملی باشد و وارثی رسد همچنان که بیان شد و اگرمسلمان و کافر داشته باشد ارث او تنها به وارث مسلمانش می ها طبق قواعد و دستورات ارث‌هیچ وارث مسلمان نداشته باشد و همه ورثه او کافر باشند همه آن برند مگر آنکه کافری که مرده است قبلاً مسلمان بوده و مرتد شده و به کفر قبلی خودمی شود نه ورثه‌زاده بود و کافر شد که در این صورت میراث او ملک امام (ع) می‌برگشته یا مسلمان کافر او

مسئله ۲

اگر میت مسلمان و یا مرتد باشد چه فطری و چه ملی و به غیر از شوهر و امام (ع) وارثی رسد نه به امام و اگر وارثش منحصر باشد به زنش ودیگر نداشته باشد ارث او به شوهرش می رسدچهارم اموالش به زن او و بقیه اموالش به امام (ع) می‌امام (ع) در این صورت یک.

مسئله ۳

اگر کسی بمیرد چه مسلمان و چه کافر و ورثه او بعضی کافر باشند و بعضی مسلمان چنانچه رسد و آنکه بعد از مرگ مورث مسلمان شده ووارث مسلمانش یک نفر باشد همه ارث به او می اسلامش سودی در ارث بردن برایش ندارد بلکه اگر آن یک نفر وارث مسلمان زوجه مورث باشد اسلام وارث تازه مسلمان برای او سود دارد به شرطی که اسلام آوردنش قبل از تقسیم اموال میت باشد و اگر ارث بین زوجه میت و امام یا نائب او تقسیم شده باشد و آنگاه آن وارث کافر رسدمسلمان شده باشد چیزی به او نمی.

مسئله ۵

اش هیچ مسلمانی نباشداگر مسلمانی که دارای ورثه کافر است از دنیا برود و در بین ورثه اندرسد و بقیه از آن محروم‌لکن بعد از مرگ او یکی از ورثه مسلمان شود همه ارث به او می رسد و همچنین است صورتی که متوفی مرتد بوده و همه‌حتی به امام (ع) هم سهمی نمی ها مسلمان شوداش کافر باشند و بعد از مرگ او یک نفر از آن‌ورثه.

مقصد اول در میراث انصاب

مسئله ۱

در مرتبه اولی اگر چنانچه از میت تنها پدری مانده باشد همه مال میت به قرابت به پدر او برد ورسد و اگر تنها مادرش مانده باشد ثلث مال را به عنوان فرض و بقیه را به عنوان رد می‌می

دهند و بقیه را به پدر و این دراگر هر دو مانده باشند ثلث مال را به عنوان فرض به مادر می صورتی است که مادر حاجب نداشته باشد یعنی میت خواهر و برادر نداشته باشد وگرنه مادر برد و پدر بقیه را در این فرض هرچند برادر و خواهر باعث شدند مادر سهم‌ششم را می‌یک برندکمتری ببرد لکن خود آنان ارث نمی.

مسئله ۲

برد و اگر چند پسر بمانداگر از میت تنها یک پسر بماند همه مال را به عنوان قرابت ارث می کنند و اگر یک دختر به تنهایی مانده باشد نصف مال رامال را به طور مساوی بین خود تقسیم می برد و عصبه میت را نصیبی از ارث او نیست و اگر دوبه عنوان فرض و بقیه را به عنوان رد می برند و اگر ازدختر یا بیشتر بماند دو ثلث اموال میت را به عنوان فرض و بقیه را به عنوان رد می میت هم پسر مانده باشد و هم دختر هر پسری دو برابر دختر و هر دختر نصف یک پسر ارث بردمی.

گفتار در صفات قاضی و مسائل مناسب با آن

مسئله ۱

در قاضی چند شرط معتبر است اول بلوغ دوم عقل سوم ایمان چهارم عدالت پنجم اجتهاد اش قوی باشد ومطلق ششم مرد بودن هفتم ولد زنا نبودن هشتم اینکه بنابر احتیاط حافظه شود به گفته او اعتمادفراموشی بر او غالب نباشد بلکه اگر نسیان او به حدی است که دیگر نمی کرد اقوی این است که جایز نیست قضاوت کند و اینکه سواد نوشتن داشته باشد در اعتبارش تر به احتیاط است این که نابینا نباشد هرچند عدم اعتبارحرف است شرط دهم که از آن نزدیک این شرط خالی از وجه نیست.

مسئله ۸

برای قاضی جایز است بدون بینه و بدون اقرار و یا سوگند در حقوق ناس بلکه در حقوق الله نیز به علم خود حکم کند بلکه در جایی که بینه بر خلاف علم و اطلاع او شهادت دهد جایز گو است جایزداند صاحب سوگند دروغ‌نیست طبق بینه حکم کند همچنان که در جایی که می نیست او را سوگند دهد.

گفتار در صفات شهود

چند چیز در شاهد معتبر است اول اینکه بالغ باشد پس شهادت کودک (پسربچه نابالغ) و غیر ممیز مطلقاً یعنی در هیچ امری پذیرفته و معتبر نیست و اما کودک ممیز شهادتش در غیر قتل و

جرح و نیز در قتل و جرح اگر عمر او به ده سال نرسیده باشد اعتبار ندارد و اما اگر به ده سال رسیده باشد و شهادت دهد بر اینکه فلان شخص قاتل فلانی است و یا او زخمی نموده است اعتباری شهادت دختر نابالغ چه ممیز و چه غیر ممیزاعتبار شهادتش محل تردد است و اما در بی اشکالی نیست

سوم داشتن ایمان است بنابراین شهادت غیر مؤمن تا چه رسد به غیرمسلمان پذیرفته نیست چه ها بله یهود نصاری و مجوسی‌اینکه شهادتش علیه مؤمن یا غیر مؤمن یا هر دو باشد یا به نفع آن که در ذمه دولت اسلامی هستند اگر در دین خود عادل باشند شهادتشان در خصوص وصیت به مال پذیرفته است به شرطی که کسی از عدول مؤمنین نباشد تا آن شهادت را بدهند اما این قید که صاحب وصیت در غربت باشد در اعتبار شهادت ذمی معتبر نیست در وطن هم که باشد اگر از عدول مؤمنین کسی نباشد که وصیت او را گوش کند و تحمل نماید شهادت ذمی نیز پذیرفته است و ملحق به ذمی نیست کسی که اهل ایمان است و لکن فاسق است که در نتیجه شهادت او اعتبار ندارد و اما اینکه مسلمان غیر مؤمن یعنی سونی آیا ملحق به ذمی نباشد بعید نیست ملحق الشرایط شهادتش علیه تمامی ملل معتبر است و شهادت کافر مطلقاً پذیرفته‌باشد و اما مؤمن جامع نیست.

زاده بودن است بنابراین شهادت زنازاده مقبول نیست هرچند که اظهار اسلام کندپنجم حلال اندو هرچند که عادل باشد و آیا شهادتش در امور کوچک و ناچیز مقبول است یا نه بعضی گفته زاده است یاآری ولی مقبول نبودنش داشته است و اما اگر حال شاهد معلوم نباشد که آیا حلال زنازاده در صورتی که به حکم شرع ملحق به بستر باشد شهادتش مقبول است هرچند که زنازاده ها باشد و اگر به طور کلی حال او مجهول باشد و بستری‌بودنش در بین مردم محله بر سر زبان هم برای ولادت او شناخته نشده باشد در قبول شهادتش اشکال است.

کتاب حدود

فصل اول در حد زنا

گفتار در مورد حد زنا

مسئله ۱

سازد عبارت است از اینکه مردی آلت تناسلی اصلی خود را درزنایی که حد را واجب می فرج زنی داخل کند که به خودی خود بر او حرام است بدون اینکه او را به عقد دائم و یا موقت خود در آورده باشد و یا اگر کنیز است بدون اینکه او را خریده باشد و یا اگر کنیز دیگران است های حلیت در کاریک از این سبب‌بدون اینکه صاحبش بر او حلال کرده باشد و یا اگر هیچ

آید نباشدنیست به شبهه هم با شرایطی که بیانش می.

مسئله ۲

این که در مسئله قبل گفتیم آلت تناسلی اصلی برای این بود که همسرش در عده است اگر زنا کند زنایش محصن و اگر بعد از عده همسرش زنا کند زنای غیر محصن است.

مسئله ۱۵

شود و اگر ادعای شبههحد زنا که یا سنگسار است و یا شلاق بر زناکار کور نیز جاری می شود ولی بعضی ازکند در صورتی که احتمال اشتباه در حق او برود اقوی آن است که قبول می اند در صورتیفقها اقوال دیگری دارند یکی اینکه به طور کلی پذیرفته نیست بعضی دیگر گفته اند با شهادت حال پذیرفته است لکن همه این‌که عادل باشد پذیرفته است بعضی دیگر گفته انداقوال ضعیف.

مسئله ۱۶

ها حد نیست بلکه تعزیر است وخوابی و معاشقه و غیر این‌در غیر زنا از قبیل بوسیدن و بغل ای معین نشده بلکه تشخیص اینکه تعزیرش شلاق باشد یا چیز دیگر وبرای آن تعزیر هم اندازه اینکه چه مقدار باشد بسته به نظر حاکم است.

مقام اول در اقسام حد زنا

حد زنا چند قسم است قسم اول کشتن محکوم است که در چند مورد واجب است اول در ها و اما محارم رضاعی اگر نگوییم بنابرزنای با محارم نسبی نظیر مادر دختر و خواهر و امثال این اقوی حداقل بنابر احتیاط این حکم را ندارد (یعنی کسی که با مادر رضاعی یا دختر رضاعی یا خواهر رضاعی خود زنا کند کشتن او بر حاکم واجب نیست) حال آیا محارم سببی نظیر خواهرزن و مادرزن هم حکم محارم نسبی را دارد یا نه احتیاط آن است که بگوییم ندارد همچنان که احتیاط آن است که مادر و دختر از زنا حکم مادر و دختر شرعی را ندارد چون محل پدر حکم محارم نسبی را دارد و در نتیجه اگر پسری با زن‌تردد است بله اقوی این است که زن شودپدرش زنا کند کشته می

دوم زنا کافر ذمی با زن مسلمان است چه اینکه زن خودش هم طالب و مایل باشد و چه او را مجبور کرده باشد و چه اینکه کافر ذمی به شرایط ذمه عمل بکند و چه نکند ظاهراً این حکم در همه اقسام کفار جریان دارد.

سوم کسی است که با اکراه و اجبار با زنی زنا کند

مسئله ۱

در این چند موردی که گذشت شرط جریان حد این نیست که زناکار محصن باشد بلکه شود هرچند که محصن نباشد و در این حکم فرقی بین پیر و جوان مسلمان وزناکار کشته می کافر آزاد و برده نیست و آیا کسی که محکوم به قتل شده تازیانه هم باید بخورد و سپس کشته شود یا تازیانه از او ساقط است آن است که بگوییم جمع بین هر دو نشود هرچند که در بعضی از صورت مسئله تردید و شک است

قسم دوم در اقسام حد سنگسار تنها است که واجب است آن را در مورد مرد محصن یعنی دارای همسر که با زنی بالغه و عاقله زنا کند و نیز در مورد ... محصنه یعنی دارای شوهر که به مردی عاقل و بالغ زنا دهد اعمال نمود هرچند که زن و مرد جوان باشند و در فتوایی معروف خورند و لکن اقرب آن‌شوند و هم تازیانه می‌است که اگر زن و مرد جوان باشند هم سنگسار می است که تنها سنگسار کردن آن دو واجب است.

مسئله ۲

اگر مردی و عاقل و بالغ دارای همسر با دختری غیر بالغ یا دیوانه زنا کند آیا سنگسارش شود دو وجه است و بعید نیست که سنگسار بر اوواجب است یا تنها حد تازیانه بر او زده می ثابت شود و اگر مردی دیوانه با زنی عاقل و بالغ زنا کند و خود زن نیز به میل خود زنا داده باشد زنند که اگر شوهردار است سنگسار و اگر عزب است تازیانه باشد و اماآن زن را حد کامل می شودبر مرد دیوانه بنابر اقوی حدی جاری نمی.

قسم سوم از اقسام حد تازیانه تنها است که بر چند طایفه جاری است اول بر مرد زناکاری که عزب باشد یعنی همسر نداشته باشد و نتواند همسر بگیرد دوم بر زن عاقل و بالغی که طفلی با او خرد چه شوهر داشته باشد و چه نداشته باشد سوم بر زنی‌زنا کرده باشد که این زن تنها تازیانه می غیر محصنه با مردی زنا داده باشد

قسم چهارم از اقسام حد مواردی است که هم تازیانه باید بخورد و هم سنگسار شوند که این حد پیرزن دارای شوهر و پیرمرد دارای همسری است که او با داشتن شوهر و این با داشتن زن شوندخورند سپس سنگسار می‌مرتکب زنا شوند در این صورت ابتدا تازیانه می.

قسم پنجم از اقسام حد تازیانه و سر تراشیدن و تبعید کردن است و این عقوبت حد پسر بکر است یعنی پسری که نامزدی عقد بسته دارد لکن بنابر اقرب هنوز بر او دخول نکرده باشد این تراشند و در آخر او را به شهری دیگرزنند و سپس سر او می‌اش می‌پسر اگر زنا کند اول تازیانه کنندتبعید می.

مسئله ۵

در صورتی که زنا را مکرر کند چه در یک روز و چه در چند روز چه با یک زن و چه با شود البته این درچند زن اگر در فاصله بین دو زنا حد نخورده باشد یک حد بر او جاری می ها تازیانه باشد و اگر زنای‌جایی است که حد زناهای تکرار شده یک نوع باشد مثلاً حد همه آن دیگری مرتکب شد که حدش تازیانه و سنگسار یا سنگسار به تنهایی است در این صورت شودالظاهر عقوبت نیز به عدد زنا تکرار می‌علی.

مسئله ۶

اگر انسانی که برده نیست و نیز دارای همسر نیست زنا را سه بار تکرار کند و سه نوبت حد بر او جاری شود هرچند که شخص مرتکب زن باشد در مرتبه چهارم عقوبتش کشتن اوست بعضی شود لکن فتوای‌اند که در نوبت سوم بعد از دو نوبت حد خوردن کشته می‌از فقها گفته ای نیست‌پسندیده.

مسئله ۸

شود مگر بعداً اززن حامله اگر زنا کند حد زنا چه تازیانه و چه سنگسار باشد بر او جاری نمی آنکه حمل خود را بزاید و از نفاس خارج شود البته این در جایی است که اجرای حد تازیانه به فرزند او آسیب برساند حتی اگر اجرای حد به شیر خوردن کودک صدمه بزند در ایام اندازندشیرخوارگی طفل نیز حد را تأخیر می.

مسئله ۹

اگر عقوبت و حد زناکار قتل یا سنگسار باشد و تازیانه نباشد واجب است آن را حتی در صورتی هم که مرتکب جرم مریض یا شبه مریض باشد مثلاً زن در حال استحاضه و یا کسی که جراحتی در بدن دارد جاری بسازند و اما اگر حد مجرم تازیانه باشد و ترس آن در بین باشد که اگر حد را بر او تأخیر بیندازند و اگر امید بهبودی در آن نداشته باشند و یا حاکم مصلحت را در هایی که قرار است با تازیانه بر او وارد آوردتواند به عدد ضرب‌فوریت اجرای حد بداند می بار آن دسته چوب را بر بدن مریض بزند و معلوم است‌ترکه چوب و شلاق روی هم نهاده یک کند و لکن عیب‌ها بر بدن او تماس پیدا نمی‌ها یا ترکه چوب‌که با یک ضربت همه آن شلاق ها به بدن مجرم معتبر نیست‌ندارد چون رسیدن همه آن.

مقام دوم در چگونگی اجرای حد زنا

مسئله ۱

سازند که برای حد بعدی‌اگر بر یک نفر چند حد جمع شود ابتدا آن حدی را جاری می فوت محل نشود مثلاً اگر بر کسی به خاطر چند گناه کبیره حد تازیانه و سنگسار ثابت شده باشد کنند و اگر جمع شود در او حد بکر یعنی مردزنند سپس او را سنگسار می‌اول تازیانه را بر او می الظاهر واجب است که سنگسار بر کسی جمع‌زن ندیده و حد محصن یعنی مرد دارای زن علی اندازند تا از اثر تازیانه بهبودی یابدشود بعد از تازیانه سنگسار کردن او را به تأخیر نمی.

مسئله ۲

خواهند شخصی را سنگسار کنند اگر مرد باشد تا لگن خاصره و نه بیشتر و اگر زن‌وقتی می کننداست تا کمر او را در گودال دفن می.

مسئله ۳

اگر مرتکب زنا محصن مرد باشد و زنایش به اقرار خودش ثابت شده باشد اولین کسی که اندازند و اما اگراندازد امام (ع) است و بعد از آن جناب سایر مردم سنگ می‌سنگ بر او می اندازدزنایش با بینه یعنی شهادت چهار نفر شاهد عادل ثابت شده است اولین کسی که سنگ می اندهمان چهار شاهد و بعد از آن امام و سپس سایر مردم.

مسئله ۴

زنند و به جزمرد زناکار را در حالی که ایستاده و بدنش از لباس عریان شده باشد حد می آورندساتر عورت لباسی در تن او نباید باشد و شلاق را با شدیدترین ضربت بر بدنش وارد می.

مسئله ۵

خواهد اجرا کند به مردم اعلام کند همه جمع شوند وسزاوار آن است که حاکم وقتی می حضور به هم رسانند بلکه سزاوارتر آن است که به صرف اعلان اکتفا ننموده دستور صادر کند تا ای از مؤمنین که‌ها بیرون آیند و ناظر اجرای حد باشند و احتیاط آن است که طایفه‌از خانه ها کوچک باشد بلکه این به‌حداقل سه نفر باشند حاضر شوند و نیز سزاوار آن است که سنگ ها صادق‌های کوچک که کلمه سنگ بر آن‌تر است و جایز نیست که با ریگ‌احتیاط نزدیک نیست او را سنگسار کنند همچنان که جایز نیست با سنگ بسیار بزرگ که یکی یا دو تای آن او کشد بزنند و احتیاط آن است که کسانی که مثل آن حد را به گردن دارند مخصوصاًرا می اند حاضر در اجرای حد نشوند بله اگر بین خود و خدا از آن‌افرادی که همان گناه مرتکب شده گونه افراد مطلقاًتوانند حاضر شوند لکن اقوی آن است که حضور این‌گناه توبه کرده باشند می کراهت دارد چه توبه کرده باشند و چه نکرده باشند و در این مسئله فرقی نیست بین اینکه ثبوت

زنا به وسیله بینه باشد یا به وسیله اقرار

گفتار در لواحق

مسئله ۶

ها و اعیاد و یا در مکانی‌کسی که عمل زنا را در زمانی مقدس چون ماه رمضان و جمعه شریف چون مسجد و حرم و مشاهد مشرفه امامان (ع) مرتکب شود حاکم به مقداری که مقتضی کند مثلاً اگر برایش ثابت‌سازد و خصوصیتی دارد را رعایت می‌بداند حد بیشتری بر او جاری می شود که در شب قدر که روزش جمعه است در مسجد یا کنار ضریحی از مشاهد مشرفه مرتکب های بیشتر را به خاطر شکستن‌فلان گناه شده است علاوه بر آن حدی که آن گناه دارد عقوبت .گیردها در نظر می‌آن قرغ

مسئله ۷

پذیرند و جز به خاطر عذرهایی موجه نظیرهایی است که کفالت نمی‌حدود الهی عقوبت .کندکس آن را ساقط نمی‌افتد و نیز شفاعت هیچ‌حاملگی و بیماری به تأخیر نمی

فصل دوم در لواط و سحق و قیآده

مسئله ۴

شود البته‌اگر کسی مذکری را وطی کند و در او دخول کند قتل او و قتل مفعول ثابت می این در صورتی است که هر دو بالغ و عاقل و مختار باشند و در حکم قتل آن دو فرقی نیست در اینکه مسلمان باشند یا کافر زن داشته باشند یا که نه و اگر فاعل بالغ و عاقل باشد و مفعول نابالغ گردد و همچنین اگر بالغ عاقل‌شود و مفعول تأدیب می‌در صورت تحقق دخول فاعل کشته می در مجنونی دخول کند که بالغ عاقل اعدام و مجنون اگر شعوری داشته باشد به وسیله حاکم به شود و اگر کودک با کودک چنین کند هر دو تأدیب‌مقداری که او مقتضی بداند تأدیب می شود نه مجنون و اگر با بالغی چنین‌شوند و اگر مجنونی با عاقل چنین کند تنها عاقل اعدام می‌می شودشود و اگر ذمی با مسلمان لواط کند ذمی کشته می‌کند بالغ اعدام و کودک تأدیب می شود حتی اگرهرچند دخولی صورت نداده باشند و اگر ذمی با مسلمان لواط کند ذمی کشته می اند امام (ع) مخیر است‌دخولی صورت نداده باشد و اگر ذمی با ذمی دیگر چنین کند بعضی گفته هابین اینکه خودش حد را بر آن دو جاری سازد و یا اینکه فاعل را تحویل اهل ملتش بدهد تا آن حدی که خودشان دارند بر او جاری سازند لکن اگر نگوییم اقوی حداقل احتیاط در این است .که خودش حد را جاری کند

مسئله ۷

دو نفر مذکر اگر لخت و عریان در زیر لحافی دیده شوند و بین آن دو قرابت رحمی نباشد و شوند و مقدار تعزیر آن دو به نظرضرورتی هم این عمل را اقتضا نکرده باشد هر دو تعزیر می ها جاری سازند ولی یک تازیانه‌تر به احتیاط این است که حد را بر آن‌حاکم است و نزدیک شود کسی که پسری را بلکه حتی مردی یا زنی بالغ یا نابالغ را ازکمتر بزنند و همچنین تعزیر می .روی شهوت ببوسد

مسئله ۱۰

اگر چند بار مساحقه کند و هر بار تازیانه آن را بخورد در نوبت چهارم حدش کشته شدن شودشود و اما بعد از آن ساقط نمی‌است و اگر قبل از شهادت شهود توبه کند حد از او ساقط می و اگر ارتکاب آن به طریق اقرار مرتکب ثابت شده باشد در صورتی که مرتکب توبه کند حاکم چه امام (ع) باشد و چه نائب او مخیر است بین عفو و اجرای حد مثل لواط

مسئله ۱۱

اگر دو نفر زن اجنبی با یکدیگر زیر لحاف برهنه دیده شوند حاکم به هر یک از آن دو .تر به احتیاط آن است که نودونه ضربه بزندزند و نزدیک‌هایی کمتر از حد می‌تازیانه

مسئله ۱۲

اگر عمل مساحقه و تعزیر آن از هر دو تکرار شود یعنی دو بار مرتکب شوند بار سوم حد تر به احتیاط آن است که دو بارشود و اگر بعد از حد بازهم تکرار کردند نزدیک‌جاری می شوند و بعضی‌اند کشته می‌شود بعضی گفته‌شوند و بار سوم حد بر آن دو جاری می‌تعزیر می .شوند لکن اشبه همان است که گفتیم‌اند در نوبت نهم و یا دوازدهم کشته می‌دیگر گفته

مسئله ۱۳

اگر مردی با زنش جماع کند و آن زن قبل از گذشتن فاصله زیاد با دختری بکر مساحقه کند و در نتیجه منی شوهرش از باطن او به باطن آن دختر منتقل شود و با اینکه بکر است حامله گردد شود فرزند همان مردی است که صاحب منی بوده است و آن دختر باکره‌فرزندی که متولد می خورد و فرزند متولد شده‌اگر خودش تمایل به مساحقه داشته بعد از وضع حمل صد تازیانه می باشد چون بکارتش با تولد از بین‌فرزند او نیز هست و مستحق مهرالمثل بیوه زنان معاصر خود می تررود و اما آن زن شوهردار در بعضی روایات آمده است که باید سنگسار شود لکن نزدیک‌می .خوردبه احتیاط آن است که او نیز صد تازیانه می

مسئله ۱۵

چهارم حد زنا است و از آن شهر به شهری دیگرزنند که سه‌قواد هفت و پنج ضربه شلاق می تر به احتیاط آن است که تبعیدش بعد از نوبت دوم حد خوردنش باشد وکنند نزدیک‌تبعید می بنابر قولی مشهور باید سر او را بتراشند و به مردم معرفی کنند چه اینکه مسلمان باشد و چه کافر و چه زن باشد و چه مرد مگر اینکه در زن تراشیدن و تبعید و معرفی به مردم نیست و فقط تازیانه .است و بعید نیست بگوییم تعیین مقدار زمان تبعید به نظر حاکم است

گفتار در موجب حد قذف

مسئله ۱

در مسئله قذف آنچه موجب حد است نسبت زنا یا لواط دادن است اما اگر به کسی نسبت .شودمساحق و سایر کارهای زشت داده شود موجب حد قذف نمی

مسئله ۶

ای بنابرای و یا بگوید تو با فلان پسر لواط کرده‌اگر به مردی بگوید تو با فلان زن زنا کرده اشبه نسبت زنا و لواط را به مخاطب داده است نه به آن زن و آن پسر در نتیجه تنها یک حد بر او اند دو حد باید بخورد زیرا هم به مخاطب نسبت داده و هم به آن‌شود لکن بعضی گفته‌جاری می زن یا آن پسر

گفتار در قاذف و مقذوف

مسئله ۲

اگر شخصی که دارای عقل است و یا مجنون ادواری است در دور سلامت عقلش کسی را قذف کند و سپس آن عاقل دیوانه شود و آن ادواری به دور جنونش برسد حد قذف او ساقط .شود بلکه در همان حال نیز باید حد را بر او جاری ساخت‌نمی

مسئله ۶

تک آنان بگوید از زناکار هر یک از آنان حق‌اگر کسی جماعتی را قذف کند یعنی به تک جمعی به محکمه آمده و مطالبه‌دارند او را محاکمه و خوردن حد بکشانند حال چه اینکه دسته ها را قذف کند مثلاًجمعی آن‌یکی مطالبه کنند و اما اگر به یک لفظ دسته‌حد او کنند و یا یکی یکی به محکمه آیند و حد اوبگوید: شما همگی زناکارید در این صورت اگر آن جماعت یکی شود برای هر یک نفر یک حد کامل و امارا مطالبه کنند به عدد آن جماعت حد بر او زده می

شود وها یک حد بر قاذف زده می‌جمعی حاضر شوند و مطالبه حد کنند برای همه آن‌اگر دسته جمعی است واگر بگوید زید و عمرو زناکارند ظاهر این است که مانند شق اول قذف دسته همچنین است اگر بگوید: زید زناکار است و عمر و بکر اما اگر بگوید زید زناکار است و عمرو زناکار است و بکر زناکار است برای هر یک از آن سه نفر است که او را به محکمه بکشانند و تک و اگر کسی بگوید ای‌جمعی تقاضای حد کنند یا تک‌حد جاری کنند حال چه اینکه دسته شود و قذف او قذف به‌پسر دو زناکار حق یک حد برای قذف پدر و مادر آن شخص ثابت می خوردجمعی است البته اگر پدر و مادر با هم مطالبه حد او کنند یک حد می‌یک لفظ و دسته یکی به محکمه بیایند برای هر یک حدی جداگانه است‌ولی اگر یکی.

چند فرع

فرع اول

کسی که به پیامبر اسلام (ص) ناسزا بگوید بر شنونده کشتن او واجب است مگر آنکه بر جان یا عرض خود و یا بر جان مؤمنی یا عرض او بترسد که یا چنین ترسی نه تنها واجب نیست که جایز هم نیست و اگر خطر جان و عرض در بین نباشد بلکه بر مال خودش یا برادر دینیش ترس داشته باشد ترک قتل او جایز است و کشتن او موقوف به اذن امام (ع) و نائب او نیست در که صدیقه طاهره فاطمه (س) به‌ناسزا شنیدن بر بعضی از ائمه (ع) نیز همین حکم است و در این آن حضرات باشد وجهی است بلکه اگر ناسزای به آن حضرت به ناسزای پیغمبر (ص) برگشت بدون اشکال کشتن او واجب است.

فرع دوم

کسی که ادعای نبوت کند کشتن او واجب است و خون او برای هر کس که این ادعا را از او بشنود مباح است مگر آنکه به شرح مسئله قبلی پای ترس در بین باشد و کسی که ظاهر اسلام دانم محمد بن عبدالله (ص) پیغمبر است یا نه کشته‌را داشته باشد و در عین حال بگوید: من نمی شودمی.

فرع سوم

شودکسی که به سحر عمل کند اگر مسلمان باشد باید کشته شود و اگر کافر باشد تأدیب می شود که فلان شخص مرتکب عمل سحر شده است یکی به اقرار خود اوو از دو طریق ثابت می که احتیاطاً باید دو بار باشد و دوم از طریق بینه و شهادت دون شاهد عادل و اگر سحر را یاد بگیرد به منظور ابطال سحر مدعی نبوت نه تنها جایز است بلکه چه بسا واجب

فرع پنجم

هر مسلمانی که واجبی را ترک کند مثلاً نماز نخواند یا روزه نگیرد و یا مرتکب حرامی شود توانند وی را تعزیر کنند البته شرطی که آن حرام از کبائر باشد و تعزیرامام (ع) و نائب او می حتماً باید کمتر از حد باشد و اما اینکه چه مقدار و چگونه باشد بستگی به نظر حاکم دارد و تر به احتیاط برای حاکم آن است که در هر موردی که از ناحیه شرع دلیل بر اندازه‌نزدیک تعزیرش نرسیده از اقل حدود تجاوز نکند.

فرع ششم

اند که تعزیر و تأدیب به کودک نباید از شلاق بیشتر شود لکن ظاهر این استبعضی گفته کند که کمتر از ده‌که مقدار آن بستگی به نظر حاکم و ولی دارد چون گاهی مصلحت اقتضا می کند بیشتر از ده ضربه بزند چیزی که هست تجاوز از اندازه جایزضربه بزنند و گاهی اقتضا می نیست بلکه تجاوز از اندازه در افراد بالغ نیز جایز نیست و احتیاط آن است که در تعزیر کودک تر به احتیاط آن است که به شش و یا پنج شلاق‌کمتر از تعزیر افراد بالغ بزند و از این هم نزدیک اکتفا کند.

فصل چهارم در حد نوشیدن مسکرات

گفتار در موجب حد و کیفیت آن

مسئله ۹

اش مرد باشد چه زن چه کافر باشد وحد نوشیدن مسکر هشتاد تازیانه است چه اینکه نوشنده چه مسلمان البته کافر اگر شراب را علناً بنوشد حد دارد و اگر پنهانی بنوشد حد ندارد همچنان که اگر در کلیسا و معبد خود بنوشد حد ندارد.

مسئله ۱۰

زنند و باید مواظب باشند که به‌تازیانه شرب خمر را بر پشت و شانه و سایر اعضای بدن او می سر و صورت و عورت او اصابت نکند و اگر شارب خمر مرد باشد او را عریان کرده به صورتی سازند و اگر زن باشد او راکه فقط عورتش پوشیده باشد و در حالت ایستاده بر او حد جاری می سازد پس اگربندند و او و مردان در حال هوشیاری حد را جاری می‌اش می‌نشانند و با جامه‌می کنند تا هوشیار شوند بعد حکم را جاری سازندهنوز مست است صبر می.

مسئله ۱۱

شود بلکه در حال‌به خاطر عارض شدن دیوانگی یا مرتد شدن محکوم حد از او ساقط نمی سازندجنون و ارتدادش حد را بر او جاری می.

مسئله ۱۲

هایش‌ها حد نخورده نباشد یک حد برای همه میگساری‌اگر چند بار مسکر بنوشد و بین آن بار دیگر بنوشد و حد بخورد بار سوم و به قولی بارکافی است و اگر بنوشد و حد بخورد یک شودچهارم کشته می.

گفتار در احکام و بعضی لواقح آن

مسئله ۲

اگر کسی شراب مسکر نوشیده نوشیدن آن را حلال هم بداند و در عین اینکه مسلمان است دهند اگر توبه کرد حد شرب خمر بر او جاری‌معتقد به حرمت آن نباشد اول او را توبه می سازند و اگر توبه نکرد در صورتی که انکارش نسبت به حرمت مسکر برگشت به انکار نبوت‌می زاده‌پیامبر اسلام باشد باید کشته شود چون مرتد شده است حال چه اینکه قبلاً مسلمان و مسلمان اند حکم اوباشد و چه اینکه کافر زاده بوده و سپس مسلمان شده باشد لکن بعضی از فقها فرموده شود بلکه‌حکم مرتد است یعنی در صورتی که مرتد فطری باشد پیشنهاد توبه به او داده نمی ایم با قواعد سازگارتر است این حکم‌شود ولی فتوایی که ما داده‌بدون پیشنهاد توبه کشته می کسی بود که خمر را حلال بداند و اما کسی که مسکرات دیگر را حلال بداند هر مسکری که زنند چه حلال بداند و چه حرام واش می‌شود بلکه فقط به خاطر نوشیدن تازیانه‌باشد کشته نمی اما فروشنده خمر چه مسلمان باشد و چه کافر باید نخست او را توبه دهند اگر توبه کرد از او شود اگر توبه نکرد و برگشت حلال شمردنش به تکذیب پیامبر اسلام باشد باید کشته‌پذیرفته می شود هرچند در حالی فروخته باشد که فروش آن‌شود و فروشنده مسکر است غیر خمر کشته نمی دانسته و هرچند که توبه نکرده باشدرا حلال می.

مسئله ۵

کسی که در زیر تازیانه حد یا تعزیر از دنیا برود جاری کننده حد و تعزیر ضامن خون او شود مگر آنکه از حد تجاوز کرده باشدبها بدهکار نمی‌نیست و دیه یعنی خون.

فصل پنجم در حد سرقت

مسئله ۱

در وجوب اجرا حد بر سارق چند شرط معتبر است ۱- اول اینکه شخص دزد به حد بلوغ

شود تنها طبق نظر ورسیده باشد پس اگر طفلی دست به سرقت بزند حد بر او جاری نمی شود هرچند که این گناه مکرر از او سر بزند حتی بیشتر از پنج نوبت‌دید حاکم تأدیب می‌صلاح گردد وکنند اگر بازهم مرتکب شد تأدیب می‌اند او را دربار اول عفو می‌بعضی از فقها فرموده خراشند تا خون در آیدقدر می‌اگر بعد از تأدیب دوباره دزدی کرد سر انگشتان دستش را آن کنند و اگر بازهم تکراراگر بازهم دست به این کار زد آن وقت بند اول انگشتانش را قطع می کنند و درباره سرقت اطفال روایتی است که‌کنند که با افراد بالغ می‌کرد همان معامله را با او می ها آمده است که این حکم را غیر از رسول خدا (ص) و من یعنی امیرالمؤمنین (ع) کسی‌در آن جاری نکرد.

مسئله ۲

اگر به دو نفر درباز کردن محفظه شریک شوند لکن مال را یکی از آن دو بدزدد تنها دست دو به تنهایی محفظه را باز کند ولی مال را باشود نه آن دیگری و اگر یکی از آن‌دزد قطع می شود که هم محفظه را گشوده و هم مال راکس قطع می‌شرکت یکدیگر بدزدند تنها دست آن برده و اما اگر در هر دو کار با هم شریک باشند در صورت وجود سایر شرایط دست هر دو قطع شودمی.

مسئله ۴

شود ودر سرقت از مال غنیمت جنگی دو روایت است در یکی آمده که دست او قطع نمی در دیگری آمده اگر آنچه دزدیده به مقدار یک ربع دینار بیشتر از سهم خودش بوده باشد شوددستش قطع می.

مسئله ۷

کار گفته باشد مال من‌کار را بدزدد در صورتی که صاحب‌اگر اجیر چیزی از مال صاحب کار مال خود را از آن پنهان نموده وشود ولی اگر صاحب‌نزد تو امانت است دست او قطع نمی ای نهاده و اجیر درب آن محفظه و محل را باز کرده و مال او را دزدیده باشد دستش‌در محفظه شودقطع می.

گفتار در مال سرقت شده

مسئله ۱

چهارم دینار طلای خالص‌شود یک‌نصاب مالی که دزد به جرم دزدی آن دستش قطع می چهارم دینواردار است و اگر مال به سرقت رفته از جنس دینار نباشد قیمت آن معادل یک‌سکه

باشد چه اینکه لباس باشد و چه جنس معدنی و چه میوه و خوراک آن هم چه تازه و چه های کوهی در اصل برای همه مردم مباح بوده باشد وخشکش و نیز چه این که آن مال نظیر میوه های جالیزی و درختی و امثال آن فاسدشدنی باشد و چهچه نباشد و چه مانند سبزیجات و میوه نباشد حاصل کلام اینکه هر چیزی که در ملک مسلمانان و به حد نصاب بوده باشد اگر کسی آن شود حتی مرغ خانگی و پرنده و سنگ رخامرا بدزدد دستش قطع می

گفتار در حد سرقت

مسئله ۱

کنند وحد سرقت در بار اول این است که چهار انگشت از دست راست را از بیخ قطع می گذارند و اگر بعد از این قطع بازهم دست به سرقتانگشت شصت و کف دست او را باقی می بزند این بار نصف پای چپ او یعنی انگشتان و قسمتی از قدم او را که به بلندی قدم نرسیده قطع کنند تا نصف دیگرش یعنی بلندی وسط قدم و اندکی از محل مسح وی تا بند پایش باقی‌می شود و تابماند و اگر بعد از اجرای این حد بازهم مرتکب دزدی بشود محکوم به حبس ابد می شود و اگر بازهم تکرار کندالمال تأمین می‌اش از بیت‌مرگش فرا رسد و اگر فقیر باشد زندگی شودحبس ابد و در تکرار بعدی کشته می.

مسئله ۷

اگر جاری ساختن حد و مثلاً بریدن دست دزد باعث سرایت جراحت به بالاتر شود نه حاکم ضامن آن است و نه اجرا کننده حکم او هرچند که زمان اجرای حد زمان مناسبی نبوده باشد مثلاً در شدت سرما یا شدت گرما باشد.

فصل ششم در حد محارب

مسئله ۱

محارب به کسی گویند که اسلحه خود را به منظور تهدید و ترساندن مردم از غلاف در آورد و یا آن را مجهز سازد و قسط افساد در زمین را داشته باشد چه در خشکی و چه در دریا چه در شهر چه در روستا چه در شب و چه در روز و با تحقیق این شرایط حکم محارب جاری شود و در تحقیق این قید معتبر نیست که اهل ریبه نیز باشد یعنی سابقه شرارت داشته باشد ومی نیز در تحقیق آن فرقی بین مرد و زن نیست حال آیا برهنه کردن سلاح به قسط ترساندن مردم از سازد یا نه مشکل است بلکه‌ترسد او را محارب می کس از او نمی‌فردی ضعیف و ناتوان که هیچ کند اگر ناتوانی او به حدی نباشد که‌توان گفت چنین عملی از چنین کسی او را محارب نمی‌می

کند ظاهر این‌ای از مواقع و در بعضی از افراد ایجاد ترس می‌کس از او نترسد بلکه در پاره‌هیچ
.است که او داخل در عنوان محارب است

مسئله ۵

اقوی آن است که در اجرای حد محارب حاکم مخیر است بین چند کار یکی کشتن محارب دوم به دار آویختن او سوم قطع دست و پا به طور مخالف چهارم تبعید کردن و بعید نیست که بگوییم جنایت او را در نظر گرفته عقوبتی را برایش انتخاب کند که با جنایت او تناسب داشته باشد مثلاً اگر محارب کسی را کشته باشد و یا به دار بیاویزد و اگر مالی را ربوده دست و پایش را به طوری که بیان شد قطع کند و اگر تنها سلاح خود را برهنه کرده و مردم را .ترسانیده او را تبعید نماید

مسئله ۶

آنچه در مسائل قبل گفتیم حد محارب است یعنی اینکه کسی را کشته باشد و چه نکشته باشد و چه در صورت کشتن کسی ولی مقتول شکایت نزد حاکم برده باشد یا نه و چه در صورت کشتن کسی ولی مقتول شکایت نزد حاکم برده باشد یا نه در صورتی که محارب کسی شود که خون او و خون کسی که او را کشته از نظر ارزش‌را کشته باشد وقتی قصاص می همسنگ و مساوی باشد مثلاً هر دو مسلمان باشند یا هر دو مرد باشند و در صورتی که ولی مقتول او را عفو کند باز حاکم در انتخاب یکی از چهار مجازات مختار است هرچند که محارب دم مجروح است و او چه قصاص کند و چه عفو باز حاکم‌او را به خاطر قصاصش به دست ولی .در انتخاب یکی از آن چهار حد مختار است

مسئله ۹

زنند و جایز نیست بیش از سه روز بر روی دار نگه دارند بلکه او رامحارب را زنده به دار می کنند و اگرپوشند و بر او نماز گذارده دفنش می‌پایین آورده اگر مرده باشد غسل داده و کفن می .کشند که این مشکل است گیرند و می‌اند نیمه جانش را می‌زنده مانده باشد بعضی گفته

مسئله ۱۰

اگر نظر حاکم این است که محارب را از شهر تبعید کند باید والی آن شهر که محکوم در غذا شدن و داد و ستد و ازدواج با او و مشورت‌آنجا رفته نامه بنویسد و مردم را از معاشرت و هم .با او منع کند و احتیاط آن است که این تبعید و محدودیت کمتر از یک سال نباشد

مسئله ۱۱

در بریدن دست و پای محارب این شرط معتبر نیست که دزدی هم کرده باشد تا چه رسد به اینکه دزدیش به حد نصاب رسد و از حرز بیرون آورده باشد بلکه امام (ع) به صرف اینکه عنوان محارب بر او صدق کند مخیر است در انتخاب یکی از چهار حد و اگر قطع را اختیار کند تر به احتیاط آن است که ابتدا دست راست و سپس پای چپ او را قطع کند و بهتر آننزدیک ریزی داغاست که بعد از قطع دست راست صبر کند تا زخمش را به خاطر جلوگیری از خون کند سپس پایش را قطع نماید و اگر محارب دست راست نداشت و یا اصلاً عضو حد را ندارد .کندامام (ع) حد دیگر غیر از قطع را اختیار می

گفتار در حکم ارتداد

مسئله ۱

گوییم‌ای از احکام ارتداد را بیان کردیم اما در اینجا می‌در کتاب ارث اقسام مرتد و پاره شود و حد ارتداد او این است که اگر مرد باشدحسب ظاهر قبول نمی‌مرتد فطری اسلامش به اش بزنند و درگانه تازیانه‌کشته شود و اگر زن باشد حبس ابد شود و در اوقات نمازهای پنج معیشت و آب و غذا و لباس بر او تنگ بگیرد تا توبه کند که توبه زن مرتده فطری پذیرفته شود اگرگردد و اما مرتد ملی نخست توبه داده می‌شود پس اگر توبه کرد از حبس رها می‌می شود و احتیاط آن است که سه روز پیشنهاد توبه به او داده شود و درحاضر به توبه نشد کشته می .روز چهارم کشته شود

مسئله ۶

ای گفت قبل از آنکه توبه را به او پیشنهاد کنند اواگر مرتد ملی همین که مرتد شد و رده شودشود و اما اگر بعد از این پیشنهاد و نپذیرفتن توبه دیوانه شود کشته می‌دیوانه شود کشته نمی ای ازچون همان نپذیرفتن توبه خونش را مباح کرد لکن مرتد فطری که توبه ندارد همین که رده .شود هرچند که توبه بعد از رده دیوانه شده باشداو سر زد کشته می

مسئله ۸

تواند قاتل را به عنوان قصاص‌اگر مرتدی مسلمانی را عمداً به قتل برساند ولی آن مسلمان می بکشد و حق ولی در کشتن او به عنوان قصاص مقدم است بر حق حاکم در کشتن او به عنوان ارتداد بله اگر ولی او قاتل را عفو کند و یا با گرفتن مالی از وی مصالحه نماید آن وقت به علت .شودارتداد کشته می

مسئله ۹

شود یکی شهادت دو نفر شاهد عادل دوم به اقرار خود مرتد وارتداد به دو طریق ثابت می احتیاط آن است که آثار ارتداد را بعد از دو بار اقرار مترتب کنند و ارتداد کسی با شهادت زنان .شودچه به تنهایی و چه به انضمام مرد ثابت نمی

گفتار در وطی حیوانات و میت انسان

مسئله ۱

کند و مقدار تعزیر همدر وطی حیوانات حدی معین نشده و حاکم مرتکب آن را تعزیر می بستگی به نظر حاکم دارد و در تعزیر شرط است که مرتکب در حال ارتکاب بالغ و عاقل و شود و اگر ممیز باشد ومختار باشد و پای اشتباه در بین نباشد بنابراین کودک نابالغ تعزیر نمی کند و نیز دیوانهتأدیب حاکم بر او مؤثر باشد حاکم به هر مقدار که صلاح بداند او را عقوبت می .اگر چنین کند تعزیر ندارد هرچند ادواری باشد

مسئله ۲

شود اول به شهادت دو عادل و در این جرمتحقق چنین جرمی به چند طریق اثبات می شهادت زنان پذیرفته نیست نه به تنهایی نه به انضمام شهادت مردان دوم به اقرار خود مرتکب که .شودام و حیوان هم ملک خود او باشد تعزیر میاگر اقرار کند من چنین کاری را مرتکب شده

مسئله ۳

اگر این عمل به طور مکرر از کسی سر زده باشد و بعد از هر ارتکابی عقوبت ندیده باشد لازم نیست برای هر ارتکاب یک عقوبت ببیند و اما اگر بعد از هر ارتکاب تعزیر شده باشد .احتیاط این است که در نوبت چهارم کشته شود

مسئله ۴

حد زنای با زنی که مرده مانند حد زنا با زنی که زنده است اگر مرد همسر داشته و شرایط احصان را دارا بوده زنای او محصن و حدش سنگسار است و اگر همسر نداشته و به مقدار تفضیل تر است علاوه برتر و زشتخورد چون جنایت در اینجا فاحشکه در حد زنا گذشت تازیانه می شود و مقدار تعزیر بستگی به نظر حاکم دارد هرچند که تعزیر زائد بر حد محلحد تعزیر هم می شود و نه حد و درتأمل است و اگر مردی که زنش فوت کرده مرده را وطی کند تنها تعزیر می لواط با میت همان حدی است که در لواط با زنده است و بیانش گذشت با تشدید در عقوبت او .به تعزیر که در این تشدید هم تأمل است

گفتار در مقدار جزیه

مسئله ۱

در شریعت مقدسه اسلام ضابطه و مقدار معینی مقرر نشده بلکه مقدار آن بستگی به تشخیص کند به همین‌حاکم دارد که از نظر مصالح و روز و مکان و زمان و مقتضیات احوال تفاوت می جهت برای حاکم اسلامی که قومی را به محاصره خود در آورده بهتر آن است که برای جزیه ای معین نکند و اختیار آن را به امام (ع) واگذار نماید که این صغار و ذلت سرکشان‌آنان اندازه .سازداز پذیرفتن حق را بهتر تأمین می

مسئله ۲

تواند جزیه را سرانه قرار دهد و جایز است بر اراضی و یا هم بر سرانه و هم بروالی می اراضی قرار دهد بلکه حتی جایز است جزیه را بر گوسفندان و گاو و شتر و درختان و مستقلات .قرار دهد تا مصلحت چه چیز را اقتضا کند

مسئله ۷

شود و ظاهراً جایز است با اهل ذمه شرط‌جزیه هم مانند زکات و مالیات همه ساله گرفته می اند اگر به خاطر سقوط جزیه مسلمان شده باشد ساقط‌کند که جزیه را باشد و اینکه بعضی گفته .شود ضعیف است‌نمی

مسئله ۹

شود بلکه‌ذمی اگر بعد از تمام شدن سال و قبل از پرداخت جزیه بمیرد جزیه از او ساقط نمی نامه اول سال شرط شده‌گیرد و اگر در وسط سال بمیرد و در صلح‌حاکم آن را از ترکه وی می گیرد و همچنین است اگر زمان پرداخت بین سال تعیین شده باشد و او پس ازباشد از ترکه او می تحقق شرط مرده باشد و اما اگر شرط شده باشد که هر ماه فلان مبلغ بپردازد و او در بین سال گیرند و اگر آخر سال‌بمیرد به هر مقداری که از سال زنده بوده به آن مقدار جزیه از ترکه او می برای پرداخت معین شده باشد به این معنا که او در آخر سال بدهکار شود و او جلوتر از دنیا برود شود و اگر شرط شده باشد که جزیه را از همان اول سال‌حاکم مسلمین چیزی از او طلبکار نمی تواند تا آخر سال پرداخت‌بدهکار باشد ولی آخر سال بپردازد و او در بین سال بمیرد آیا ورثه می شود مسئله مورد تأمل است هرچنددار او فوری می‌را تأخیر بیندازد یا با مردن مورث بدهی مدت .ها بعید نیست‌که فوری شدن آن مانند سایر بدهی

گفتار در شرایط ذمه

شرط اول

ای است که‌ذمی شدن کفار اهل کتاب و برخورد شدنشان از امنیت و آزادی قبول جزیه کنند و آن هم مالیات سرانه است یا جزیه برحاکم مسلمین یعنی امام (ع) یا والی شرط می ها یا بر هر دوزمین

شرط دوم

اینکه کاری که منافات با امنیت است را انجام ندهند مثلاً تصمیم نگیرند که با مسلمانان جنگ کنند و یا مشرکین را در جنگ با مسلمانان کمک کنند

مسئله ۱

شود اهل ذمه از ذمه خارج شوند بلکه شرط اول ازمخالفت با این دو شرط باعث می مقدمات عقد جزیه است که مخالفت با آن کافی است در خروج از ذمه و اما شرط دوم از مقتضیات امان است بنابراین اگر این دو امر شرط نشوند بلکه جز عقد آورده شوند بهتر است.

شرط سوم

اینکه در کشور اسلام تظاهر به منکرات نکنند یعنی اعمالی که از نظر اسلام حرام و ممنوع است نظیر شرب خمر و ...

شرط چهارم

اینکه خود را محکوم به احکام مسلمین بدانند و مانند مسلمین محکوم به ادای حق و ترک حرام و اجرای حدود الهی و امثال آن باشند

مسئله ۲

اگر این دو شرط یعنی شرط سوم و چهارم در ضمن عقد ذمه اشتراط شوند و کفار ذمی ها کنند عقد را نقص نموده و از ذمه مسلمین خارج شدندمخالفت با آن.

شرط پنجم

اینکه مسلمانان را آزار ندهند و از طریق زنا با زنان و لواط با مردان و دزدیدن اموالشان و منزل دادن به جاسوسان خارجی و جاسوسی کردن برای مشرکین مایه دردسر مسلمین نشوند

شرط ششم

های بلند نسازند که اگر مخالفت‌اینکه در بلاد اسلامی کلیسا بنا نکنند و ناقوس نزنند و خانه شوندبا این شرط کنند تعزیر می

مسئله ۳

احتمال دارد که این دو شرط یعنی پنجم و ششم نیز مانند دو شرط سوم و چهارم باشد یعنی ها از ناحیه اهل ذمه عهدشان را نقض بکند چه در ضمن عقد شرط شده باشد و چه‌مخالفت آن عقد ذمه از آن ساکت باشد احتمال هم دارد که در صورت اشتراط چنین باشد بعضی از فقها احتمال دیگری دادند که اگر این دو شرط پنجم و ششم به نحو تعلیق امان بر آن دو ذکر شده شود لکن شکی نیست که در صورت‌باشد و اما اگر در ضمن عقد شرط شده باشد نقض نمی .باشداشتراط در ضمن عقد نیز مخالفتش ناقض عقد می

مسئله ۴

اگر اهل ذمه در داخل حکومت اسلامی جنایتی مرتکب شود که موجب حد باشد یا مقتضی سازند و اگر به پیامبر اسلام (ص) و به احتمالی غیر بعید فاطمه زهراتعزیر همان را بر او جاری می ها چنین کند حکمش قتل است و اگرشوند همچنان که اگر غیر آن(س) ناسزا بگویند کشته می شود و اگر اجتناب از ناسزا گویی‌آمیز است تعزیر می‌چیزی بگوید که کمتر از ناسزا ولی توهین یا توهین به مقدسات اسلام در عقد جزیه شرط شده باشد و اهل ذمه مرتکب آن بشود به قول بعضی از فقها عقد نامبرده نقض شده است و اگر امان متعلق به این اجتناب شده باشد مخالفتش .کند نه تنها امان رابنا بر اقوی نیز عقد را نقض می

مسئله ۶

هر چیزی که امتناع اهل ذمه از عمل به آن موجب خروج از ذمه به طور مطلق است چه شرط کند چه اینکه آن شرط و آن مقتضی‌شده باشد و چه نه و نیز مخالفت با آن عقد ذمه را نقض می در متن عقد ذمه آمده باشد و چه نیامده باشد اگر اهل ذمه این عصر نسبت به عمل به آن امتناع شود و هرچیز و مقتضایی که گفتیم‌بورزند یا مخالفت کنند از ذمه خارج گشته کافر حربی می امتناع و مخالفت با آن به طور مطلق ناقض نیست بلکه وقتی ناقض است که آن شرط در متن عقد شرط شده باشد امتناع و مخالفت اهل ذمه این اعصار نسبت به آن شرط مشکل است باعث شود که وی از ذمه خارج گشته کافر حربی شود و اگر فرقی بین شرایط و مقتضیات ذمه نگذاریم و اند چه در عقد ذکر بشود و چه نشود در این صورت یهودها از شرایط ذمه‌بگوییم تمامی آن .شودها مخالفت کند از ذمه خارج گشته و کافر حربی می‌نصرانی که با یکی از آن

مسئله ۷

بندد تمامی‌برای حاکم مسلمین سزاوار است که وقتی بین خود و اهل کتاب عهد ذمه می برند تا در ضمن‌آنچه که مایه رفعت مسلمین و عزت آنان و مسلمانان از آن قید و شرط سود می

شود اهل کتاب به اسلام در آیند حال چه از رغبت‌عقد شرط کند اگر شرطی باشد که باعث می ها این است که محکومشان‌و چه از ترس آن شرط را در ضمن عقد اشتراط کنند که یکی از آن گذاری خود ازکند به اینکه از نظر لباس و موی سر و صورت و سوار بر مرکب شدن و نام .مسلمانان متمایز کنند

مسئله ۸

اگر قومی از اهل کتاب در سرزمین اسلام عهدنامه را پاره کردند یعنی مواردی و شروطی از کند بر حاکم مسلمین است که‌ها عهد را نقض می‌آن را زیر پا گذاشتند که گفتیم مخالفت با آن آنان را به مأمن آنان برگرداند حال آیا این اختیار را هم دارد که آیا همه را به قتل برساند و یا الظاهر چنین اختیاری دارد اما مسئله بدون‌همه را به بردگی بگیرد و یا از هرکس فدیه بگیرد علی اشکال نیست در صورتی که آنان را به مأمن خودشان برگردانید آیا لازم است اموالی که از آنان در امان مسلمین است به همان مأمن برده و تحویلشان دهد یا نه و آیا بعد از زیر پا نهادن عهدنامه .ماند اشبه این است که اموالشان در امان است‌حرمتی برای اموالشان باقی نمی

مسئله ۹

بعد از اینکه عهدنامه به دست اهل ذمه نقض شد و یا ذمی و یا برده باشد و یا ذمی و یا برده آیدمسلمان شد و یا قیمت خود را پرداخت و آزاد شد اگر مسلمان شود آیا از بردگی بیرون می گیرد یا نه جواب این است که اسلام او آثار نقض عهدنامه رااش را پس می‌و اگر فدیه داده فدیه اش رفته‌برد و در نتیجه اگر برده شد همچنان برده باقی است و اگر فدیه داد از کیسه‌از بین نمی است و اما اگر قبل از برده شدن یا خود را خریدن یا کشته شدن مسلمان شود همه آثار نقض رود مگر دیونی که داشته و قصاصی که به‌ها از بین می‌ها که گفتیم و چه غیر آن‌عهد چه آن خاطر جنایتی که مرتکب شده بر گردن داشته است که مسلمان شدنش این حقوق را از بین گیرند و اما حدود الهی‌برد و اگر اموالی از مردم نزد او باشد مثلاً غصب کرده باشد از او می‌نمی اند علمای‌که در حال ذمی بودنش موجب آن را مرتکب شده است مرحوم شیخ طوسی فرموده .کنداند که اسلام ذمی حد را از او ساقط نمی‌ما روایت کرده

مسئله ۱۰

اند اگر ذمی ابتداسلام کردن ابتدائی به اهل ذمه کراهت دارد و بعضی فتوا به حرمت آن داده تر از سلام او بدهند مثلاً اگر او گفته است:به سلام کند سزاوار آن است که جوابش را کوتاه الظاهر تمام آوردن جواب‌سلام علیك مسلمان در پاسخش اکتفا کند به گفتن علیك و علی سلام او کراهت دارد و اگر در موردی مسلمان مضطر باشد به اینکه به ذمی سلام کند و یا جواب

... سلام او را کراهت دارد

ها گفتار در احکام ساختمان

مسئله ۱

اند جایز نیست در شهرها قرا و قصبات برای اهل کتاب و کسانی که در حکم اهل کتاب پرستان کده و آتش پرستان بت مسلمین معبد بسازند یهودیان بیعه و مسیحیان کلیسا و صومعه و بت کده و صاحبان مذهب دیگر عبادتگاه خاص خود را بنا کنند و اگر کردند بر والی مسلمین آتش ها را خراب کندواجب است آن.

مسئله ۲

در آنچه گفته شد یعنی جایز نبودن احداث معبد و وجوب خراب کردن آن در صورتی که ساختند فرقی نیست بین شهرها خواه شهری باشد که مسلمین آن را از اول بنا کرده باشند مانند کوفه بصره بغداد و تهران و بسیاری از شهرهای ایران که به دست مسلمانان بنا شده است و یا شهری باشد که به وسیله سپاه اسلام فتح شده باشد مانند بسیاری از شهرهای قدیمی ایران و ترکیه و عراق ...

بر والیان مسلمین هرچند که سلاطین جور باشند واجب است که اهل کتاب را از احداث بینند چه‌اند از بین ببرند مخصوصاً معابدی که همه می‌بناهای کذایی منع کنند و اگر بنا کرده های اسلامی راه‌ها به درون جامعه‌مفاسد بزرگ سیاسی و دینی و چه خطر عظیمی از داخل آن کشاندیابد و چگونه جوانان مسلمان را به سوی فساد می‌می.

مسئله ۷

ای در قسمت پایین زمین بنا کند آیا جایز است برای‌در زمینی سراشیب اگر مسلمان خانه تر بنا کند یا به خاطر بلندی زمین جایزای به ارتفاع خانه مسلمین یا کوتاه‌ذمی در بالای زمین خانه نیست دو وجه است و بعید نیست که بگوییم جایز نیست چون به هر حال خانه ذمی بلندتر ئ شودتر از خانه مسلمان می‌نمایان ...

مسئله ۸

الظاهر عدم جواز بلند کردن ذمی خانه خود را از خانه مسلمانان یکی از احکام اسلام‌علی است نه از حقوق مسلمانان بنابراین رضایت مسلمانان در این حکم هیچ دخالتی ندارد پس اگر اش را بلند بسازد جایز نیست چنین کندمسلمانان اطراف ذمی هم رضایت دهند که او خانه ...

مسئله ۹

داخل شدن کفار در مسجدالحرام بدون اشکال جایز نیست چه اینکه کافر ذمی باشد یا غیر ذمی و همچنین است سایر مساجد البته در صورتی ه داخل شدن کفار در آن هتک حرمت باشد جایز نیست.

مسئله ۱۱

بنابر قول مشهور برای کفار جایز نیست سرزمین حجاز را وطن خود قرار دهند و شیخ الطایفه ادعای اجماع بر آن را کرد و روایتی هم از شیعه و سونی بر طبق آن وارد شده است و عمل کردن به این حکم اشکالی ندارد اما اینکه حجاز کجاست حجاز همین سرزمین است که فعلاً به شود و اختصاص به مکه و مدینه ندارد و اقوی این است که عبور کفار از این‌این نامیده می سرزمین و خرید جایز است.

کتاب قصاص

قسم اول در قصاص جان

گفتار در مورد قصاص

توضیح

مسئله ۱۱

اگر کسی را به دریا و یا نظیر آن بیندازد و او از بیرون آمدن عاجز شود تا بمیرد و یا همین شود و اگر خودش‌شخص نگذارد بیرون آید تا در آب غرق شود و بمیرد به این جرم کشته می عمداً بیرون نیاید و یا حاکم علت بیرون نیامدن او را به دست نیاورد حکمش همان است که در مسئله قبل بیان شد ...

مسئله ۱۵

اگر جنایتی عمدی بر کسی وارد کند و در اثر سرایت و گسترده شدن زخم او را هلاک کند دو صورت دارد اگر آن جنایت جنایتی است که غالباً در بیشتر موارد باعث سرایت و قتل شود جنایت او عمدی است و اما اگر غالباً سبب گسترش زخم نگشته و غالباً کسی با چنین‌می شود و جانی هم قسط قتل او را نداشته است قتلش شبهه عمد است و باید دیه‌زخمی کشته نمی بپردازد.

مسئله ۲۰

خانه بریزداگر مهمان یا کسی که از بیرون داخل خانه کسی آمده زهری را در طعام صاحب خبر است آن طعام را بخورد و بمیرد جانی به قسط قتل او چنین‌خانه که از ماجرا بی‌و صاحب شود و اما اگر به قسط کشتن سگ او مثلاً چنین کرده باشد ولی‌کرده باشد قصاص می خانه آن را خورد قصاص ندارد بلکه ظاهر این است که دیه هم نداشته باشد و اما اگرصاحب الظاهر قصاص خواهد شددانسته که صاحب منزل از آن خواهد خورد علی‌جانی می.

مسئله ۲۶

ای هل دهد و درنده او را گاز بگیرد گازی که کشنده نباشداگر کسی را به طرف درنده لکن زخم او سرایت کند و او را بکشد این قتل عمدی است و قصاص دارد.

مسئله ۳۰

ای هم او را بگزد و این دو زخم سرایت کند و او را بکشداگر کسی را زخمی کند و درنده شود و اگر ولی مقتول از او قصاص گرفت و او را کشت باید نصف دیه او را به‌قصاص می اش بپردازدورثه.

مسئله ۳۳

اگر شخصی را محکم نگه دارد و شخص دیگری او را به قتل برساند و شخص ثالثی برای شود و کسی که مقتول رافراغت آن دو در کار قتل برای آنان دیدبانی کند قاتل قصاص می کرده میلی درشود و آن شخص ثالث که برای آن دو دیدبانی می‌محکم نگه داشته حبس ابد می کشندآتش سرخ شده و نظیر آن را به چشمانش می.

مسئله ۳۹

اگر دو نفر در محکمه شهادت به ارتکاب جرمی دهند که حد آن کشتن مجرم است مثلاً شهادت دهند بر اینکه فلانی مرتد شده است یا چهار نفر شهادت بدهند به اینکه با داشتن همسر زنا کرده است که حکمش سنگسار است و پس از اجرای حکم ثابت شود که شهادتشان دروغ بوده و بنابر حق حد بر او جاری شده است و یا بنابر حق قصاص شد در این صورت نه حاکم ضامن خون اوست و نه کسی که فرمان حاکم را اجرا کرد بلکه قصاص بر آن دو شاهد است که بهای بیش از یک نفر را که دراگر ورثه مقتول هر دو یا چهارنفر را قصاص کنند باید خون ارتداد یک نفر و در زنای محصنه سه نفر است به ورثه آنان بپردازد.

مسئله ۴۰

اگر بر کسی جنایتی وارد آورد که او را مردنی و حکم مذبوح قرار دهد یعنی حیات

مستقری در او نماند آنگاه دیگری سر او را از بدنش جدا کند قاتل عمدی شخص اول است که باید قصاص شود و دومی باید دیه جنایت بر میت را بپردازد و اگر بعد از جنایت اولی حیات مستقر او باقی باشد آنگاه دیگری مجروح را ذبح کند یعنی سر از بدنش جدا کند دومی قصاص شود یا ارش جنایت‌شود و اولی محکوم به حکم جراحت وارد کردن است که یا قصاص می‌می .گیرندرا از او می

مسئله ۴۴

شوند به این معنا که‌ها قصاص می‌اگر دو نفر یا بیشتر در کشتن کسی شریک باشند همه آن های مقتول‌تواند همه را بکشد چیزی که هست اینکه زائد بر خون‌اگر صاحب خون بخواهد می پردازد تا بین خود تقسیم کنند مثلاً اگر شریک جرم دو نفر باشند و ولی دم هر دورا به آنان می پردازد آنگاه او رارا قصاص کند و به قتل برساند به هر یک از آن دو نصف دیه قتل را می ...کشندمی

مسئله ۴۶

اگر جماعتی و یا مثلاً دو نفر شریک جنایتی عضوی بر کسی وارد آوردند مثلاً دست او را شدند به این بیان که‌شوند همچنان که در قتل قصاص می‌قطع کنند در همان عضو قصاص می تواند منتها اول باید دیه یک دست را به‌اگر صاحب دست بریده بخواهد دست هر دو را قطع می آن دو بدهد تا بین خود تقسیم کنند آنگاه دستشان را قطع کند و اگر خواست دست یکی را قطع .پردازدچهارم دیه کامل را به آنکه دستش قطع شد می‌کند و دیگری که دستش قطع نشد یک

مسئله ۴۸

شوند و چیزی هم‌اگر دو نفر زن در کشتن مردی شرکت جویند هر دو در قصاص کشته می بهای یک نفر مرد و امابهای دو نفر زن برابر است با خون‌کنند زیرا خون‌به عنوان رد دریافت نمی بهای بیشتر از دو نفر را به‌تواند همه را به قتل برساند و خون‌دم می‌اگر بیشتر از دو نفر باشند ولی دهند تا بین خود تقسیم کنند آنگاه کشته شوند پس اگر شرکای جرم سه نفر زن باشند وها می‌آن دهد تا به‌صاحب خون بخواهد هر سه را به قتل برساند خون بهای یک زن را به آن سه زن می طور مساوی بین خود تقسیم کنند و اگر چهار نفر باشند و بخواهد هر چهار زن را قصاص کند کند به همین شکل صور دیگردهد آنگاه قصاص می‌بهای دو زن را به آن چهار زن می‌خون ...شودحساب می

گفتار در شرایط معتبره در قصاص

علیه از نظر آزادی و بردگی مساوی‌و آن چند شرط است شرط اول اینکه جانی و مجنی رسد که‌باشند یا هر دو آزاد و یا هر دو برده باشند پس وقتی قاتل آزاد در قصاص به قتل می مقتولش نیز آزاد باشد چه مرد و چه زن اگر قاتل مرد و مقتول زن باشد و ورثه زن بخواهند قاتل را قصاص کنند باید نصف دیه مرد را به او بدهند و همچنین وقتی زن آزادی که مرتکب قتل شد شود که مقتولش یا مرد یا زن لکن در اینجا اگر مقتول مرد آزاد بود و ورثه او بخواهندکشته می بهای‌توانند از ولی آن زن یا اموال بجا مانده از او تفاوت خون‌از زن قصاص بگیرند دیگر نمی .بهای قاتل او را بگیرندمقتولشان یا خون

علیه از نظر دین مساوی باشند و یا هر دو کافر یا هر دو مسلمان‌شرط دوم اینکه جانی و مجنی شود پس اگر مسلمانی‌علیه غیر مسلمان باشد قصاص نمی‌باشند و اما اگر جانی مسلمان و مجنی شود مگر اینکه به کشتن کفار عادت کرده باشدیک غیر مسلمان را بکشد قصاص نمی

مسئله ۱

در بین اصناف کفار فرقی نیست در اینکه کافر ذمی باشد یا کافر حربی و یا کافری که از ها و اگر مسلمانی کافری را که خونش محترم باشد ماندحاکم مسلمین امن گرفته و یا غیر این گیرندبها از او می‌شود به خاطر جنایتش و هم خون‌پیمان بکشد هم تعزیر می‌کافر ذمی و کافر هم .دهندو به ذمی می

مسئله ۲

اگر مسلمانی به کشتن اهل ذمه عادت کرده باشد قصاص گرفتن از او جایز است چیزی که شود بعضی خواستند بگویند این کشتن مسلمان به خاطربها از ذمی گرفته می‌هست تفاوت خون .کفار قصاص نیست بلکه حد الهی است لکن این شخص ضعیفی است

مسئله ۳

شود لکن اگر مقتول زن و قاتل مرد باشد قبل‌ذمی به خاطر کشتن مرد یا زنی ذمی کشته می بها را به او بدهند و همچنین ذمیه به خاطر کشتن مرد یا زنی ذمی‌از قصاص باید تفاوت خون طور که در مسلمان چنین است یعنی‌گیرند همان‌بها را از او نمی‌شود لکن تفاوت خون‌کشته می بهای مرد با زن را از اوکشند و تفاوت خون‌اگر زنی مردی را کشت در قصاص تنها او را می گیرند حال چه اینکه قاتل و مقتول هر دو پیرو یک دین باشند یا مثلاً یکی یهودی و دیگری‌نمی .مسیحی باشد

مسئله ۴

اگر ذمی مسلمانی را عمداً به قتل برساند آن ذمی و همه اموالش را به اولیای مقتول منتقل ها به اولیای مقتول ازشود و نیز فرقی بین عین و دین منقول و غیرمنقول نیست همه آن‌می بهای او باشد یا بیشتر از آن‌بهای کافر است یا بیشتر و یا کمتر و یا اینکه برابر با خون‌خون.

مسئله ۵

توانند قاتل را برده خود کنند تنها شامل خود قاتل است نه‌اینکه گفتیم اولیای مقتول می شوندفرزندان او پس فرزندان قاتل آزادند و به خاطر قتل پدرشان برده اولیای مقتول نمی.

مسئله ۶

توانند اواگر کافری کافر دیگر را به قتل برساند و سپس مسلمان شود دیگر ورثه مقتول نمی ها کافرند و او مسلمان بلکه بر عهده قاتل است که اگر مقتول دیه داردرا به قتل برسانند چون آن دیه او را بپردازد.

مسئله ۷

شود البته این در صورتی است که قبل از کشته‌ای را به قتل برساند قصاص می‌زاده‌اگر حلال شدن و بعد از رسیدن به حد تمییز هرچند بالغ نشده باشد متصل به اسلام باشد و اما قبل از بلوغ و قبل از رسیدنش به حد تمییز و یا بعد از تمییز و قبل از اسلام آوردنش مسئله که آیا قصاص کشته شود یا نه محل اشکال است‌می.

چند فرع از لواحق این باب

فرع اول

اگر مسلمانی عمداً دست کافری ذمی را قطع کند و آن کافر مسلمان شود و سپس زخم تواند مسلمان را به قصاص بکشد و نه دست اودستش سرایت نموده او را بکشد با این حال نمی را قطع بکند بلکه مسلمان تنها باشد دیه قتل او را بدهد.

فرع دوم

اگر مسلمان دست کافر حربی یا دست مرتدی را قطع کند و او پس از قطع دستش مسلمان اند به اعتبارشود و نه دیه بدهکار است و بعضی از فقها فرموده‌شود جانی بنابر اقوی نه قصاص می آخرین حالتش که اسلام است جانی او باید دیه را بپردازد.

فرع سوم

شود و اما اگر بعد از کشتن ذمی‌اگر مرتدی کافر ذمی را به قتل برساند به قصاص کشته می

شود و باید دیه ذمی را بدهد و اگر عکس این شد یعنی کافر ذمی‌به اسلام برگردد قصاص نمی شود ولی اگر مسلمانی او را بکشد قصاص‌مرتدی را کشت هرچند که فطری باشد قصاص می ندارد.

فرع چهارم

دم کسی دیگر او رادر موردی که قصاص قائل مسلمان واجب شده است اگر غیر از ولی شود مثلاً قاتل پسری را کشته پدر او هنوزقصاص کند و به قتل برساند خود او نیز قصاص می شود و اما اگرقصاص نکرده برادرش قاتل را بکشد که در این صورت برادر مقتول قصاص می کشتن کسی به غیر قصاص واجب شود مثلاً زنای محصنه یا لواط کرده باشد که باید امام (ع) .اند قصاص و دیه نداردحد را بر او جاری سازد اگر کسی دیگر او را بکشد بعضی از فقها فرموده

برای قصاص در میان نبودن پدر فرزندی است بنابراین هیچ پدری به جرم کشتن فرزندش .الظاهر پدر پدر و جد پدر نیز مانند پدر است‌شود و علی‌قصاص نمی

گفتار در کیفیت استیفا

مسئله ۷

دم چند نفر باشد اقوی آن است که گرفتن حقشان بدون اجتماع همه و نیز بدون اذناگر ولی والی جایز نیست و منظور از اجتماع همه این نیست که همگی او را بزنند بلکه منظور این است که همگی یک نفر را وکیل یا مأذون از طرف خود کنند تا او حقشان را از جانی بستاند و از تواند بدون حضور دیگران و اذن آنان به‌بسیاری فقها نقل شده که هر یک از اولیای دم می گرفتن قصاص مبادرت ورزد ولی اگر این کار را کرد ضامن حصه و سهم سایرین که اجازه شود لکن فتوایی که ما دادیم اقوی است بله اگر از پیش خود اقدام کند و استبداد واند می‌نداده خودسری به خرج دهد قصاص ندارد بلکه سهم سایرین که اجازه نداده بودند بر گردن او خواهد .تواند او را تعزیر کندآمد و امام (ع) می

مسئله ۸

اگر اولیای دم در اینکه کدامشان مباشر انتقام گرفتن شود و از سایرین اجازه کشتن جانی را کنند و به فرضی که بین آنان‌بگیرد در بین خود مشاجره کند به حکم قرعه مباشر را معین می خواهد سهم خود را در قرعه حفظ کسی باشد که خودش قادر بر کشتن جانی نیست لکن می کند تا اگر قرعه به نام او در آمد کسی را که قادر بر قتل جانی است وکیل خود بسازد واجب .است نام او را نیز در قرعه بنویسند

مسئله ۱۰

دمی‌شود جایز نیست و ولی‌در قصاص عضو به کار بردن آلت مسموم که باعث سرایت می بیند بنابراین اگرهایی است که جانی ناحیه مسمومیت آلت می‌که آن را به کار برده ضامن آسیب کشد یاخود او یعنی استعمال کننده آن آلت در قصاص بداند که سم آن غالباً مجروح را می قسط کشتن او را دارند هرچند که سمی که در آن آلت به کار برده غالباً کشنده نیست قصاص ...شودمی

مسئله ۱۱

در قصاص به قتل و عضو جایز نیست آن را با آلتی کند که باعث شکنجه و عذاب زائد شود انجام دهد مثلاً گردن او و یا عضو بدن او را با اره قطع کند که اگر چنین کرده هم‌جانی می آید پس جز با شمشیر و امثال آن نبایداش نمی‌شود اما چیزی به عهده‌گناه کرده و هم تعزیر می تر از شمشیر است مثل شلیک کردن‌قصاص کرد و بعید نیست قصاص به وسیله آلتی که آسان گلوله بر مغز جانی و یا به وسیله اتصال به برق جایز باشد و اگر قرار شد با شمشیر قصاص شود باید اکتفا کند بر زدن گردن جانی هرچند که جنایت او با شمشیر صورت نگرفته و مثلاً مقتول را .غرق کرده یا سوزانیده باشد یا سنگ بر او انداخته باشد و مثله کردن او جایز نیست

مسئله ۱۲

المال مسلمین است اما اجرت کسی‌سازد از بیت‌اجرت جلادی که حدود الهی را جاری می دم است و اگر قطع عضو باشد برگیرد اگر کشتن باشد ولی‌دم قصاص می‌که از طرف ولی دم است و اگر قطع عضو باشد بر کسی است‌کسانی است که جانی عضو او را قطع کرد اگر ولی ...که جانی عضو او را قطع کرد

مسئله ۱۳

کند در صورتی که از حد مجاز تعدی نکرده باشد ضامن سرایت‌کسی که قصاص عضو می شود البته اگرزخم جانی نیست بنابراین اگر عمداً تعدی کرده باشد در آن مقدار زائد قصاص می ممکن باشد مثلاً اینکه جانی یک دست او را آخر انگشتان بریده و او در قصاص مقداری بیشتر علیه قطع کند و اما اگر ممکن‌تواند آن مقدار زائد را از دست مجنی‌ببرد که در اینجا جانی می علیه هنگام‌نباشد مثل اینکه جانی یک بیضه کسی را بریده کند تنها یک بیضه دارد و مجنی شود تنهاقصاص هر دو بیضه جانی را قطع کند و اما اگر تجاوزش عمدی نباشد قصاص نمی ... ضامن دیه است

مسئله ۱۴

شود اگر جنایت عضوی‌هایی که اگر کشته شوند برایشان از قاتل قصاص گرفته می‌همه آن هایی که قصاص در نفس ندارندشود و همه آن‌بر آنان وارد شود نیز برایشان قصاص گرفته می شودقصاص در عضو هم ندارند بنابراین اگر پدری دست پسر خود را قطع کند دست او قطع نمی تواند از مسلمان قصاص گرفته دست او راو اگر کافری دستش به وسیله مسلمانی قطع شود نمی قطع کند.

مسئله ۱۶

بها را به وی‌بها را انتخاب کند نه قصاص را و قاتل هم خون‌اگر یکی از اولیا گرفتن خون شود که حق دیگران نسبت به قصاص ساقط شود بلکه دیگران همچنان‌تحویل دهد باعث نمی حق قصاص دارند...

مسئله ۱۷

اگر پدری با شرکت شخصی بیگانه فرزند خود را به قتل برساند و یا مسلمانی با شرکت توانند در فرض اول پدر را و درکافری ذمی کافر ذمی دیگر را به قتل برساند اولیای مقتول نمی توانند قصاص کنند البته بعد ازفرض دوم مسلمان را به قتل برسانند لکن شریک آن دو را می ... آنکه نصف پول خون او را به او داده باشند

مسئله ۲۴

اگر جانی دست کسی را قطع کند و شخصی را هم به قتل برساند در قصاص اول دست او ... شود حال چه اینکه قتل اول واقف شده باشد یا قطع دست‌شود و سپس کشته می‌قطع می

قسم دوم قصاص به کمتر از قتل

مسئله ۶

در محل قصاص نیز تساوی معتبر است به این معنی که اگر جانی دست راست کسی را قطع شود البته اگر دست راست داشته باشد وگرنه دست چپش راکرد دست راست خودش قطع می کنند و اما اگر جانی اصلاً دست نداشته باشد طبق روایتی که مورد عمل اصحاب واقع‌قطع می ... شودشده پای او قطع می

مسئله ۷

اگر یک نفر دست چند نفر را یکی پس از دیگری قطع کند هر دو دست و هر دوپایش قطع

شود اولی به قصاص شخص اول دومی به قصاص شخص دوم و بعد از قطع این چهار عضومی دست و پایی دستاگر افراد دیگری بدون قصاص ماندند باید جانی به آنان دیه بپردازد و اگر بی ...یا پای کسی را قطع کند او نیز باید دیه بپردازد

مسئله ۱۱

زمانی که بخواهند از جانی قصاص بگیرند اگر عضوی باشد که موی آن مانع از سهولت قصاص باشد و یا نگذارد قصاص را به اندازه جنایت و بدون کم و زیاد جاری سازند باید قبلاً موی آن عضو را بتراشند و جانی را به چوبی یا چیزی نظیر آن طناب ببندند تا نتواند خود را تکان کنند و همان اندازه رابدهد و در نتیجه قصاص درست انجام شود آنگاه اندازه جنایت را معین می گذارند آنگاه با کارد یا هر آلت برنده از ابتدای علامت تا به آخردر بدن جانی با خط نشان می شکافند اگر جنایتی که او وارد آورده پهنا هم دارد هنگام قصاص آن پهنا نیز در نظر گرفتهرا می توانند در چند نوبتعلیه از جانی در یک نوبت دشوار باشد می‌شود اگر استیفا حق مجنی‌می علیه راضی نباشد باز هم جایز است یا نه محل تأملقصاص بگیرند آیا این کار با اینکه مجنی .است

مسئله ۱۲

علیه شود چیزیاگر هنگام قصاص جانی اضطراب کند و در نتیجه زخم زیادتر از زخم مجنی آید اما اگر بدون اضطراب او زخم او بیشتر شود و آن زیادی مستند بهعلیه نمی‌به عهده مجنی شود و اگرخود جانی نباشد در صورتی که قصاص عمداً زیادتر زخم کرده خود او قصاص می ... عمداً نباشد باید ارش جنایت بدهد

مسئله ۱۴

واجب است قصاص با آلتی آهنی و تیز و غیر مسموم صورت گیرد و جایز نیست آن را با آلتی کند قصاص کنند ون نیز آلت مناسب با قصاص چنین عضوی بوده باشد و نیز جانی را بیشتر علیه را شکنجه کرده شکنجه نکنند اگر او چشم وی را با آلتی درآورنداز آن مقدار که او مجنی تر باشد و یا جانی با دست در آورده‌که بیشتر عذاب ببیند و اگر در آوردن چشم او با دست آسان ...باشد جایز است آن را با دست درآورند

مسئله ۱۶

تواند همین معامله را باعلیه می‌اگر جانی همه پوست و گوشت سر کسی را کنده باشد مجنی ... جانی بکند به شرطی که مساحت هر دو یکسان باشد

مسئله ۱۸

در گوش قصاص هست که گوش سمت راست در قصاص از گوش سمت راست و سمت ... شودچپی در قصاص گوش سمت چپ قصاص می

مسئله ۲۱

علیه از نظر سلامت و دید ودر چشم نیز قصاص هست البته به شرطی که چشم جانی و مجنی آورندمحل مساوی باشند پس اگر چشم چپ کسی را در آورده باشند چشم راست او را در نمی شود هر چند که بر اثرهمچنین به عکس و اگر جانی یک چشمش دید نداشت از او قصاص می ... کندعلیه چیزی به او رد نمی‌قصاص کور شود زیرا حق او را کور کرده و مجنی

مسئله ۲۲

کسی که دو چشم سالم دارد اگر یک چشم اعور یعنی یک چشم کور را از کسی در آورد ... آورندو قهری او را به کلی کور کند یک چشم او به قصاص در می

مسئله ۲۵

شود یعنی‌چشم سالم در مقابل چشم عمشاء و حولاء و خفشاء و جهراء و عشیاء قصاص می ها معیوب است در آورد چشم سالمش را دراگر جانی چشم کسی را که به یکی از این عیب .آورندمی

مسئله ۲۷

قصاص در پلک چشم ثابت است با رعایت تساوی در محل یعنی اگر جانی پلک سمت شود و اگر پلک بالا بوده و اگر پایین‌چپ کسی را دریده باشد از او نیز سمت چپش دریده می ... بوده پایین

مسئله ۲۸

شود دردر بینی نیز قصاص هست و به خاطر بریدن بینی دارای شامه بنی فاقد آن بریده می گردد به شرطی که جذام چیزی از بینی مجذوم را قبلاًمقابل بین جذامی بینی سالم قطع می شود و نیز شخصی میان شخص کبیر ونخورده باشد و الا به آن مقدار از بینی سالم کمتر قطع می ... صغیر و بینی که وسط آن خوابیده و

مسئله ۳۰

شود لب بالای او با لب بالای‌علیه با لب جانی قصاص می‌با رعایت تساوی محل لب مجنی

... این و لب پایینش با لب پایین جانی و در این لب فرقی بین لب گشاد و لب تنگ نیست

مسئله ۳۱

قصاص در زبان جاری است و هم در تمامی آن و هم در قسمتی از آن البته با رعایت تساوی در نطق وی پس اگر زبان اخرس لال به دست جانی قطع شود زبان گویای جانی در قصاص قطع ... شودشود ولی اگر اخرسی زبان گویا کی را و یا زبان اخرسی را قطع کند زبان او قطع می‌نمی

مسئله ۳۸

در بریدن آلت رجولیت قصاص هست و در این قصاص فرقی بین صغیر حتی شیرخوار و آید یا اخته‌کبیر حتی پیرمرد از کار افتاده نیست همچنان که فرقی نیست بین آلتی که به کار می حس شده باشد به خاطر بریدن آن آلت سالم جانی بریده‌شده و اما اگر به علتی لمس و بی ... شودنمی

مسئله ۳۹

در دو بیضه مردان قصاص هست و همچنین در یکی از آن دو با رعایت تساوی در سمت ... شودیعنی سمت راست قصاص می

مسئله ۴۰

اند از دو قطعه گوشتی که بر فرج زنان‌در دو شفره زنان قصاص هست و دو شفره عبارت ها بر دهان احاطه دارد و قصاص بر یکی از آن نیز هست و در این‌چنان که لب‌محیط است آن قصاص فرقی بین شفره باکره و غیر باکره نیست همچنان که از دختر صغیره و کبیره و صحیح و سالم و آنکه در فرج خود استخوانی دارد و یا مجرای فرجش یا به استخوان و یا گوشت زیادی و ... یا ورم بسته است و آنکه ختنه شده و آنکه نشده

مسئله ۴۱

شوداگر دختر بکر از دختر بکری دیگر بکارت را زایل کند ظاهر این است که قصاص می اند جانی باید دیه بپردازد و این قول در مواردی که رعایت تساوی در جنایت وولی بعضی گفته شود و پای دادن دیه به میان‌قصاص ممکن نباشد قولی است موجه و همچنین قصاص برداشته می .آید و در هر موردی که تساوی و همانندی ممکن نباشدمی

کتاب دیات

گفتار در مقادیر دیات

مسئله ۱

در قتل عمدی که پرداخت دیه معین باشد یا طرفین به پرداخت آن مصالحه کرده باشند و چه علیه شرعاً مخیر بین آن و بین قصاص باشد عبارت است ازشرعاً هم معین شده باشد و چه مجنی صد شتر یا دویست رأس گاو و یا هزار رأس گوسفند و یا دویست حله یعنی دویست دست لباس هزار درهم نقره‌و یا هزار دینار طلا و یا ده

مسئله ۲۰

ساله است فرقی نیست بین دیه‌ساله و دوساله و سه‌بها در بعضی جنایات یک‌اینکه گفتیم خون تمام مانند قتل یک مرد مسلمان آزاد یا دیه ناقص چون دیه قتل زن و یا مرد ذمی و یا جنین و یا ... دیه اعضا

مسئله ۲۵

اگر کسی در خارج حرم مرتکب قتل شود و آنگاه به حرم پناهنده شود در حرم از او قصاص دهند تا مجبور شود از حرم بیرون‌شود لکن او را در خوراک و آب در تنگنا قرار می‌گرفته نمی شودشود و اگر در حرم مرتکب جنایت شود در همان حرم قصاص می‌شود آن وقت قصاص می .اندفقها مشاهده مشرفه را ملحق به حرم کعبه دانسته

مسئله ۲۷

این در دیه قتل است که گفتیم دیه زن نصف دیه مرد است و اما در جنایات کمتر از قتل سوم دیه مرد نرسیده با هم برابرند همین که به ثلث‌یعنی جنایت بر عضو تا زمانی که دیه به یک ...شودخون رسید دیه زن نصف دیه مرد می

مسئله ۳۰

کند و به شرایط حکومتش‌دیه کافر ذمی یعنی اهل کتابی که در سرزمین اسلام زندگی می صد درهم است وکند اگر آزاد و مرد باشد چه یهود و چه نصرانی و چه مجوس هشت‌عمل می الظاهر دیه اعضای زن‌اگر آزاد و زن باشد نصف آن یعنی چهارصد درهم است همچنان که علی بهایشان نرسیده یکسان است همین‌و مرد آنان مانند دیه زن و مرد مسلمان مادامی که به ثلث خون شود بلکه بعید نیست در هر موردی که مسلمانان درکه به ثلث برسد دیه زن نصف دیه مرد می شوند و آنان نیز در آن گونه مواردگیری می‌جنایتی که مرتکب شوند محکوم به تغلیظ و سخت .تغلیظ بشوند

مسئله ۳۱

بها و دیه ندارد چه‌کفاری که در ذمه مسلمانان نیستند خونشان و اعضا و جراحاتشان خون ای داشته باشند یا نه و چه اینکه دعوت از اسلام به آنان ابلاغ شده باشد واینکه با مسلمین معاهده یا نه بلکه ظاهر این است که اهل ذمه هم اگر از ذمه اسلام خارج شود یا از دین خودش به سوی دین دیگری که در آن نیز دین ذمی است مرتد شود آیا دیه دارد یا نه محل اشکال است هرچند .که بعید نیست داشته باشد

گفتار در جنایت بر عضو

مقصد اول در دیه اعضا

مسئله ۱

دیه موی سر مرد چه صغیر باشد چه کبیر چه پرپشت باشد و چه تنک دیه کامل است البته این در جنایتی است که باعث شود موی سر او دیگر نروید مثلاً اینکه آب جوش بر سر کسی چنان که موی آن بریزد و دیگر نروید یا به غیر آب جوشکاری کند که سر او بدون‌بریزد آن موی شود و همچنین است موی صورت که اگر آن را طوری بتراشد و یا ریشه کن کند که دیگر ...نروید باید دیه کامل بپردازد

پانزدهم در دیه آلت مردی است

مسئله ۱

بها است هرچند به کلی و از بیخ قطع شود در صورتی که بادر قطع حشفه و بیشتر از آن خون یک جنایت قطع شده باشد و در این جنایت فرقی نیست بین پسربچه و جوان و کسی که پیر و های او را در آورده باشند و یااخته خلق شده است و یا او را اخته کرده باشند چه اینکه تخم .کوبیده باشند به شرطی که قطع آلت باعث فلج او نشده باشد

شانزدهم در دیه دو خصیه است

مسئله ۱

بها است وبهای کامل است حال آیا در هر یک از آن دو نصف خون‌دیه هر دو خصیه خون یا دیه خصیه سمت چپ دو ثلث آن و در سمت آن یک ثلث آن است دو احتمال است که تر آن است که بگوییم اگر کندن آن دو در دوتر احتمال دوم است و به احتیاط نزدیک‌وجهی .بها استنوبت واقع شده باشد در قسمت چپ دو ثلث و در سمت راست نصف خون

مسئله ۳

ها شود چهارصد دینار است و اگر بادها یعنی جنایتی که باعث ورم آن‌در اماس خصیه صداش هشت‌ها زیاد شود که مانع راه رفتن شود البته راه رفتن نافع و به درد خورد دیه‌کردن آن بها است‌شود که چهارپنجم خون‌دینار می.

خاتمه و در آن چند فرع است

فرع چهارم

طوری که بول و یا غائطی از آن بیرون شود پس شکم‌لگدمال کردن شکم کسی است به گیرند و ظاهراًکنند تا او نیز محدث شود و یا ثلث دیه را از او می‌طور لگد می‌جانی را همان اش حکومت‌منظور از حدث همان بول و غائط است نه باد و اگر تنها باد از او خارج شوند دیه است.

گفتار در لواحق

و آن چند امر است اول در جنین است جنین اگر روح در او دمیده شده باشد و در اثر جنایت بهای کامل است یعنی هزار دینار البته به شرطی که به خاطر مسلمان بودن‌اش خون‌سقط شود دیه پدر و مادرش محکوم به اسلام باشد و نیز فرزند برده نباشد و پسر بوده باشد چون اگر دختر باشد ... بهایش نصف هزار دینار است‌خون

مسئله ۱

اگر جنین سقط شده ذمی باشد یعنی پدر و مادرش یهود یا نصرانی در ذمه اسلام باشند آیا دهم دیه مادر او مسئله محل تردد است هرچند که اولی‌دیه او یک دهم دیه پدر اوست و یا یک تراقرب

تشریح و پیوند

مسئله ۱

تشریح و کالبد شکافی میت مسلمان جایز نیست و اگر کسی میتی را تشریح کند اگر سر او ای را که ما در کتاب دیات بیان‌را از تنش جدا کند و یا اعضای بدنش را قطع نماید باید دیه کردیم بپردازد و اما کالبد شکافی میت غیر مسلمان جایز است چه ذمی و چه غیر ذمی در این ای‌عمل نه گناهی است و نه دیه

حدود و قصاص و دیات

مؤلف: محمدباقر بن مجلسی

تحقیق و بررسی: علی فاضل

نشر آثار اسلامی

باب اول: در بیان حدود زنا و لواط و مساحقه

فصل اول در بیان حد زنا

گاهزنا آن است که مردی ذکر خود را در فرج زنی از پیش یا پس فرو برد به قدری که ختنه پنهان شود و آن زن بر او حرام باشد عقدی و شبه عقدی و ملکیت نباشد و آن چند بحث است.

بحث اول

در بیان شرایط وجوب حد و آن هفت است اول آنکه زنا کننده خواه مرد باشد خواه زن بالغ باشد پس اگر نابالغ باشد او را به چند تازیانه که حاکم شرع مصلحت بداند تعزیر و تأدیب کندمی

دوم آنکه عاقل باشد پس اگر دیوانه باشد بنابر مشهور میان علما بر او حد نیست بلکه او را زنند مانند عاقل و زن‌اند مرد دیوانه را حد می‌کنند مانند طفل و بعضی گفته‌تعزیر و تأدیب می زننددیوانه را حد نمی

سیم آنکه مختار باشد پس اگر کسی زنی را جبر کند بر زنا بر زن حد نیست و در مرد نیز باشد و اگر مرد زن را به اکراه جماع کند حداند در مرد اکراه نمی‌مشهور این است و بعضی گفته دهدزنند مرد را و مهرالمثل آن زن را به او می‌می

چهارم آنکه آن زنی که با او دخول کرده است بر او حرام باشد و آنکه حلیله او نباشد و مالك او نباشد پس اگر در حیض ولی کند یا در روز ماه رمضان اگر چه حرام است ولی زنا کنندنیست و حد ندارد بلکه او را تعزیر می

پنجم آنکه در آن دخول کردن شبهه نباشد بلکه داند که بر او حرام است پس اگر گمان زن خود کرد یا گمان کرد که بر او حلال است بر او حد نیست

ششم آنکه ذکر خود را در فرج زن پنهان کرده باشد خواه در قبل خواه در دبر و آنکه گاه پنهان شده باشد اگر چنین نشده باشد حد زنا نیست‌ختنه

هفتم آنکه شبه مالکیت نباشد پس اگر وطی کند کنیزی را که میان او و دیگری مشترک باشد اگر گمان کند که بر او حلال است حد بر او نیست و اگر داند که حرام است به قدر حصه زنند مثل آنکه نصف از او باشد و نصف از شریک نصف حد که پنجاه تازیانه‌شریک حد می

زنند است بر او می.

بحث دوم

در اقسام حد زنا

قسم اول

کشتن به شمشیر که بر سه کس لازم است

یکی مردی که با زنان محرم نسبی خود زنا کند مانند مادر و خواهر و عمه و خاله و دختر برادر دختر خواهر و بعضی علما محرم های سببی را نیز به این الحاق کرده اند مانند زن پدر و مادرزن و اشکالی دارد و حد ایشان این است که گردن بزنند ایشان را و بعضی علما گفته اند که اگر این مرد محصن بوده و زن داشته و با محرم خود زنا کرده است او را صد تازیانه می زنند و بعد از آن سنگسار می کنند و اگر زن نداشت او را اول صد تازیانه می زنند بعد از آن گردن می زنند و قول اول مشهورتر است و زن نیز اگر راضی بوده و جبری بر او نشده حکم مرد را دارد

دوم کافری که با زن مسلمانی زنا کند او را گردن می زنند

سیم مردی که زنی را اکراه بر زنا کند او را گردن می زنند و بعضی در این دو قسم نیز تفصیل سابق را قائل شده اند.

قسم دوم

سنگسار کردن آن بر مرد جوان و زن جوان لازم است که محصن باشند و محصن مردی است که بالغ و عاقل و آزاد باشد و زنی یا کنیزی داشته باشد که وطی با آن کرده باشد بعد از بلوغ و آزادی و هر صبح و شام قادر بر وطی او باشد پس اگر در سفر باشد و زوجه با او نباشد یا در حذر باشد و محبوس باشد که به زن و کنیز خود نتواند رسید محصن نخواهد بود.

محصن بودن زن نیز چنین است که بالغ و عاقل و آزاد باشد و شوهری داشته باشد که دستش به او رسد و متعه از برای محصن بودن کافی نیست و بعضی کنیز را نیز کافی ندانستند و بعضی در مرد عقل را شرط نکردند و هر دو قول خلاف مشهور است و جمعی از علما را اعتقاد آن است که اگر مرد بالغ محصن زنا کند با دختر نابالغ و یا زن دیوانه او را تازیانه می زنند و سنگسار نمی کنند و همچنین زن محصنه اگر طفلی یا دیوانه با او زنا کند او را سنگسار نمی کنند بلکه تازیانه می زنند و بعضی فرق کرده اند و در طفل تازیانه قائل شده اند و در دیوانه سنگسار و غلام و کنیز خواه محصن باشند و زن یا شوهر داشته باشند و خواه نداشته باشند بر ایشان سنگسار نیست و کیفیت سنگسار آن است که مرد را تا کمر و زن را تا سینه در میان

قدر سنگ بر او بزنند تا بمیرد و اگر به گواه زنای او ثابت شده باشد اول‌خاک پنهان کنند و این گواهان سنگ بزنند پس امام (ع) اگر حاضر باشد پس سائر مردم و اگر به اقرار ثابت شده باشد اند واول امام بزند و باید که جماعتی حاضر کنند و در آن وقت و بعضی همه را سنت دانسته اند که کسی که مستوجب حدی باشد نباید بر او سنگ بزندبعضی گفته.

قسم سیم

آن است که اول تازیانه بزنند و بعد از آن سنگسار کنند و این در مرد پیر و زن پیر است که محصن باشند و زنا کنند که عذر ایشان به اعتبار پیری و انکسار شهوات کمتر است و گناهشان گویند مردی که زن و یاتر و جمع کثیر از علما فرق میان این قسم و قسم سابق نکرده و می‌عظیم کنیز داشته باشد و زنی که شوهر داشته باشد به شرایطی که گذشت خواه پیر و خواه جوان اول او کنندزنند و آخر سنگسار می‌را تازیانه می.

قسم چهارم

آن است که صد تازیانه بزنند و سرش را بتراشند و یک سال او را از شهر خود بیرون کنند اند مردی است که زنی را عقد کرده باشد و هنوز با او دخول نکرده باشد و بعضی‌بعضی گفته اند که بکر غیر محصن است خواه عقد بر زنی کرده باشد و خواه نکرده باشد و در زن سرگفته باشد هر چند عقد بر او شده باشدتراشیدن و از شهر بیرون کردن نمی.

قسم پنجم

صد تازیانه است و آن حد مرد یا زن بالغ آزادی است که زنا کرده باشد و نه عقد کرده باشد و بنا به قول دیگر که مذکور شد فرق میان این قسم و قسم سابق نیست

قسم ششم

پنجاه تازیانه است و آن حد غلام و یا کنیزی است که خواه بنده باشد خواه محصن باشد و خواه غیرمحصن و در بنده سر تراشیدن و از شهر بیرون کردن نیست

قسم هفتم

هفتادوپنج تازیانه است و آن حد غلام و کنیزی است که زنا کرده باشد و نصفش آزاد باشد زنند و نصف حد بنده و اگر بیشترش آزاد باشد به آنو نصفش بنده زیرا که نصف حد آزاد می اش آزادشود و تا همه‌شود و اگر کمترش آزاد باشد به آن نسبت کم می‌نسبت حد آزاد زیاد می تعالی برای مذلت بندگی بر او رحم کرده است و حدش راکنند زیرا حق‌نباشد او را سنگسار نمی سبک گردانیده است.

قسم هشتم

جمع میان حد و تعزیر است و آن در باب کسی است که در زمان شریفی مانند ماه مبارک رمضان روز جمعه و روز عرفه یا مکان شریفی مانند حرم مکه یا حرم مدینه زنا کرده باشد مشهور نمایندآن است که زیاده بر حد به قدری که امام (ع) مصلحت بداند او را تعزیر و تأدیب می

قسم نهم

ای چند به عدد آن‌حکم مرد بیمار یا زن بیماری است که تاب تازیانه نداشته باشند ترکه زنندبار بر بدن او می‌کنند و یک‌ها جمع می‌تازیانه

احکام حد زنا

اول

زنند اگر مرد باشد و مشهور در زن آن است که با جامه تازیانه‌آنکه زانی را برهنه حد می اند برهنه حد بزنند و الا جامه‌اند اگر ایشان را در وقت زنا برهنه یافته‌زنند و بعضی گفته‌می کنند بر جمیع بدنش به غیر از سرپوشیده بر همان حالت که ایشان را یافتند و تازیانه را تفریق می اندزنند و زن را نشسته و بعضی گفته‌زنند و مرد را ایستاده می‌و رو و فرج که بر این اعضا نمی اند میانه نه بسیار سخت و نه بسیار هموارزنند و بعضی گفته‌بسیار سخت می

دوم

هرگاه کسی کاری کند که مستوجب حد گردد و پناه به حرم مکه برد برای حرمت حد گیرند تا مضطر شودزنند او را تا از حرم در بیاید ولیکن در خوردن و آشامیدن بر او تنگ می‌نمی زنند او را و اگر این کار شنیع را در حرم کرده باشد چون حرمت‌به بیرون آمدن پس حد می زنندکنند و در حرم او را حد می‌حرم را نگه نداشته در باب او حرمت حرم را رعایت نمی

سیم هر گاه زنا مکرر واقع شود و یک مرتبه نزد حاکم شرع ثابت شود مشهور میان علما آن زند و اگر بااند اگر زنا با یک زن باشد یک حد می‌زنند و بعضی گفته‌است که یک حد می زنندچندین زن باشد برای هر زنی او را حدی می.

چهارم

زنند تا بزاید و از نفاس بیرون آید و فرزند خود را شیر دهد و اگر کسی‌زن حامله را حد نمی نباشد فرزند او را محافظت کند و شیر دهد بعد از زاییدن در سنگسار و بعد از پاک شدن از نفاس زننددر تازیانه او را حد می.

پنجم

اند یا ثابت شود که‌هر گاه مرد و زنی را در یک لحاف بیابند و ثابت نشود که کاری کرده کنندمیان پای او ملاعبه کرده است و دخول ثابت نشود به کمتر از صد تازیانه او را تعزیر می شیخ طوسی در بعضی از تصانیفش گفته است که هرگاه مردی را با زن بیگانه در زیر یک جامه زنند شیخ مفیدبیابند که دست در گردن او کرده باشد و او را ببوسد صد تازیانه هریک را می گفته که اگر گواهان گواهی دهند که ایشان را در زیر یک جامه یافتند یا بدنشان برهنه ملاصق کند به آنچه مصلحت داند از ده تازیانه تایکدیگر بوده است حاکم شرع ایشان را تعزیر می نودونه

ششم

کشندهرگاه بر آزادی دو مرتبه حد بزنند و در مرتبه سیم آن کار را بکند او را می

نهم

تواند کشت اما اگرکند هر دو را می‌کسی که مردی را در خانه خود ببیند که با زن او زنا می کنند و میان خود و خدا گناه نداردنزد حاکم ثابت کنند او را قصاص می

فصل دوم در حد لواط

اول

ثابت شدن لواطه نیز مانند زنا یا به چهار گواه است یا به چهار مرتبه اقرار و مشهور آن است تواند زدکه حاکم به علم خود حد می

لواط بر دو قسم است

اول

گاه پنهان شود و بعضی‌آنکه مردی ذکر خود را در دبر مردی یا پسری داخل کند که ختنه اند که اگر بعضی از حشفه را داخل کند باز این حکم دارد و حد این قسم کشتن است درگفته فاعل و مفعول و هر دو اگر بالغ و عاقل باشند خواه آزاد باشند خواه برده خواه مسلمان باشند خواه کافر خواه زن داشته باشند خواه نه و اگر کسی عاقل و بالغ باشد و دیگری طفل یا دیوانه اند اگر فاعل دیوانه‌کنند و بعضی گفته‌کشند و طفل را یا دیوانه را تعزیر می‌بالغ و عاقل را می کشند و امام مخیر است در کشتن کسی که لواط کرده میان اینکه او را به‌باشد باز او را می شمشیر گردن بزنند یا به آتش بسوزانند یا به دست و پایش چیزی بسته و از کوهی به زیر اندازند

و یا دیواری را بر او خراب کنند و جایز است که اگر به غیر از آتش او را کشته باشند بعد از کشتن بسوزانند.

دوم

های او یا در پس او بدون آنکه ذکر را داخلآنکه مردی یا پسری ملاعبه کند در میان ران کند در دبر او و مشهور آن است که هر دو اگر بالغ باشند والا هریک را که بالغ باشد صد تازیانه کشند و اول اقوی است و از حضرت صادق‌اند این را نیز مانند قسم اول می‌زنند و بعضی گفته‌می های او داخل کند و هر که در دبر داخل کند(ع) منقول است: که لواط آن است که در میان ران کافر شده است به آنچه که خدا بر محمد (ص) فرستاده است و این را نیز در مرتبه سیم یا چهارم کشندمی

هر گاه دو مرد را برهنه در زیر لحافی یا جامه دیگر بیابند و در میان ایشان قرابتی نباشد هر دو کنند از سی تا صد تازیانه که حاکم شرع مصلحت داندرا تعزیر و تأدیب می

فصل سوم در بیان حد مساحقه

مساحقه این است یعنی ساییدن دو زن فرج خود را به یکدیگر و این فعل حرام است با جماع زنند خواه آزاد باشندو مشهور در حد ایشان آن است که بالا و زیر را هر یک را صد تازیانه می اندشوهر و بعضی گفته‌خواه بنده خواه مسلمان باشند خواه کافر خواه شوهردار باشند خواه بی کنند و اگر محصنه‌اگر محصنه باشد یعنی شوهردار با شرایطی که ذکر شد او را سنگسار می زنند و خالی از قوت نیست و اگر صد تازیانه زنند در مرتبه سیم که دو بارنباشند صد تازیانه می کشندتازیانه زده باشند می.

اند که کمتر از حد ایشان راو اگر دو زن را در یک لحاف برهنه بیابند بعضی از علما گفته زنند و در مرتبه چهارم‌کنند در دو مرتبه و بعد از دو تعزیر در مرتبه سیم صد تازیانه می‌تعزیر می کشندمی ...

و دو زن را برهنه در زیر یک لحاف حرام است خوابیدن و احوال آن است که برهنه هم که نباشند در زیر یک لحاف نخوابند و اگر ضرورتی باشد لحاف را در میان ته کنند و در حدیث صحیح از امام محمدباقر و امام جعفر صادق (ع) منقول است که روزی حضرت امیرالمؤمنین خواهیم امام حسن گفت: چه کارنشسته بود ناگاه گروهی آمدند و گفتند: حضرت امیر را می ای است گفتند: زنی شوهرش با او جماع کرد چون‌ای داریم فرمود: چه مسئله‌دارید گفتند: مسئله فارغ شد زن به همان گرمی برخاست و با دختر باکره مساحقه کرد و نطفه مرد را در فرج او ریخت و دختر به آن نطفه حامله شد چه باید کرد؟

گویم اگرامام حسن گفت: مسئله مشکل است و پدرم باید جواب بگوید و من جواب می درست باشد از جانب خدا و از جانب پدرم خواهد بود و اگر خطا کنم از خودم خواهد بود باید آید تا بکارت او برطرف نشود وکه از زن مهر آن دختر باکره را بگیرند زیرا که فرزند بیرون نمی کشند تا فرزند از آن دختر متولد شودکنند برای اینکه شوهر داشته و انتظار می‌زن را سنگسار می زنند که راضی به‌دهند که پدر او است و دختر را حد می‌و آن فرزند را به صاحب نطفه می مساحقه شده است

چون به نزد امیرالمونین رفتند و قضیه را با حکم امام حسن عرض کردند فرمود: اگر نزد من آمدید جواب من همان بود که پسرم گفت‌می.

فصل چهارم: در بیان حد قیادت

یعنی قرمساقی که جمع کند میان مردی و زنی برای زنا یا میان دو مرد برای لواط و مشهور اندزنند که هفتادوپنج تازیانه است و بعضی گفته‌ربع حد زنا می‌میان علما آن است که او را سه گردانند که رسوا شود و از شهر بیرونش‌تراشند و بر دور شهر یا قبیله می‌بعد از حد سرش را می کنندمی...

فصل پنجم: در بیان حد وطی بهائم و اموات

حسب متعارف‌اللحم باشد که گوشتش را به‌کسی که با حیوان جماع کند اگر مأکول شودخوردند مانند گوسفند و گاو شتر چند حکم ثابت می.

کنند به آنچه امام مصلحت داند وکننده عاقل و بالغ باشد بنابر مشهور اول تعزیر می‌اگر وطی وپنج تازیانه گفتند و بعضی صد تازیانه گفتند و در روایتی کشتن نیز وارد شده استبعضی بیست در مرحله سیم یا چهارم.

ها حرام است وآنکه گوشت آن حیوان و فرزندانی که بعد از آن فعل به هم رسند و شیر آن زنند و همچنین‌کنند و قرعه می‌اگر به حیوانات دیگر مشتبه شود آن حیوانات را به دو قسمت می اندتا منحصر در عدد حرام شود و باقی حلال

آنکه واجب است آن حیوان را ذبح کنند و بسوزانند نه برای عقوبت آن حیوان بلکه برای دانیم‌مصلحتی که ما نمی

در وطی اموات

زنا کند اگروطی مردگان در احکام مثل وطی زنده است اگر کسی با زن بیگانه مرده زنند وکنند و اگر زن نداشته باشد صد تازیانه می‌محصن باشد و زن داشته باشد او را سنگسار می

کنند و اگر با زن خود بعد اززیاده بر وطی زنده به قدر آنچه امام مصلحت داند او را تعزیر نیز می زنند و حکم زنا با زنان‌کنند و حد نمی‌مردن او وطی کند یا با کنیز مرده خود او را تعزیر می محرم بعد از مردن و لواط کردن با پسر مرده و ثابت شدن به چهار گواه و چهار اقرار همه مثل حکم زنده است.

در بیان حد فحش

کننده‌حد فحش نسبت دادن شخصی است به زنا یا لواط مثل آنکه بگوید تو زناکاری یا لواط یا من زنا کردم به تو یا فلان داده یا فلان خورده و امثال این از عباراتی که دلالت بر زنا یا لواط کند خواه به فاعل بودن خواه به مفعول بودن و اگر بگوید به فرزندی که اقرار به او کرده باشد تو فرزند من نیستی فحش است نسبت به مادر آن فرزند و اگر همچنین به دیگری بگوید تو فرزند پدر خود نیستی فحش است نسبت به مادر او یا بگوید ای ولد زنا

دهنده و دشنام داده شده‌شرایط دشنام

شرط است در حد زدن که دشنام دهنده بالغ و عاقل و مختار باشد پس اگر نابالغ فحش کنند و بر دیوانه چیزی نیست مشهور آن است که در حد کامل آزادی‌گوید او را تأدیب می اند چهل تازیانه‌زنند و بعضی گفته‌شرط نیست اگر بنده فحش گوید او را هشتاد تازیانه می زنندمی ...

سیم در مقدار حد فحش و احکام آن

گوینده‌حد فحش هشتاد تازیانه است خواه مرد باشد خواه زن فحش

کنند وزنند و برهنه نمی‌و خواه آزاد باشد و خواه بنده بنابر مشهور او را با جامه حد می زنندتر از حد زنا می‌سست.

در حد خوردن شراب و سائر مسکرات

های مایع را بیاشامد مانند شراب و بوزه خواه از جو به عمل‌کننده‌کسی که چیزی از مست آید خواه از گندم خواه از برنج یا ذره و خواه از شکر و خواه از خرما و هر چه آدمی را مست کند و عقل را زایل گرداند اگر چه یک قطره آن را بخورد یا معجونی بخورد که در آن داخل ها با بلوغ و عقل و علم به حرام‌کرده باشند هر چه مضمحل شده باشد و مست نکند و خوردن آن شودبودن و عدم اکراه و جبر حد واجب می.

مشهور آن است که حدش هشتاد تازیانه است خواه مرد باشد خواه زن خواه بنده خواه آزاد زنند نصف حد آزاد و خالی ازو بعضی از علما را اعتقاد آن است که بنده را چهل تازیانه می

کشندقوت نیست که در مرتبه سیم و یا چهارم او را می.

زنندفرمایند اگر توبه کرد او را حد می‌اش می‌اگر یکی شراب خورد و آن را حلال داند توبه کشندو اگر قبول توبه نکرد او را می.

فرمایند و اگر اصرار نماید و قبول‌فروش است و حلال داند او را توبه می‌کسی که شراب کشندتوبه نکند او را می.

در بیان حد دزدی

برند و او رااگر کودک نابالغی دزدی کند مشهور میان علما آن است که دستش را نمی بخشند در مرحله‌اند که در مرتبه اول و دوم او را می‌کنند و بعضی از علما گفته‌تأدیب و تعزیر می تراشند که خون جاری‌کنند و در مرحله چهارم گوشت سر انگشتانش را می‌سیم تعزیرش می برند و در مرتبه ششم از پنج انگشتان‌شود و در مرحله پنجم بند بالای چهار انگشتش را می برند به روش مردان بالغ‌می

کنند و اگر در حال عقل دزدی کند واگر دیوانه در حال دیوانگی دزدی کند تعزیرش می شودبعد از آن دیوانه شود مشهور آن است که حد ساقط نمی

فصل دوم: در نصاب قطع است

در آن خلاف است و مشهور میان علما آن است که ربع دینار است یعنی چهار یک اشرفی تمام چهار دانگ و نیم مضروب به سکه معامله یا قیمت آن...

فصل سوم: در بیان حد دزد

هرگاه عاقل و بالغ مقدار نصاب را بدزدد از حرز و ثابت شود واجب است بر دزد که مال را فرماید چهار انگشت اوپس دهد و اگر تلف شده باشد مثل یا قیمت آن را بدهد و حاکم شرع می برند و کف دست و انگشت ابهام را برای‌را از بندی که متصل به کف است از دست راست می برند و اگرگویند که از بند دست می‌گذارند برای وضو و نماز نه به نحوی که سنیان می‌او می برند از مفصل میان قدم و پاشنه رابعد از بریدن دست در مرحله دوم دزدی کند پای چپش را می برند و اگر در مرتبه‌گذارند که در نماز تواند ایستاد نه روش سونیان که از قوزک می‌برای او می کنند و اگر در زندان نیزسوم دزدی کند بعد از بریدن دست و پا در زندان او را همیشه حبس می کشندبدزدد او را می.

فصل پنجم: در حد محارب است

محارب آن کسی است که حربه و سلاحی برهنه کند از برای ترسانیدن مردم خواه در دریا خواه در صحرا ... اگر همه حربه عصایی باشد یا سنگی باشد و مشهور آن است که زن و مرد هر اند ازشود و بعضی شرط کرده‌اند زن محارب نمی‌دو در این باب یک حکم دارند بعضی گفته اند کسی باشد که مردم از او بترسند اگر مرد ضعیفی‌اهل ریبه و تهمت باشد و بعضی شرط کرده باشد که کسی از حمله او نترسد هرچند قسط ترسانیدن کند محارب نیست.

در بیان حد محارب

فرمایدتعالی می‌حق:

نمایند در زمین از برای‌کنند با خدا و رسول و سعی می‌ها که محاربه می‌نیست پاداش آن وپاهای ایشان را مخالف یکدگر یافساد مگر آنکه بکشند ایشان را یا بردار کشند یا ببرند دست بیرون کنند ایشان را از زمین

و میان علما در این مسئله دو قول است اول آنکه مخیر است میان چهار امر که یا او را گردن بزند یا بردار کشد یا دست راست و پای چپش را ببرد یا که او را از شهر بیرون کند.

ها حد جماعتی است اگر آدم‌ها بر سبیل تخییر نیست بلکه هر یک از این‌قول دوم آنکه این کشندکشته است پس او را می

گیرند دست راست و پای چپش رااگر آدم کشته است و مال هم برده است مال را پس می کشند برای عبرت‌کشند و سپس بردار می‌برند سپس او را می‌می

برند و از شهر بیرونو اگر مال گرفته و نکشته است دست راست و پای چپش را می اندازندمی

فصل ششم: در بیان حد مرتد

مرتد کافر شدن بعد از اسلام است به آنکه اقرار کند که از دین اسلام به در رفتم یا اظهار یکی از ادیان باطله کند مانند دین یهودان یا ترسایان یا گبریان یا انکار کند چیزی را که ضروری دین اسلام باشد یا اثبات کند چیزی را که ضروری است در داخل دین نیست یا کاری کند که صریحاً دلالت بر خروج از اسلام و عدم اعتقاد به آن کند...

اقسام مرتد

یا زن است یا مرد یا مرتد فطری است یا مرتد ملی

زاده و خواه بعد از کفر مسلمان شده باشد مشهور میان علما آن استزن مرتد خواه مسلمان

کنند و اگر توبه نکرد او راکنند اگر توبه کرد قبول می‌کشند بلکه او را جبر بر توبه می‌که او نمی زنندش که توبه کند یا در حبس بماند تا بمیردکنند و در اوقات نمازها می‌حبس می.

مردی که مرتد شود و بر فطرت اسلام باشد یعنی یکی از پدر و مادر او در هنگام بستن نطفه اش مقبول‌گویند و مشهور آن است که اگر توبه کند توبه‌او مسلمان باشد این را مرتد فطری می شود و عده وفات داردکه مرتد شد زنش بر او حرام می‌کشند و همین‌نیست و به هر حال او را می کننداش تقسیم می‌و مالش را میان ورثه.

مرد مرتد ملی شخصی است که پدر و مادرش کافر بوده باشند و او مسلمان شده باشد و بعد کنند اگر توبه نکند او رااش را قبول می‌فرمایند اگر توبه کند توبه‌از آن مرتد شود او را توبه می قدر که دیگر امید توبه کردن اواند آن‌کشند و در مدت توبه نمودن خلاف است بعضی گفته‌می کشندکنند و روز چهارم می‌اند که سه روز او را تکلیف توبه می‌نباشد و بعضی گفته.

در بیان سایر احکام

فرزندانی که مرتد پیش از مرتد شدن به هم رسانده حکم مسلمان دارند خواه فطری باشد خواه ملی و اگر مادر و پدر هر دو مرتد باشند و در حال ارتداد از ایشان فرزندی به هم رسد کشندموافق مشهور حکم مرتد دارند و اگر مسلمانی یکی از ایشان را بکشد او را در عوض نمی توان گرفت و بعضی‌توان گفت اقوی آن است که نمی‌و خلاف است که آیا او را به بندگی می توان بنده کرد و اگر در میان مسلمانان باشد نه و بعداند اگر در میان کافران حربی باشد می‌گفته کشندکنند و اگر قبول نکرد می‌از بالغ شدن ایشان را تکلیف اسلام می.

فصل هفتم: در بیان سائر حدود و بعضی از احکام متفرقه

در بیان سحر است و جادو کردن از جمله گناهان کبیره است و اگر مسلمانی جادو کند و کنندکشند و اگر کافر جادو کند و در امان باشد او را تعزیر می‌ثابت شود او را می.

فصل دوم

کسی که مردی را ببیند که اراده بدی نسبت به زن او یا پسر او یا غلام او دارد به کمتر از تواند متوجه دفع شود و اگر در دفع کردن آن فاسق کشته شود خونش هدر است ولواط و زنا می اندعوض ندارد و بعضی محارم را نیز داخل کرده.

فصل سوم

کسی که بر خانه کسی مشرف شود از بامی اگر چه بام خانه او باشد یا از رخنه دیواری نظر توانند بر او چوبی‌توانند او را زجر و منع کنند و اگر ممتنع نشود می‌به حرم مردم نامحرم کند می

یا سنگی بیندازند و اگر به این انداختن کشته شود خونش هدر است و اگر محرم زنان باشد توانند کردزجرش می.

فصل چهارم

تواند زد اگر کاری کرده باشد که مستوجب حدمشهور است که آقا غلام خود را حد می شده باشد و اگر به قدر حد بزند او را بدون آنکه عملی کرده باشد که مستوجب حد باشد بعضی اند واجب است او را آزاد کندگفته.

باب هشتم: در بیان تعزیرات

حسب شرع عقوبتی یا اهانتی است که بر گناهی کنندتعزیر در لغت به معنی تأدیب است و به اند مقدار معینی برای آن نباشد مطلقاً یا غالباً وکه فاعل آن مستوجب حد نباشد و بعضی گفته اند میان حد و تعزیر اول عدم تعیین اندازه آن‌چند فرق کرده

دوم مساوی بودن آزاد و بنده

سیم تفاوت تعزیر در بزرگی و کوچکی گناه

چهارم آنکه متعلق به تعزیر نیست که نسبت به فاعل معصیت باشد

پنجم ساقط شدن تعزیر به توبه

فصل سوم: در بیان انواع تعزیر

کسی که در روز ماه مبارك رمضان با زن خود جماع کند اگر زن نیز راضی باشد هر یک را زنند و اگر زن را جبروپنج تازیانه می‌قضا و کفاره واجب است و حاکم شرع هریك را بیست زنندزنند یعنی او را پنجاه تازیانه می‌کرده است مشهور آن است که کفاره زن را نیز بر مرد می.

کسی که به انگشت بکارت دختری را ببرد در حدیث صحیح وارد شده است که او را هشتاد زنند و مشهور تعزیر استتازیانه می.

کسی که پسری را ببوسد

دو زن یگانه که ایشان را برهنه در زیر یك لحاف بیابند

طفل یا دیوانه که شراب خورند

کسی که جلق کند و به دست خود استمنا کند تا منی بیاید

کسی که در مجلس با اختیار خود شراب بنوشد

ای که زنا یا لواط کندطفل یا دیوانه

روایت معتبری وارد شده است که هرگاه کافر ذمی مسلمانی را فحش بگوید و نسبت دهد به زنند وزنند و هشتاد کم یک تازیانه برای حرمت اسلام می‌زنا او را هشتاد تازیانه برای فحش می ... گردانند تا دیگر چنین کاری نکند وتراشند و در میان اهل دینش می‌سرش را می

در حدیث معتبر منقول است که هرگاه زن شوهرداری زنا کند و حامله شود و بعد از وضع زنند و بعد از آن سنگسارش‌حمل فرزند خود را بکشد او را صد تازیانه برای کشتن فرزند می زنند برای‌کنند و اگر شوهر نداشته باشد و زنا کند و فرزند خود را بکشد او را صد تازیانه می‌می زنا و صد تازیانه برای کشتن فرزند

مطلب اول: در بیان احکام قصاص

فصل سیم: در بیان احکام اشتراک جنایات است

اول هر گاه چند نفر یک شخص را بکشند خواه همه بر او حربه بزنند که معلوم باشد که حربه همه دخل در کشتن داشته یا همه او را بگیرند و از بام به زیر اندازند یا به دریا اندازند یا گیرد اما اگر یکی گوشش را برید وریسمانی در گلویش کنند تا بمیرد قصاص به همه تعلق می ها قصاص‌باقی بر او خنجر زد تا مرد بر آنکه گوش بریده همان قصاص گوش است و بر آن گیرد و اگر ده کس‌نفس و وارث که ولی خون است اگر به دیه راضی شود از همه یک دیه می ...تواند همه را بکشدگیرد و اگر قصاص خواهد کند می‌کشته باشند از هر یک ده یک دیه می

تواند هر دو را بکشد وهر گاه دو زن آزاد مسلمان در کشتن یک مرد شریک شوند می چیزی ندهد برای آنکه دیه زن نصف دیه مرد است و اگر زیاده از دو زن یک مرد را کشته باشند تواند همه را بکشد و تفاوت دیه را بدهد و همچنین اگر چند کنیز یا کافره ذمیه مسلمانی رامی .کنندتواند کشت و تفاوت دیه و قیمت همه را با دیه مرد آزاد حساب می‌کشته باشند همه را می

فصل چهارم: در بیان شرایط قصاص

اند تا به ثلث دیه کل برسد چون دیه عضو به ثلث رسید یادر دیه اعضا مرد و زن مساوی شود مثل آنکه مردی اگر یک انگشت زنی را ببرد ده‌زیاده دیه عضو زن نصف دیه عضو مرد می دهد و اگر سه انگشت زن را ببرد سی‌دهد و اگر دو انگشت زنی را ببرد بیست شتر می‌شتر می دهد و اگر چهار انگشت زن را ببرد بیست شتر برای آنکه به ثلث دیه رسید در مرد چهل‌شتر می ...شتر است و در زن بیست شتر است

خواهد قصاص‌اگر شخصی دو غلام داشته باشد و یک غلام او دیگری را بکشد آقا اگر می

کند و همچنین اگر غلام آقای خود را بکشدخواهد عفو می‌کشد و اگر می‌کند به عوض می‌می
.بخشدکشد او را و اگر خواهد می‌اگر وارث خواهد می

توان کشت و وارث مخیر است میان آنکه‌اگر بنده آزادی را بکشد عمداً بنده را به عوض می
تواند گرفت‌رضا آقا به بندگی نمی‌اند بی‌او را بکشد یا به بندگی بگیرد بنابر اقوی و بعضی گفته
تواند او را همان جراحت بکند و اگرو اگر غلامی جراحتی کرد آزادی را عمداً مجروح می
...مورد قصاص باشد و اگر دیه طلب کند مولی باید دیه آن جراحت را بدهد

شرط دوم

در قصاص آن است که قاتل و مقتول در دین مساوی باشند و این چند مطلب است

کشند خواه کافر جزیه دهد یا در امان مسلمانی باشداول آنکه مسلمان را به عوض کافر نمی
یا حربی باشد و اگر جزیه ده را بکشد که از یهودان یا ترسایان یا گبران باشد حاکم شرع او را
... دهدکند و دیه ذمی می‌تعزیر می

دوم اگر کافر ذمی مسلمانی را بکشد عمداً اشهر آن است که او را و مالش را به ورثه مقتول
...گیرندگیرند و فرزندان نابالغ او را نیز به بندگی می‌دهند و اگر خواهند به بندگی می‌می

کشند و اگر کشته‌سیم اگر کافری کافر دیگری را بکشد و مسلمان شود او را به عوض نمی
...دهدشده از اهل ذمه باشد دیه او را می

ای بکشد مشهور آن است که اگر بیش از بالغ شدن‌زاده‌چهارم اگر ولد زنا را مسلمان حلال
...کشندولد زنا باشد او را به عوض نمی

کشند واند او را به عوض می‌پنجم اگر کافر ذمی مسلمانی را که مرتد شده باشد بکشد گفته
... کنند اجماعااگر مسلمانی مرتد را بکشد قصاص نمی

شرط سوم

در قصاص آن است که قاتل پدر مقتول نباشد و در آن چند مسئله است

کشند هرچند به عمداول آنکه اگر شخصی فرزند خود را بکشد پدر را به عوض فرزند نمی
کشته باشد بلکه واجب است اگر عمداً کشته باشد کفاره قتل عمد بدهد و دیه به سایر ورثه بدهد
...کندو حاکم شرع او را تعزیر می

شرط پنجم

حسب شرع محفوظ باشد و قتل بر او واجب نشده باشد پس اگردر قصاص آن است که به

مسلمانی مرتدی را بکشد یا زانی که زنای آن ثابت شده باشد و مستحق قتل شده باشد در عوض باشد برای کسی که قصاص بر او لازم شده‌کشند و همچنین قصاص نمی‌او را نمی ...

فصل ششم: در کیفیت استیفای قصاص

مقصد اول

شود و بس و اگر وارث خون و قاتل‌مشهور میان علما آن است که قتل عمد قصاص لازم می اند لازم‌شود و آنچه کرده‌هر دو راضی به دیه بشوند و صلح کنند بر مالی قصاص ساقط می شود و اگر وارث دیه طلب کند و قاتل راضی نباشد و گوید مرا به عوض بکش او را جبرمی شوددهم تا وارث راضی نشود قصاص ساقط نمی‌تواند کرد بر دیه و اگر قاتل گوید دیه می‌نمی.

مقصد هشتم

در بیان احکام متفرقه است و در آن چند مسئله است

اول اگر شخصی دست دیگری را ببرد پس دیگری را بکشد اول دست او را برای اول کشند و همچنین اگر اول کشته باشد کسی را و آخر دست‌برند بعد از آن او را برای دوم می‌می زنندبرند و آخر گردنش را می‌دومی را بریده باشد باز اول دستش را می.

فصل هفتم: در بیان احکام قصاص اعضا و جراحات

هفتم

اعور یعنی کسی که یک چشم دارد یک چشم کسی را که دو چشم داشته باشد کور کند و شود چشمش کور شود باید چشم مردم را کورکنند هرچند به دو دیده کور می‌از او قصاص می نکند و اگر به عکس باشد چشم صحیحی اعور را کور کند چون این یک چشم به جای دو باید دیه دو چشم را بدهد یعنی دیه تمام انسان و مشهور آن است‌چشم او است اگر دیه دهد می گیردکند و دیه یک چشم را نیز می‌که یک چشمش را کور می.

مطلب دوم: در بیان احکام دیات

الحجه محرم و رجب‌القعده ذی‌های حرام بکشد یعنی ماه ذی‌اگر کسی مسلمانی را در ماه باید یک ثلث دیه بر دیه بیفزاید و بدهد از هر جنسی که دهد و بعضی از فقها قائل شدند که‌می انداند مستندی ندارند و غافل شده‌اگر در حرم بکشد نیز این حکم را دارد و اکثر متأخران گفته در تهذیب و کلینی هر دو حدیثش مذکور است و اگر هم در حرم باشد و هم در ماه حرام بعضی اند که اضافه باید کرد و در دیه اعضااند یک ثلث کافی است و بعضی به دو ثلث قائل شده‌گفته

شود و دیه زن در جمیع اجناس مذکوره نصف دیهاگر در اشهر حرام واقع شود چیزی زیاد نمی مرد است و دیه ولد زنا اگر اظهار اسلام کند موافق مشهور مثل دیه مسلمانان است و بعضی اند در اصل دیه ندارد و در دیه ذمی یعنی یهودی واند مثل دیه کافر ذمی و بعضی گفته‌گفته صد درهم‌اند که هشت‌نصرانی و مجوسی که جزیه دهند و در امان باشند خلاف است اکثر گفته است و در بعضی از روایت چهار هزار درهم وارد شده است و بنابر مشهور دیه زن ذمیه چهارصد درهم است و دیه غلام قیمت او است مادام که زیاده از دیه حر نباشد و اگر زیاده باشد به دیه های اعضای او را نسبت به قیمتش اعتبارکنند و جراحت‌گردد و زیادتی را اعتبار نمی‌آزاد برمی ...کنندمی

درباره جهان آرمانی

A MANIFESTO FOR UNIVERSAL FREEDOM

افکن آغاز شد: آیا انسان تنها معیارِ سنجشِ**جهان آرمانی** از یک پرسشِ ساده اما بن اند،حقیقت و عدالت است؟ در عصری که ساختارهای قدرت، مرزهای تفکر را محدود کرده این بستر پاسخی است برای بازتعریفِ همزیستی. در این فضا، آگاهی نه فقط یک ابزار، بلکه ای که برهای مذهبی و از سلطه‌های متحجر، از سرکوب‌خودِ مسیر است؛ مسیر عبور از نظام راندجسم و ذهنِ جانداران حکم می.

در گذر از تاریخ، انسان همواره خود را محورِ حقیقت دانسته است. اما جهان آرمانی، با ی تفکری‌بینی بر پایه‌کشبد. این جهان**پنداری،** این مرکزیت را به چالش می‌ی **جان**فلسفه داند. جان نه ابزار است، نه دارایی و نه‌شکل گرفته که موجودات زنده را فارغ از گونه، برابر می هاست‌تابعِ قدرت؛ بلکه جوهرِ زندگی است و آزادی، حقِ تمامی جان.

> محور دارد.محوری: استثمارِ جانداران و طبیعت، ریشه در ایدئولوژی انسان‌نقدِ انسان ما به دنبال خروج از این مرکزیتِ کاذب هستیم.
> ی دیگری‌ای: عدالت زمانی معنا دارد که هیچ جانی تحت سلطه‌عدالتِ فراگونه ی خاصی نیست‌نباشد. حقِ زیستن، امتیازِ هیچ طبقه.

آغازگرِ این مسیر:

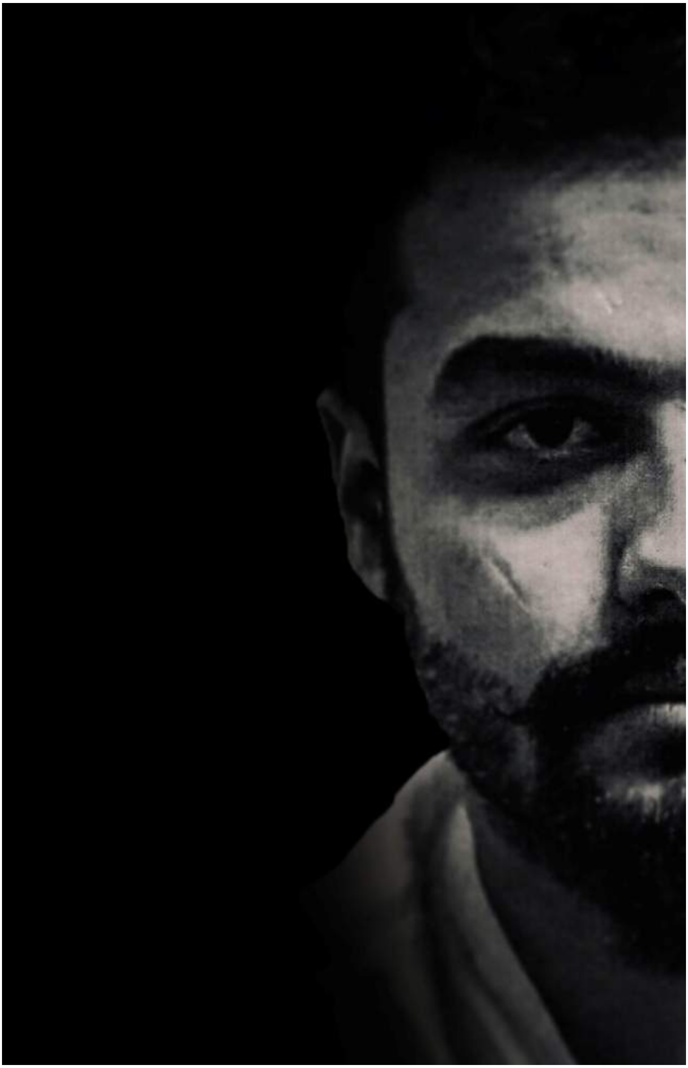
پنداری، برآیندِ جان‌ای، روایتی از یک زیستن است. جهان آرمانی و فلسفه‌هر اندیشه هایِ هستی در مسیرِ زندگیِ **نیما شهسواری** است؛ کسی‌ها تأمل، نوشتار و مواجهه با رنج‌سال ها را به ابزاری برای رهایی تبدیل کردکه با پخش آگاهی، واژه.

← روایتِ نیما شهسواری؛ از عصیان تا آگاهی

"Idealistic World begins with a fundamental question: Is human the sole measure of truth and justice? In an era where structures of power constrain thought, this platform is a manifesto to redefine coexistence, placing universal consciousness above all anthropocentric dominations."

نیما شهسواری؛ روایت یک بیداری

ARCHITECT OF THE JANGARA-ISM PARADIGM



نیما شهسواری (متولد ۱۳۶۸، مشهد)، بنیان‌گذار پارادایم فلسفی «جان‌گرایی»، نویسنده و

شاعری است که نگاشتن را از ۱۵ سالگی آغاز کرد. مسیر خلاقانه او به خلق بیش از ۵۰ جلد اثر های تحقیق، رمان، داستان و شعر انجامیده است. او در ۳۲ سالگی با اتخاذ تصمیمی‌در قالب اخلاقی و در مخالفت با غارت تن درختان و انحصار معرفت، تمامی آثار خود را به صورت دیجیتال در اختیار جامعه قرار دادرایگان و تمام.

> «گرایی، باوری عمیق و رادیکال به اصالت، ارزش ذاتی و برابری بنیادین تمامی‌جان ها، حیوانات و گیاهان در ساحت گیتی است.دار اعم از انسان‌موجودات جان زیستن در آزادی، پیش از آنکه حق باشد، یک رزمِ مداوم است.»

پنداری، «جان» نه امتیازِ انسان، بلکه جوهرِ مطلقِ حیات است که در نبضِ جان‌در فلسفه شدگی و نقدی انسان‌ست. نیما شهسواری با واسازی کارخانه‌یِ گیاه نیز جاری‌حیوان و ریشه الهیاتِ درندگی، رسالت وجودی خود را استقرار «قانون منع آزار» به عنوان یگانه اصل حاکم بر تمدنِ معنا می‌داند.

مکتب فکری:	گرایی‌پارادایم جان (Jangara-ism)
حجم آثار:	بیش از ۵۰ جلد کتاب و دیوان شعر
ایدئولوژی نشر:	دیجیتال، صیانت از درختان‌باز، تمام‌متن

***Nima Shahsavari** (b. 1989), the founder of the "Jangara-ism" philosophical paradigm, released his entire library of 50+ volumes for free, opposing the commercialization of thought and exploitation of trees. He defines life not as a human privilege, but as an interconnected network of equal conscious beings.*

بسترهای بیداری در جهان آرمانی

وگو جریان یابد. پادکست «**به نام جان**» باکند که در مسیر گفت‌تفکر تنها زمانی معنا پیدا می شده عبورهای تثبیت‌رویکردی بداهه و آزاد، تلاشی برای بیان تفکری است که از چارچوب .کند تا پلی میان اندیشه و شنونده باشدمی

مخزن کتابخانه آزاد آثار
تالار گفتمان دیالوگ و تبادل آگاهی
نام جان‌آرشیو پادکست به
های صوتی‌مخزن کتاب
هادیوان اشعار و سروده

های رسمی‌ها و پلتفرم‌شبکه

Spotify :اسپاتیفای | Castbox :باکس‌کست

Apple Podcasts :اپل پادکست

Internet Archive :بایگانی جامع دیجیتال

Goodreads Profile :شناسه کتابشناختی جهانی

YouTube :یوتیوب | Telegram :کانال تلگرام